نمره ــ ۵۶

مکتوب سرادواردگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه (لندن) ۲۲ نوامبر۱۹۰۷
[۲۹ آبان ۱۲۸۶؛ ۱۵ شوال۱۳۲۵]

آقا

در بین صحبت با شارژ دافر ایران از وضع مغشوشهٔ ایران بطور عموم وازحوالی اهواز خصوصاً مذاکره بمیان آمد. به ایشان گفتم که دولت فخیمهٔ اعلیحضرتی بواسطهٔ عدم سکونت و آرامی در ناحیهٔ اهواز بی‌اندازه در خصوص رعایای انگلیس مستخدم نفت که در آنجا توقف داشته و مشغول کارند نگران می‌باشد.

مهدی‌خان وعده‌داد که دقت دولت ایران را راجع به اوضاع امور معطوف سازد.

(امضا) ای. گری

نمره ــ ۵۷

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران سی‌ویکم اکتبر ۱۹۰۷
[۷آبان ۱۲۸۶ ؛ ۲۳رمضان۱۳۲۵]

آقا

افتخاردارم با این مکتوب سواد یادداشتی راکه به‌دولت ایران مربوط‌به‌عدم ایصال منفعت بدهی آن دولت از بابت قرضهٔ سنهٔ ۱۹۰۳ و ٤ فرستاده شده انفاد حضور دارم.

در آن یادداشت تذکار کردم که تاکنون جواب شروط دولت فخیمه در خصوص قبول خواهش ایران راجع به تعویق اقساط استهلاك قرضهٔ مزبوره هیچ داده نشده است.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

در جوف نمره ــ ۵۷

مراسلهٔ مستر مارلینگ به علاءالسلطنه

طهران پانزدهم اکتبر ۱۹۰۷
[۲۲ مهر ۱۲۸۶؛ ۷ رمضان ۱۳۲۵]

خدمت حضرت اشرف

حضرت اشرف بخوبی مطلعید که تأدیهٔ ربح و قسط استهلاك سالیانهٔ قروض ۱۹۰۳ و ۱۹۰٤[۲ــ۱۲۸۱خ؛ ۲۱ــ ۱۳۲۰ق]دولت ایران به‌دولت انگلیس درصورت کفایت نکردن عایدات گمرکات فارس و خلیج فارس داده شود مع‌هذا از بابت امساله هیچ نپرداخته ولهذا منطقاً همچه معلوم می‌شود ودرحقیقت دولت فخیمه‌می‌تواند اعتقاد نمایدکه مالیاتهای مذکوره صرف مقاصد دیگر شده است. بنابراین از دولت متبوعه به‌من دستور داده‌اند

که محض اطلاع از حضرت اشرف استفسار نمایم که دولت ایران چه دلایل مقنعی می‌تواند اقامه نماید که آن مالیاتهایی راکه رسماً برای تأمین تأدیهٔ قرضهٔ به‌انگلیس تخصیص یافته بود به محلهای لازمهٔ دیگر مصروف داشته‌اند.

بعلاوه به‌من امر شده است که خاطر آن حضرت اشرف را در خصوص شروط دولت فخیمه راجع به قبول خواهش دولت ایران در تعویق موقتی اقساط استهلاك قرضه مذکوره یادآوری نمایم.

شروط مندرجهٔ در مراسلهٔ سراسپرینگ رایس مورخهٔ سی‌ویکم ماه اوت که ارسال آنجناب داشته بود بایستی تصدیق کرد که خیلی سهل است و تحمیل تازه‌ای برخزانهٔ ایران وارد نیاورده بلکه سهل‌تر از آنگونه شرایطی است که اشخاص غیر رسمی در اینگونه معاملات محض احتیاط قرار داد می‌کنند لهذا انتظار آن می‌رفت که بزودی پذیرفته شود.

اساس آن خواهش بایستی طبیعتاً مبنی برآن باشد که منفعت قرضهٔ فوق‌الذکر منظماً پرداخته شود ولی کمال دلتنگی و تأسف است برای دولت انگلیس که همراهی آن دولت در موضوع قسط استهلاك بطوریکه درخور آن باشد جلب امتنان نموده.

با کمال افتخار از حضرت اشرف خواهش می‌نمایم که بدون تأخیر اطلاع بدهید چه جوابی در این خصوص من بایستی به‌دولت فخیمه معروض دارم.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره ــ ۵۸

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران غرهٔ نوامبر ۱۹۰۷

[۸ آبان ۱۲۸۶؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۵]

آقا

بعد از آنکه قنسول دولت اعلیحضرتی مقیم کرمانشاه راپورت دادکه شهر دوباره به حالت بی‌نظمی درآمده و پی‌درپی از بالای قنسولخانه گلوله می‌گذرد وباعث مخاطرهٔ ساکنین آنجا می‌باشد من نزد رئیس‌الوزراء رفته از ایشان خواهش نمودم که اقداماتی در اعادهٔ نظم آن ولایت بعمل آورند و نیز گفتم که از راپورت کاپیتن هاورس واضحاً معلوم می‌شود محرکین این اغتشاشات فقط مقصودشان ممانعت سیف‌الدولهٔ حاکم است از مراجعت به کرمانشاه که عدم کفایت و بی قابلیتی او سبب حوادثی گردیدکه درماه ژوئن گذشته جمع کثیری از مردم به قنسولخانه رفته بست اختیار نمودند و باعث شد که بطرف آنجا شلیك کردند ونیز به خاطر آنجناب آوردم که سیف‌الدوله بنابر خواهش سفارت رسماً از کاپیتن‌هاورس معذرت خواسته و بعلاوه وی را به طهران احضار نمودند و همچنین اظهار داشتم که با این حالات نمی‌دانم دولت ایران چه تصوری می‌کند که اورا مجدداً به کرمانشاه معاودت می‌دهد و هرگاه دولت در این قصد یافشاری واصرار داشته باشد البته

آن را باید اقدام غیر دوستانه نسبت به دولت اعلیحضرتی انگلستان حمل و محسوب دارم.

جناب ایشان گفتند که این پیشنهاد از طرف مجلس شده است. دسته‌ای از اهالی کرمانشاه به طهران آمده در مقابل خساراتی که هنگام غارت شدن یك قسمتی از شهر به ایشان وارد گردیده از سیف‌الدوله ادعای غرامت می‌نمایند. بنابر این مجلس متحیر بود که در این موضوع چگونه معامله نماید لیکن چون سیف‌الدوله متعهد شد که اگر اجازهٔ مراجعت به کرمانشاهان بیابد این دعاوی را فیصله خواهد داد لهذا درخواست معزی‌الیه پذیرفته آمد. ایشان اظهار مرا که سیف‌الدوله برحسب خواهش سفارت معزول شده رد کردند و می‌گفتند وی مأمور گردیده بود که سالارالدوله را تحت‌الحفظ به پایتخت آورد. من در جواب گفتم بخوبی در خاطر دارم که تقاضای عزل او شفاهاً از طرف ما شده است وهرچند دولت ایران ممکن است طریقه‌ای راکه می‌گوئید محض احتراز ازپذیرفتن رسمی تقاضا اتخاذ کرده باشد ولی در هرحال این مسئله بهیچوجه مدخلیتی به آنچه من در خصوص مراجعت سیف‌الدوله در مد نظر دارم نخواهد داشت.

جناب ایشان وعده دادند که تا می‌توانند در ممانعت آن خواهند کوشید و چند روز بعد اطلاع دادند که از خیال فرستادن وی صرف‌نظر گردید.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره ــ ۵۹

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران بتاریخ ۷ نوامبر ۱۹۰۷

[۱۴ آبان ۱۲۸۶؛ ۳۰ رمضان ۱۳۲۵]

آقا

با کمال افتخار ترجمهٔ مفصلی از قانون اساسی که مجلس تصویب ودر هشتم ماه اکتبر ۱۹۰۷ [۱۵ مهر ۱۲۸۶؛ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵] به صحهٔ شاه توشیح یافته در لف همین عریضه معروض حضور آنجناب می‌دارم.

این قانون اختیارات و اقتدار پادشاهی را کاملا تنزل می‌دهد ولی مهم‌ترین قسمت آن بیشتر راجع به تعیین اختیارات و اقتدار محاکم عدلیه است. اصل هفتاد و یکم وسایر اصول متوالیهٔ آن اگر چه مبهم و غیر مصرح نوشته شده و عمداً این اسلوب را رعایت نموده‌اند هرگاه بموقع اجرا درآید لطمهٔ سختی برقوای قضائیهٔ ملاها خواهد زد. محاکم عدلیه «مرجع رسمی تمام تظلمات عمومی» مقرر گردیده و ظاهراً تعیین رجوع مرافعات به حکام عرف و یا به قضات شرع با این محاکم خواهد بود. ازقرار معلوم قضات شرع مجبورند هرگونه مرافعاتی‌که نزد ایشان برده می‌شود رسیدگی آنها را رجوع به محاکم عدلیه نمایند نه آنکه در محاکم و دارالقضاوه‌های غیر رسمی منعقده در منازل خصوصی خویش یا محل دیگر چنانچه تاکنون مرسوم بوده بگذرانند. حال باید دید که این تغییرات

مهمهٔ ریشه کننده را آیا مجتهدین عملا خواهند پذیرفت؟

از اصل هشتاد و ششم که نیز به عبارت مبهم انشاء گردیده ظاهراً همچه مستفاد می‌شود که حق استیناف و تجدید نظر در تمام احکام محاکم عرفیه یا شرعیه به محکمهٔ استینافی داده می‌شودکه تشکیل آن برطبق قوانین وزارت عدلیه یعنی قوه عرفیه مقرر شده است. اگر این تفسیری که من کرده‌ام صحیح باشد البته واضح است که در مقابل اختیارات وقوای ملاها درباب دادن احکام ازروی هوای نفس وبدون حق، جلوگیری خیلی مؤثری خواهد شد.

این قانون ، نیز مشتمل برنکات دیگر می‌باشد ولی اکثر آنها بقدری علمی و باندازه‌ای مربوط و متصل به تمام دورهٔ جنبش در تجددات است که بدون احاطهٔ مخصوصی برموضوع البته اهمیت و قدر آن با کمال اشکال و صعوبت دانسته می‌شود لهذا من قناعت می‌کنم که توجه جنابعالی را به‌موادذیل معطوف سازم.

در اصل دوم به علما وروحانیین حق‌نظر درتمام قوانینی که از مجلس می‌گذرد داده شده.

اصل هشتم در مقابل قوانین عرفی به تمام ایرانیان تساوی حقوق می‌بخشد (رجوع نمایید به نطقهای بافراست و جالب توجه تقی‌زاده و امام جمعهٔ خوی که این بحث را مخصوصاً اتابك مرحوم مطرح نموده و در ماه گذشته تقریباً آن نطقها اسباب خرابی و تزلزل مجلس گردید).

اصل یازدهم، ممنوع بودن انتخاب محاکم به میل متظلمین و نداشتن حق آن را.

اصل سیزدهم، مصون بودن منازل ومسکن از تعرض ودخول.

اصل هیجدهم، آزادی معارف و تعلیمات.

اصل بیستم ، آزادی مطبوعات.

اصل بیست و یکم، آزادی مجامع.

اصل بیست و ششم و ۲۷، تعیین قوای مملکت «که ناشی از ملت است».

اصل سی‌و پنجم ، تعهد به قید یمین در اطاعت قانون اساسی که هر سلطانی باید قسم یاد نماید. مسئولیت وزراء در مورد دستخطهای پادشاهی .

اصل هفتاد و یکم واصل هشتاد و نهم ، اختیارات محاکم عدلیه را چنانچه درفوق مذکور گردید تعیین می‌نمایند.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

ملفوفه نمره ــ ۵۹

قانون اساسی که مجلس ملی آن را تصویب نموده ودر ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری [۱۵ مهر ۱۲۸۶ خورشیدی] مطابق هشتم اکتبر ۱۹۰۷ به صحهٔ شاه موشح گردیده .

www.adabestanekave.com

قانون اساسی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

اصولی که برای تکمیل قوانین اساسیهٔ مشروطیت دولت علیهٔ ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذی‌القعدة الحرام یکهزار و سیصد و بیست و چهار به صحهٔ مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار نورالله مضجعه موشح شده اضافه می‌شود از قرار ذیل است.

کلیات

اصل اول : مذهب رسمی ایران اسلام و طریقهٔ حقهٔ جعفریهٔ اثنی عشریه است؛ باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد.

اصل دویم : مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم وعامهٔ ملت ایران تأسیس شده است باید درهیچ عصری ازاعصار مواد قانونیهٔ آن‌مخالفتی با قواعدمقدسهٔ اسلام وقوانین موضوعهٔ حضرت خیرالانام صلی‌الله علیه‌وآله وسلم نداشته باشد ومعین است‌که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه برعهدهٔ علمای اعلام ادام‌الله برکات وجودهم بوده و هست ؛ لهذا رسماً مقرر است در هر عصری ازاعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین وفقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند به‌این طریق که علمای اعلام وحجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفرازعلما که دارای صفات‌مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یابیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده به سمت عضویت بشناسند تا موادی که در مجلسین عنوان می‌شود بدقت مذاکره و غوررسی نموده هریك از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسهٔ اسلام داشته باشد طرح ورد نمایند کـه عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علماء در این باب مطاع ومتبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجة عجل‌الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود.

اصل سیم : حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییرپذیر نیست مگر بموجب قانون .

اصل‌چهارم : پایتخت ایران طهران است.

اصل پنجم : الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشیداست.

اصل ششم : جان ومال اتباع خارجهٔ مقیمین خاك ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثناء می‌کند.

اصل هفتم: اساس مشروطیت جزئاً وکلا تعطیل بردار نیست .

---

۱) آنچه در صفحات آینده خواهد آمد متمم قانون اساسی پیشین ایران است و به اصل قانون‌اساسی در این کتاب اشاره‌ای نشده است.ـــم.

حقوق ملت ایران

اصل هشتم: اهالی مملکت ایران درمقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.

اصل نهم: افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هرنوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نمایند.

اصل دهم : غیر از مواقع‌ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را نمی‌توان فوراً دستگیر نمود مگر به حکم کتبی رئیس محکمهٔ عدلیه برطبق قانون و در آنصورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت اعلام و اشعار شود.

اصل یازدهم : هیچکس را نمی‌توان از محکمه‌ای‌که باید دربارهٔ او حکم کند منصرف کرده مجبوراً به‌محکمهٔ دیگر رجوع دهند .

اصل دوازدهم : حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود مگر بموجب قانون

اصل سیزدهم : منزل و خانهٔ هرکس در حفظ وامان است؛ در هیچ مسکنی قهراً نمی‌توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

اصل چهاردهم : هیچیك از ایرانیان را نمی‌توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور به اقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.

اصل پانزدهم : هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملك نمی‌توان بیرون کرد مگر بـا مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیهٔ قیمت عادله است.

اصل شانزدهم : ضبط املاك و اموال مردم به‌عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل هفدهم : سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاك واموال متصرفهٔ ایشان به هرعنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون .

اصل هجدهم: تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل نوزدهم : تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالیه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

اصل بیستم: عامهٔ مطبوعات غیر از کتب ضلال ومواد مضره به‌دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی‌هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشردهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند .

اصل بیست ویکم: انجمنها واجتماعاتی که مولد فتنهٔ دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در اینخصوص مقرر می‌کند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی

هم باید تابع قوانین نظمیه باشد .

اصل بیست و دویم : مراسلات پستی کلیتاً محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردی که قانون استثناء می کند.

اصل بیست وسیم: افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازهٔ صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین می کند .

اصل بیست‌وچهارم: اتباع خارجه می‌توانند قبول تبعیت ایران را بنمایند؛ قبول و بقاء آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است.

اصل بیست وپنجم: تعرض به مأمورین دیوانی در تقصیرات راجعه به مشاغل آنها محتاج به تحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود.

قوای مملکت

اصل بیست و ششم : قوای مملکت ناشی از ملت است ؛ طریقهٔ استعمال آن قوی را قانون اساسی معین می‌نماید.

اصل بیست وهفتم: قوای مملکت به سه شعبه تجزیه می‌شود.

اول: قوهٔ مقننه که مخصوص است به وضع وتهذیب قوانین واین قوه ناشی می‌شود از اعلیحضرت شاهنشاهی ومجلس شورای ملی ومجلس سنا وهریك ازاین سه منشأ حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح به صحهٔ همایونی؛ لکن وضع و تصویب قوانین راجعه به‌دخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است.

شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصهٔ مجلس شورای ملی است.

دویم: قوهٔ قضائیه وحکمیه که عبارت است از تمیز حقوق واین قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات.

سیم: قوهٔ اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت به‌نام نامی اعلیحضرت همایونی اجراء می‌شود به‌ترتیبی که قانون معین می کند.

اصل بیست وهشتم: قوای ثلاثهٔ مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.

اصل بیست ونهم: منافع مخصوصهٔ هرایالت وولایت وبلوك به‌تصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصهٔ آن مرتب و تسویه می‌شود.

حقوق اعضای مجلسین

اصل سی‌ام : وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده‌اند.

اصل سی‌ویکم: یك نفر نمی‌تواند در زمان واحد عضویت هردو مجلس را دارا باشد.

اصل سی‌و دویم : چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشوداز عضویت مجلس منفصل می‌شود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف به استعفای از شغل دولتی و

انتخاب از طرف ملت خواهد بود.

اصل سی‌وسیم: هریك از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند.

اصل سی وچهارم: مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی‌نتیجه است.

حقوق سلطنت ایران

اصل سی و پنجم : سلطنت ودیعه‌ای است که به‌موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده.

اصل سی‌وششم: سلطنت مشروطهٔ‌ایران درشخص اعلیحضرت‌شاهنشاهی السلطان محمدعلی شاه قاجار ادام‌الله سلطنته و اعقاب ایشان نسلا بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل سی‌وهفتم : ولایت عهد درصورت تعدد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل و شاه‌زاده باشد می‌رسد ودر صورتی که برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب فالاقرب به رتبهٔ ولایت عهد نایل می‌شود و هرگاه در صورت مفروضهٔ فوق اولاد ذکور برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد به او خواهد رسید .

اصل سی وهشتم: در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می‌تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که سن او به هیجده سال بالغ باشد. چنانچه به‌این سن نرسیده باشد با تصویب هیئت مجتمعهٔ مجلس شورای ملی ومجلس سنا نایب‌السلطنه‌ای برای او انتخاب خواهد شد تا هیجده سالگی را بالغ شود.

اصل سی ونهم: هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمی‌تواند جلوس کند مگر این که قبل ازتاجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضای مجلس شورای ملی ومجلس سنا و هیئت وزراء به قرار ذیل قسم یاد نماید:

«من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام‌الله مجید و به آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد می‌کنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ ومحروس بدارم، قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و برطبق آن و قوانین مقرره سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و درتمام اعمال وافعال خداوند عزشأنه را حاضر وناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت به ترقی ایران توفیق می‌طلبم و از ارواح طیبهٔ اولیای اسلام استمداد می‌کنم.»

اصل چهلم : همین‌طور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب می‌شود نمی‌تواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد.

اصل چهل ویکم: در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید بتعویق بیفتد.

اصل چهل ودوم: هرگاه دورهٔ وکالت وکلای هردو یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد ووکلای جدید درموقع رحلت پادشاه هنوزمعین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد می‌شود.

اصل چهل‌و سیم: شخص پادشاه نمی‌تواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی‌و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود.

اصل‌چهل و چهارم : شخص پادشاه از مسئولیت مبری است ؛ وزراء دولت در هرگونه امور مسئول مجلس هستند.

اصل چهل وپنجم : کلیهٔ قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجراء می‌شود که به امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است.

اصل چهل وششم: عزل و نصب وزراء بموجب فرمان همایون پادشاه است.

اصل چهل‌و هفتم: اعطای درجات نظامی ونشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است.

اصل چهل وهشتم : انتخاب مأمورین رئیسهٔ دوائر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعی که قانون استثناء نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع به‌پادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.

اصل چهل ونهم: صدور فرامین واحکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید.

اصل پنجاهم : فرمانفرمایی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه است.

اصل پنجاه ویکم: اعلان جنگ و عقد صلح با شخص پادشاه است.

اصل پنجاه و دویم : عهدنامه‌هایی که مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخهٔ چهاردهم ذیقعدهٔ یکهزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد بعد از رفع محظور، همین که منافع وامنیت مملکتی اقتضاء نمود با توضیحات لازمه باید ازطرف پادشاه به مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود.

اصل‌پنجاه و سیم : فصول مخفیهٔ هیچ عهدنامه مبطل فصول آشکار آن عهدنامه نخواهد بود.

اصل پنجاه و چهارم: پادشاه می‌تواند مجلس ملی و مجلس سنا رابطور فوق‌العاده امر به انعقاد فرماید.

اصل پنجاه و پنجم: ضرب سکه با موافقت قانون به نام پادشاه است.

اصل پنجاه و ششم: مخارج ومصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد.

اصل پنجاه وهفتم: اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که درقوانین مشروطیت حاضره تصریح شده.

راجع به وزراء

اصل پنجاه و هشتم : هیچکس نمی‌تواند به مقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان وایرانی الاصل و تبعهٔ ایران باشد.

اصل پنجاه و نهم : شاهزادگان طبقهٔ اولی یعنی پسر و برادر وعموی پادشاه عصر نمی‌توانند به وزارت منتخب شوند.

اصل شصتم: وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی از مجلسین

احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت به اموری که محول به آنهاست حدود مسئولیت خود را منظور دارند.

اصل شصت و یکم: وزراء علاوه براین که بتنهایی مسئول مشاغل مختصهٔ وزارت خود هستند به هیئت اتفاق نیز درکلیات امور درمقابل مجلسین مسئول وضامن اعمال یکدیگرند.

اصل شصت و دویم : عدهٔ وزراء را ، برحسب اقتضاء ، قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و سیم: لقب وزارت افتخاری بکلی موقوف است.

اصل شصت و چهارم : وزراء نمی‌توانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسك قرار داده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند.

اصل شصت و پنجم : مجلس شورای ملی یا سنا می‌توانند وزراء را در تحت مؤاخذه و محاکمه درآورند.

اصل شصت وششم: مسئولیت وزراء و سیاستی را که راجع به آنها می‌شود قانون معین خواهد نمود.

اصل شصت و هفتم : در صورتی که مجلس شورای ملی یا مجلس سنا به اکثریت تامه عدم رضایت خودرا ازهیئت وزراء یا وزیری اظهارنمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منعزل می‌شود

اصل شصت و هشتم : وزراء موظفاً نمی‌توانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند.

اصل شصت ونهم: مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانهٔ تمیز عنوان خواهند نمود. دیوانخانهٔ مزبوره با حضورتمام اعضاء مجلس محاکمات دائرهٔ خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتی که بموجب قانون اتهام واقامهٔ دعوا از دائرهٔ ادارات دولتی مرجوعه به شخص وزیر خارج و راجع به خود وزیر باشد.

تنبیه: مادامی که محکمهٔ تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین به عدهٔ متساوی نایب مناب محکمهٔ تمیز خواهدشد.

اصل هفتادم: تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزراء در موقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور ادارهٔ خود دچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط به قانون مخصوص خواهد بود.

اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد ویکم: دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و تضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع الشرایط است.

اصل هفتاد و دوم : منازعات راجعه به حقوق سیاسیه مربوط به محاکم عدلیه است مگر در مواقعی که قانون استثناء نماید.

اصل هفتاد وسیم: تعیین محاکم عرفیه منوط به حکم قانون است وکسی نمی‌تواند به‌هیچ اسم ورسم محکمه‌ای برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید.

اصل هفتاد وچهارم: هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر به حکم قانون.

اصل هفتاد و پنجم : درتمام مملکت فقط یك دیوانخانهٔ تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد

بود آنهم در شهر پایتخت واین دیوانخانهٔ تمیز در هیچ محاکمه ابتداء رسیدگی نمی‌کند مگر در محاکماتی که راجع به وزراء باشد.

اصل هفتاد و ششم : انعقاد کلیهٔ محاکمات علنی است مگر آنکه علنی بودن آن مخل‌نظم یا منافی عصمت باشد در اینصورت لزوم اخفاء را محکمه اعلان می‌نماید.

اصل هفتاد و هفتم : در مادهٔ تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید باتفاق آراء جمیع اعضاء محکمه بشود.

اصل هفتاد و هشتم: احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه و محتوی فصول قانونیه که برطبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود.

اصل هفتاد ونهم: در موارد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.

اصل هشتادم: رؤساء و اعضاء محاکم عدلیه به ترتیبی که قانون عدلیه معین می‌کند منتخب وبموجب فرمان همایونی منصوب می‌شوند.

اصل هشتاد و یکم : هیچ حاکم محکمهٔ عدلیه را نمی‌توان از شغل خود موقتاً یـا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفاء نماید.

اصل هشتاد و دویم : تبدیل مأموریت حاکم محکمهٔ عدلیه ممکن نمی‌شود مگر به‌رضای خود او.

اصل هشتاد و سیم : تعیین شخص مدعی عموم با تصویب حاکم شرع در عهدهٔ پادشاه است.

اصل هشتاد و چهارم : مقرری اعضای محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد.

اصل هشتاد وپنجم: رؤسای محاکم عدلیه نمی‌توانند قبول خدمات موظفهٔ دولتی را بنمایند مگر اینکه آن خدمت را مجاناً برعهده گیرند ومخالف قانون هم نباشد.

اصل هشتاد و ششم : در هرکرسی ایالتی یك محکمهٔ استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد به ترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است.

اصل هشتاد وهفتم: محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد.

اصل هشتاد وهشتم : حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون به محکمهٔ تمیز راجع است.

اصل هشتاد و نهم : دیوانخانهٔ عدلیه و محکمه‌ها احکام و نظامنامه‌های عمومی و ایالتی و ولایتی وبلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند.

در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی

اصل نودم : در تمام ممالك محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامهٔ مخصوص مرتب می‌شود و قوانین اساسیهٔ آن انجمنها از این قرار است:

اصل نودویکم : اعضای انجمن‌های ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب می‌شوند ، مطابق نظامنامهٔ انجمنهای ایالتی و ولایتی .

اصل نود و دویم: انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه به منافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرره.

اصل نود و سیم : صورت خرج ودخل ایالات و ولایات از هرقبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع و نشر می‌شود.

در خصوص مالیه

اصل نود وچهارم: هیچ قسم مالیات برقرار نمی‌شود مگر به حکم قانون.

اصل نودو پنجم : مواردی را که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود .

اصل نودو ششم : میزان مالیات را همه‌ساله مجلس شورای ملی به اکثریت تصویب و معین خواهد نمود.

اصل نود و هفتم : در مواد مالیاتی هیچ تفاوت وامتیازی فیمابین افراد ملت گذارده نخواهد شد.

اصل نودوهشتم: تخفیف و معافیت از مالیات منوط به قانون مخصوص است.

اصل نود ونهم: غیر از مواقعی که قانون صراحتاً مستثنی می‌دارد به هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمی‌شود مگر به‌اسم مالیات مملکتی وایالتی و ولایتی وبلدی.

اصل صدم: هیچ مرسومی وانعامی به خزینهٔ دولت حواله نمی‌شود مگر بموجب قانون.

اصل صد و یکم : اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتی که بموجب قانون مقرر می‌شود تعیین خواهد نمود.

اصل صد ودوم: دیوان محاسبات مأمور به معاینه و تفکیك محاسبات ادارهٔ مالیه و تفریق حساب کلیهٔ محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچیك از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده تغییر و تبدیل نپذیرندو هر وجهی در محل خود به مصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیك محاسبهٔ مختلفهٔ کلیهٔ ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع‌آوری خواهد کرد و صورت کلیهٔ محاسبات مملکتی را باید به انضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید.

اصل صد و سیم : ترتیب و تنظیم ادارهٔ این دیوان بموجب قانون است.

قشون

اصل صد و چهارم : ترتیب گرفتن قشون را قانون معین می‌نماید ؛ تکالیف و حقوق اهل نظام و ترقی در مناصب بموجب قانون است .

اصل صد و پنجم : مخارج نظامی هرساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب می‌شود .

اصل صد و ششم: هیچ قشون نظامی خارجه به خدمت دولت قبول نمی‌شود و در نقطه‌ای از نقاط مملکت نمی‌تواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون.

اصل صد و هفتم : حقوق و مناصب و شئونات اهل نظام سلب نمی‌شود مگر بموجب قانون.

www.adabestanekave.com

سواد دستخط مبارك همایونی

بسمه تبارك و تعالی

متمم نظامنامهٔ اساسی ملاحظه شد تماماً صحیح است و شخص همایون ما انشاءالله حافظ و ناظر کلیهٔ آن خواهیم بود. اعقاب و اولاد ما هم انشاءالله متوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود.

۲۹ شعبان قوی‌ئیل ۱۳۲۵ در قصر سلطنتی طهران

[نمره — ٦٠]

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران مورخهٔ هشتم نوامبر ۱۹۰۷

[۱۵ آبان ۱۲۸٦ ؛ یکم شوال ۱۳۲۵]

شدت هیجان سیاسی و یا مذهبی در ماه رمضان عموماً بیشتر است و اینکه وقایع چهار هفتهٔ گذشته تماماً متصادف با این ماه گردیده هیچ جای تردید نیست که ممد کثرت اغتشاش در سراسر مملکت ایران واقع شده است.

افق سیاسی از همه وقت تاریك‌تر می‌باشد و من روشناییی که نوید کارهای بهتری را بدهد آشکار و هویدا نمی‌بینم.

در ایالات همه‌روزه اوضاع به بدی منجر می‌گردد . پیشامد امور در شیراز چنان مخوف است که قنسول جنرال اعلیحضرتی مجبور شده است در افزایش مستحفظین خویش توصیه نماید. در اصفهان ونواحی اطراف آن عدم قانون به شیوع پیوسته و کارگذاران محلی چنان بی‌قدرت و ضعیفند که نمی‌توانند ویا نمی‌خواهند تهیهٔ مستحفظین برای دودسته از مأمورین تلگرافخانهٔ هند و اروپایی بنمایند که متجاوز از یك ماه است باز مانده‌اند از این که حرکت نموده تکالیف تفتیش را در امتداد خط تلگراف بعمل آورند وامروز عامل زیگلر به‌من اطلاع دادکه طبقهٔ علماء درخیال فراهم آوردن ترتیبات تحریم وبایقوت[1] امتعهٔ اروپایی می‌باشند. در کرمانشاه خبر مراجعت سیف‌الدوله حاکم بی‌کفایت سابق باعث شده است که بی‌نظمـــی و اغتشاش تجدید بیابد . استرآباد که مدت هفت ماه است بی‌حاکم مانده موقع غارت تراکمه واقع گردیده و منزلگاه خوفناك معروف بین مشهد و طهران میدان حملات وحشیانهٔ این غارتگران یاغی شده است.

دولت شاهنشاهی چنان بی‌قدرت است که نمی‌تواند جلوگیری از این اوضاع و رفع آن را بنماید. نه پول موجود دارند و نه نشونی حاضر و بهمین جهت است که احکام و دستوراتشان را مأمورین ولایات به‌حالت غیر اجراء باقی داشته‌اند.

در خود طهران در چند روز آخر ماه گذشته بواسطهٔ هیجان عظیمی که در عزل شاه بوقوع پیوست اغتشاش شدیدی رخ نمود.

---

۱) بایقوت = بایکوت ، تحریم.ـــم.

اواخر ماه اکتبر کابینهٔ جدیدی روی کار آمد که در تشکیل آن فقط مجلس مسئول است. این کابینه روی هم رفته کافی‌ترین وزرائی را که از ابتدای طرح وایجاد مشروطیت امور وزارت را اشغال کرده بودند مشتمل می‌باشد و بسی امیدها به‌ایشان می‌رود.

نطقهای تازهٔ مجلس ثابت می‌سازد که کابینه طرف اعتماد مجلس است‌ولی با وجود آن ضعف و بی‌کفایتی که حکومت سابق متصف به‌آن بود هنوز مشاهده می‌شود. حتی ناصرالملك رئیس الوزراء مایل نیست که کوچکترین مسئولیتی را بپذیرد مگر این که اطمینان حاصل کند که اقداماتش را مجلس تصویب خواهد نمود. وزیر امور خارجه چندان بهتر نیست و انجام امور حتی در مسائل خیلی جزئی هم بی‌اندازه مختل مانده. قوهٔ مجریه نیز در یك حالت انحطاطی واقع است، و نظر به‌اوضاع مالیه ناچار استقراضی بعمل خواهد آمد. خزانه خالی است و تا پول موجود نباشد که به یکی از اقسام قشون معموله بپردازند اعادهٔ نظم و امنیت بکلی غیرممکن خواهد بود. عقیدهٔ ناصرالملك این است که قشون حالیه را موقوف ساخته در عوض آن به یك میزان کمتری تشکیل ژاندارمری نظامی داده شود و یحتمل این مسئله با این اوضاع حاضره بهترین طرحها باشد زیرا من مطمئن هستم که اگر دولت ایران می‌توانست برای یك‌دفعه تنبیه کاملی به عناصر اغتشاش هر شهری بدهد این کار در قلوب اهالی سایر ایران مؤثر می‌گردید.

آنچه بنظر می‌آید این است که لوازم مادی برای اداره کردن یك چنین قشونی که ذکر شد موجود نباشد واز همه گذشته پول ندارند. عقیدهٔ ناصرالملك این است که بدون همراهی دولتین انگلیس و روس هیچ‌کاری از پیش نخواهد رفت و امیدوار است که دولتین مساعدت مالیه خواهند نمود. من به جناب ایشان اظهار داشتم که قبل از دخول در هر اقدامی باید منتظر بود تا وقتی که مسیو بیزوت وارد شده و به مشورت مشارالیه مشغول کار شوند.

نمره ــ ٦١

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران، مورخهٔ ۷ نوامبر ۱۹۰۷

[١٤ آبان ١٢٨٦؛ ۳۰ رمضان ۱۳۲۵]

با کمال افتخار خلاصهٔ وقایع یك‌ماهه را که در ظرف چهار هفتهٔ گذشته اتفاق افتاده لفاً ارسال می‌دارم.

در تلو نمرهٔ ــ ٦١

قسمتی از خلاصهٔ حوادث یکماهه

طهران

در بیست و ششم اکتبر کابینهٔ جدیدی بتوسط مجلس تشکیل یافته وشاه آن را تصویب فرمود. اجزای این کابینهٔ جدید از قرار ذیل است.

وزیر مالیه ورئیس‌الوزراء ... ناصرالملك، جی. سی. ام. جی.

وزیر داخله (که پست ، تلگراف ، بلدیه و پلیس وغیره منضم به آن وزارتخانه گردیده) ... آصف‌الدوله
وزیر امور خارجه مشیرالدوله ، جی.سی.ام.جی.
وزیر عدلیه مخبرالسلطنه
وزیر جنگ مستوفی الممالك
وزیر معارف (به انضمام فواید عامه ، معادن ، طرق و شوارع، جنگلها وغیره) صنیع‌الدوله
وزیر تجارت و گمرکات مؤتمن‌الملك

آصف الدوله وزیر داخله تا بهار ۱۹۰۷ به فرمانفرمایی خراسان اشتغال داشت ؛ چون متهم شده بود به‌این که در فروش زنان واطفال ایرانی به تراکمه دخالت نموده لهذا به‌امر مجلس از حکومت خراسان معزول شد. وی را در دیوانخانهٔ عدلیه حضور شاهزادهٔ فرمانفرما محاکمه نموده «بیگناهی و نداشتن تقصیرش» معلوم و رفع اتهام از ایشان گردید.

مشیرالدوله پسر ارشد مشیرالدولهٔ مرحوم است که لقب پدر خودرا بارث دارا گردیده وتا چندی قبل در پطرسبورگ وزیر مختار بود.

مؤتمن‌الملك؛ برادر کوچکتر وزیر امور خارجهٔ مذکور است.

مخبرالسلطنه و صنیع‌الدوله برادر می‌باشند و صنیع‌الدوله تا اوایل سپتامبر به ریاست مجلس برقرار بود.

تمام اعضای کابینه باستثنای وزیر داخله از ایرانیان تجدد پروری هستند که تحصیلات عالیه نموده و هرکدام یك یا دو زبان اروپایی را می‌دانند.

تبریز

ولایت خوی هنوز به حالت اغتشاش باقی است. کمیسیونی که مأمور آنجا شده بود نتوانست منازعات را اصلاح و فیصله دهد. اقبال السلطنه طرق وشوارع را بسته است ازآن جمله راه طرابوزان را ــ نتیجه آنکه کلیه تجارت دچار تعطیل و خسارت شده وتجارت انگلیس نیز در همان جزو فلج آمده است . همچه حکومت از بیم آن‌که مبادا مانند اتابك بقتل رسد لهذا به انقلابیون میدان آزادی را بخشیده است قضاوت و حکمرانی حتی درموارد قتل را انجمن ایالتی متصدی و حکم‌فرما است. یکی از اشخاص که مرتکب قتل گردیده و در قنسولگری تحصن اختیار نموده بود مستر استه‌ون او را از آنجا خارج ساخته و رولسیونرها (انقلابیون) وی را دستگیر وبه اولیای مقتول تسلیم داشتند و ایشان اورا با نهایت بیرحمی در کوچه‌ها بقتل رسانیدند.

رشت

وزیر اکرم از حکومت گیلانات معزول و امیر اعظم به‌جای او منصوب گردیده و در سوم اکتبر به مقر حکومت وارد شد و قبل از آنکه از طهران حرکت نماید به یکی از اعضای سفارت اظهار دوستی نسبت به دولت انگلیس می‌نمود و همچنین در رشت خصوصیت

خود را به آن دولت تکرار می‌کرد. از ابتدائی که وارد شد اقدامات کافیه در رفع اغتشاش بعمل آورد چنانچه اکنون آن اغتشاشات نسبت به سابق کمتر شده است .

اصفهان

کاروانها در راه اصفهان و یزد وهمچنین در راه شیراز واصفهان کمافی‌السابق سرقت می‌شوند. در نزدیکی یزد خواست دسته‌ای از دزدها که عده‌شان متجاوز از صدنفر بود هشتاد و چهار رأس قاطر و الاغ که حمل قماش و تریاك می‌نمودند سرقت کرده و برده‌اند.

سیستان

قنسول دولت اعلیحضرتی اطلاع و راپورت می‌دهد که در موقع تابستان که به گردش و تفرج بلوك مسافرت می‌کرد در تمام قائنات اهالی از مشارالیه پذیرایی دوستانهٔ شایانی نموده‌اند.

کرمان

در راه کرمان و بندرعباس دو قافله غارت گردید و در یك موردی چهارنفر مکاری کشته شد. تجار تلگراف کردند که دیگر جنس فرستاده نشود تا اوضاع راهها بهتر گردد. پست بندرعباس‌را نیز بسرقت بردند.

اغتشاشاتی که از انتخابات انجمن ایالتی حادث شده بود در ظرف ماه اکتبر مداومت داشت . حکمران به مقید داشتن پیشوای ملتیان موسوم به ناظم‌التجار امر نمودو پس از گرفتاری تبعیدش ساخت . پس از آن اهالی بطور اجتماع نزد حکومت رفته تقاضا نمودند که اورا عودت دهد ولی حاکم قشون را فرمان داد بطرف آن جماعت شلیك کرده پنج‌تن از آنان مقتول و عده‌ای مجروح گردیدند. این اتفاق که در پیوست، مردم‌به تلگرافخانهٔ انگلیس و قنسولخانهٔ روس داخل و تحصن یافتند و مشغول به مخابرهٔ تلگرافات با طهران شده تغییر حکومت را درخواست واستدعا نمودند . این موضوع در طهران و مجلس شورای ملی مطرح گفتگووعاقبت حاکم معزول گردید ولی‌تاکنون به‌جای اوحاکمی معین نشده‌است.

شیراز

برخی از دعاوی دولت انگلیس انجام یافت و خسارت اموال مسروقهٔ قاصد مأمور مقیم را که هنگام سرقت خورجین‌های پستی قنسولخانه مفقود شده بود پرداختند. لیکن هنوز قراردادی بر دعاوی عمده داده نشده است.

روز سیزدهم ماه اکتبر سید عبدالحسین لاری با هفتاد نفر از مریدان خویش وارد شیراز گردید، بعنوان این که از مجلس ملی حمایت نماید ومقصود از این هیجان همانا ضدیت با قوام و پسران او است که به شیراز معاودت نکنند. گویند معتمد دیوان مشارالیه را عودت و مخارجش را ایصال داشته است. هنگام ورود جمعیت کثیری به استقبال وی شتافتند. غرض عمده‌اش اضمحلال و تحلیل قوای قوامیان می‌باشد.

روز جمعه هیجدهم ماه اکتبر امام جمعه که مایل نبود سید لاری در مسجد نماز جماعت نماید او خود بدانجا رفت که ادای فریضه را به امامت خویشتن بجا آورد. اتباع

سید بجانب طرفداران امام جمعه بنای شلیك را نهادند و آنها نیز مشغول به جواب دادن شدند و ازآن میان معروف است یك نفر مجروح گردید. سپس هردو فرقه شتافتند که تلگرافخانه را متصرف شوند ولی قوامیان زودتر آن مکان را به تصرف درآورده کسان سید را از دخول بدان محل مانع آمدند. همان مقارن غروب بعضی از قوامیان غفلتاً بر عده‌ای از مدعیان خویش حمله آورده ۹ قبضه تفنگ از ایشان جبراً به غنیمت گرفتند. از هیجدهم تا بیست و سوم ماه اکتبر [۲۵ تا ۳۰ مهر ؛ ۱۰ تا ۱۵ رمضان] اغتشاش مداومت داشت و گاهی اوقات از تلگرافخانه که قوامیان به عدهٔ چهارصد نفر آنجا را مأمن قرار داده و نیز از مسجد که هزار نفر از حامیان سید آن مکان را سنگرگاه ساخته بودند بشدت شلیك می‌شد. روز بیستم اکتبر نظام‌السلطنه که از هفدهم تا آن تاریخ در خارج شهر توقف داشت و مایل نبود به امور حکومت فارس بپردازد مجدداً به عمل حکمرانی اشتغال ورزید. در بیست‌ودویم اکتبر یك نفر از تبعهٔ سید به‌ضرب گلوله مقتول ودونفر دیگر مجروح گردیدند و یوم بیست و سوم همان ماه بازارها بطور مختصر تعطیل و بسته شد و بدان واسطه کارهای تجارتی بکلی معوق ماند. اواخر ماه اکتبر در کوچه‌ها بنای شلیك را گذاشتند و چون نظام‌السلطنه ترك شیراز را نمود و از آنجا خارج گردید بدان واسطه اوضاع از همه وقت بدتر شد. اخبار اخیره‌ای که ششم ماه نوامبر به طهران رسید اشعار می‌داشت که اوضاع روی به بهبودی و آرامی نهاده.

یك نفر از رعایای آلمان را دزدها بمسافت کمی از شیراز از جاده منحرف ساخته و آنچه داشت از وی بسرقت بردند.

بندرعباس

در ماه سپتامبر یك قافلهٔ بزرگی که قسمتی از آن تعلق به یازده نفر از هندیهای تبعهٔ انگلیس داشت و خود آنها نیز همراه قافله بودند مابین راه کرمان و بندرعباس گرفتار دزدها آمدند. ایشان به تسولخانه متظلم شده و متجاوز از هزار و هفتصدتومان ادعای خسارت می‌نمایند.

لنگه

چون رئیس ایرانی گمرکات جداً اصرار داشت که اشیاء زوار را رسیدگی ومعاینه نماید لهذا همهمهٔ عظیمی رخ نمود و نسبت به رئیس مزبور با کمال خشونت معامله کردند. بدین واسطه ادارهٔ گمرکات بسته شد و عمل تجارت معوق ماند. حاکم موسوم به دریابگی روز بیست و دوم سپتامبر وارد گردید و به تحقیق وقایع فوق‌الذکر پرداخت. عاقبت طرفین متنازعین را صلح و آشتی داد و اداره گمرکات رادوباره مفتوح ساختند. بعد ازظهر همان روز رئیس گمرکات به اجزای خویش اظهار نمود که بایستی دکاکین خود را تعطیل نمایند و اصرار کنند که از طرف حاکم ترمیمی دربارهٔ وی بعمل آید. رئیس گمرکات بوشهر به جای این رئیس مقرر گردید و چون نایب‌الحکومه در موقع اغتشاش همراهی با اجزای گمرك ننموده بود لهذا او را معزول ساختند .

اهواز

ویس‌قنسول دولت فخیمه بهمراهی نماینده‌ای از طرف خوانین بختیاری وارد بطوتدشد و اشخاصی را که منشأ فساد و اغتشاشات جدید در کارخانهٔ کمپانی نفت بودند در حضور ویس قنسول مزبور تنبیه خوبی نمودند.

ضمیمهٔ خلاصهٔ وقایع ماهیانه به تاریخ هشتم نوامبر ۱۹۰۷

[۱۵ آبان ۱۲۸٦ ؛ اول شوال ۱۳۲۵]

اصفهان

بی‌قانونی و هرج و مرج در اصفهان و نواحی اطراف آن شایع و کارگزاران محلی چنان ضعیف وبی‌قدرتند که نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند تهیهٔ مستحفظ برای دو دسته مأمورین ادارهٔ تلگراف هند و اروپا بنمایند که بیش از یك ماه است بازمانده‌اند از این که حرکت نموده تکالیف بازدید خط تلگراف را انجام دهند. سفارت دولت فخیمه مکرر در این مسئله اقدامات بعمل آورده ولی ثمری برآن مترتب نیامده. فرقه علماء ساعیند که در تحریم و بایقوت امتعهٔ اروپاییان ترتیبی فراهم آورند.

مشهد

استرآباد را تا مدت چند ماه حاکمی نبود و تراکمه با کمال جسارت مشغول غارت و چپاولند. منازل «خوفناك» معروف بین راه مشهد و طهران میدان حملات وحشیانهٔ این غارتگران متمرد گردیده بود. گویند ایشان هشتاد و سه نفر را بقتل رسانیده و تلفات خود آنها نیز چهل نفر بوده . بعد ازآن به معدن مس واقع در حوالی میاندشت تاخته هفت نفر مقتول و پنجاه زن اسیر و نیز عدهٔ کثیری گوسفند به یغما بردند و بنابراخبار اخیره چپاولچیان‌را هنگامی که مراجعت می‌کردند دهاتیان در محل دیگر عقب نشانده فرار دادند و زنان و گوسفندها را از چنگ آنان بدر آوردند. مجلس سپهدار را به ریاست اردویی برای سرکوبی ایشان مقرر نمود ولی ظاهراً مومی‌الیه اکنون از رفتن امتناع دارد.

نمره ــ ٦٣

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۵ نوامبر)

از طهران به تاریخ هشتم نوامبر ۱۹۰۷

[۱۵ آبان ۱۲۸٦؛ اول شوال ۱۳۲۵]

آقا

با کمال افتخار سواد مراسلهٔ وزیر امور خارجه را در جواب مکتوبی که سراسپرینگ رایس به دولت ایران ارسال نموده و در آن مکتوب صورت قسمتی از قرار داد مورخهٔ سی ویکم ماه اوت روس وانگلیس را راجع به ایران نوشته بود لفاً انفاذ حضور می‌دارم.

مفاد و سیاق مراسلهٔ مذکوره ظاهراً بکلی خالی از هرگونه منع و اعتراض است.
(امضا) چارلس م . مارلینگ

ترجمهٔ مراسلهٔ مشیرالدوله به مستر مارلینك

به‌تاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ هجری (۲ نوامبر ۱۹۰۷)
[۹ آبان ۱۲۸٦]

مراسلهٔ آن جناب جلالتماب مورخهٔ پانزدهم شعبان ۱۳۲۵ هجری ، مطابق ۲٤ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی که حاوی و متضمن سواد قسمتی از قرارداد منعقدهٔ بین دولتین انگلیس و روس راجع به ایران و مشتمل بر یك مقدمه و پنج ماده بود عز وصول بخشید .

در جواب با کمال توقیر اظهار می‌دارم و خاطر نصفت مظاهر آن جناب جلالتماب نیز تصدیق خواهند فرمود که قرارداد فوق‌الذکر چون مابین دولتین انگلیس و روس انعقاد یافته لهذا مواد آن قرارداد فقط تعلق به خود دولتین مذکوره که امضای آن را نموده‌اند خواهد داشت و دولت ایران نظر به استقلال تامه‌ای که بموهبت الهی داراست‌تمام حقوق و آزادی خود را که بدان واسطه استقلال مطلقه متصرف است از هر نفوذ واثری که نتیجهٔ هر قسم قرار داد منعقدهٔ فیمابین دویاچند دولت دیگر راجع به ایران بوده باشد کاملا و مطلقاً مصون و آزاد می‌داند . ودر خصوص مناسبات و روابط دوستانهٔ خود با دول متحابه برای تشیید و استحکام مبانی و داد و دوستی بر طبق مواد و شرایط معاهدات مقدسه و اصول درهای باز هرگونه کوشش و اهتمامی خواهد نمود. اما راجع بـه قروض نیز واضح است که دولت ایران بدون هیچ منقصتی تعهدات مربوط به قرارداد آن قرضه را مرعی خواهد داشت.

برای اطلاع از اصولی که در این مراسله توضیح و شرط شده سوادی از آن به نمایندگان دول که مأمور مقیم دربار شاهنشاهی می‌باشند فرستاده می‌شود.

(امضا) مشیرالدوله

نمره ــ ٦۳

مکتوب سرادواردگری به مستر مارلینك

از وزارت امور خارجه ۲۹ نوامبر ۱۹۰۷
[٦ آذر ۱۲۸٦؛ ۲۲ شوال ۱۳۲۵]

آقا

مراسلهٔ مورخهٔ سی و یکم ماه گذشته شما که مبنی بود بر عدم تأدیه منفعت طلب ٤ ــ ۱۹۰۳ دولت انگلیس و نیز خواهش دولت ایران راجع به تعویق قسط استهلاك همان قرضه واصل گردید.

موادی‌که در مراسلهٔ پانزدهم اکتبر به دولت ایران ارسال داشته‌اید تصدیق و تصویب می‌نمایم.

(امضا) ای. گری

نمره ــ ٦٤

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول غرهٔ دسامبر)

از طهران غرهٔ دسامبر ۱۹۰۷

[۸ آذر ۱۲۸٦؛ ۲٤ شوال ۱۳۲۵]

باوجود اظهارات شدید مؤکده بهیچوجه دولت ایران اقدامی در اصلاح و ترتیب اوضاع شیراز بعمل نیاورده است.

روز بیست و نهم نوامبر یکی از نوکرهای قنسول اعلیحضرتی نزدیك قنسولخانه در بین نزاعی که بواسطهٔ حملهٔ وحشیانه قشقاییها بر یکی دیگر از نوکرهای قنسولگری که نیز لختش نمودند در پیوسته بود مجروح گردید.

سوارهای هندی یك‌نفر از قشقاییها را دستگیر ساخته و پس از آنکه اسامی همراهان خود را بیان نمود او را تسلیم کارگزاران محلی داشتند. لیکن آنچه را که اظهار کرده بود مجدداً انکار می‌نماید و تقصیر را به طرف مقابل نسبت می‌دهد.

من در این موضوع اظهارات سخت به دولت ایران خواهم نمود.

نمره ــ ٦٥

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصله دویم دسامبر)

از طهران ، دویم دسامبر ۱۹۰۷

[۹ آذر ۱۲۸٦؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۵]

در تعقیب راپورت ذیل که دیروز از بوشهر مخابره شده بود اظهارات شدیده بـه‌دولت ایران خواهم نمود.

«راپورت قنسول جنرال دولت فخیمه مقیم بندرعباس مذکور می‌دارد که اوضاع آنجا خیلی بد است. دستهٔ معظمی از بهارلوها (ابوابجمعی قوام‌الملك) به چپاول اطراف و حوالی مشغول و احتمال آن می‌رود که به شهر نیز حمله نمایند.

« بتوسط مأمور مقیم‌برای حفظ منافع دولت انگلیس تعلیماتی داده شده که کشتی اعلیحضرتی موسوم به «لاپینگ» بطرف بندرعباس حرکت نماید.»

نمره ــ ٦٦

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (وصول یازدهم دسامبر ۱۹۰۷)

از سنت پطرز بورغ به تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۰۷

[۱۸ آذر ۱۲۸٦؛ ٥ ذیقعده ۱۳۲۵]

مسیو ایزولسکی مجدداً به اوضاع خطرناك‌تبریز عطف نظر و مراجعه نموده و به من گفته است که قنسول روس برای حفظ و حراست خویش استعداد بالاضافه می‌طلبد . جناب‌ایشان

متحیرند که چه طریقه‌ای را در این خصوص اتخاذ کنند. آیا بایستی نمایش قوای نظامی در سرحد بدهد ویا فقط بیست و پنج نفر برعدهٔ مستحفظین علاوه‌سازد. اقدام اولی شاید مآلا منتج نتایج وخیمه گردد در صورتی‌که اقدام ثانی ممکن است‌مکفی نبوده و تا اندازه‌ای موجب مخاطره شود. وزارت جنگ و همچنین ادارهٔ ارکان حرب متفقاً مخالف نمایشات نظامی در این موقع از سال می‌باشند.

نمره ــ ٦٧

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول یازدهم دسامبر)

از طهران، به تاریخ یازدهم دسامبر ۱۹۰۷

[۱۸ آذر ۱۲۸٦؛ ٥ ذیقعده ۱۳۲٥]

اوضاع شیراز

قنسول جنرال دولت فخیمه راپورت می‌دهد که دیــروز صبح در شهر شلیك شدید بظهور پیوست و چندین نفر بقتل آمدند. کفیل بانك شاهنشاهی هدف گلوله گردید و ظاهراً از روی عمد نبود.

یادداشت سختی به دولت ایران فرستادم و درخواست کردم که بایستی اشخاصی که مقدم[1] بی‌نظمی شده‌اند و مسئولیت اغتشاش برعهدهٔ ایشان وارد است از شیراز تبعید شوند.

نمره ــ ٦٨

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصلهٔ ۱٥ دسامبر)

از طهران ، به تاریخ یازدهم دسامبر ۱۹۰۷

[۱۸ آذر ۱۲۸٦؛ ٥ ذیقعده۱۳۲٥]

بی‌نظمی چنان رخ داده که اسباب خوف وهراس شده است. دیروز دریکی از مساجد عمده میتینگ عمومی تشکیل یافت و در سرزنش شاه و درخواست طرد و نفی مصلحت گزار و وکیل وی یعنی سعدالدوله و نیز امیر بهادر نطقهای آتشین ایراد نمودند.

هیئت وزرا استعفا دادند ولی شاه استعفای ایشان را نپذیرفت. امروزصبح جمعیت باهیجانی در خارج مجلس اجتماع داشتند اما عده‌ای از اشخاص مسلح به امر شاه بدانجا آمده و آنها متفرق شدند. کلنل لیاخوف درخواست مجلس را در فرستادن قزاق برای حفظ نظم رد نمود.

نمره ــ ٦٩

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (وصول ۱٥ دسامبر)

از طهران، مورخهٔ ۱٥ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۲ آذر ۱۲۸٦؛ ۹ ذیقعده ۱۳۲٥]

---

۱) اصل : مقدمه.ــم.

بعدازظهر امروز علاء الدوله که از طرف مجلس حضور شاه پیغام برده بود و نیز برادر دیگر او رئیس مجلس، به امر آن اعلیحضرت مقید گردیدند و در ساعت پنج بعد از ظهر رئیس الوزراء را احضار فرموده به قید زنجیر درآورد ودر ساعت پنج از شب گذشته او را تهدید به قتل نمود.

من به شاه پیغام فرستادم که امنیت جان ناصر الملك را اطمینان بدهند و از وزیر مختار روس خواهش خواهم نمود که بامن معاضدت نمایند ودر خیال آنم که اگر اطمینان حاصل نشود من خود حضور شاه بروم . از قرائن همچه معلوم می‌شودکه در تمام شب زحمات خیلی سخت بر ناصرالملك وارد خواهد آمد.

www.adabestanekave.com

نمره ــ ۷۰

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (وصول ۱۶ دسامبر)

از طهران ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۳ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۰ ذیقعده ۱۳۲۵]

ناصرالملك تبعید گردید و امروز عازم رشت خواهد شد. چون ترس آن را دارد که شاه در بین راه اسباب اتلاف جانش را فراهم سازد لهذا از من متمنی گردید که یکی از اعضای سفارت را همراه وی روانه دارم ــ چنانچه با اتابك مرحوم که در سنهٔ ۱۸۹۷ [۱۲۷۶ خ؛ ۱۳۱۵ ق] به قم تبعید گردید فرستاده شد. من گفتم حالیه این‌کار را نتوانم نمود ولی معهذا دونفر غلام در خدمت ایشان روانه می‌دارم.

وقتی که وی گرفتار آمد (رجوع فرمایید به تلگراف مورخهٔ ۱۵ ماه جاری من) مجلس برهم خورد و انجمنها که قوهٔ حقیقی مجلس بر آنها اتکاء یافته بود مجهول ماندند . سایر وزراء استعفا دادند و به دربار احضار گردیدند ودر آنجا عملا به قید حبس توقیف بودند، تا وقتی که ناصرالملك بنا بر خواهش من استخلاص یافت، آنها نیز رها گردیدند.

من سعی داشتم در این که معلوم شود سفارت را نخواهم گذاشت آلت پلتیك واقع گردد و از مداخله کناره دارم مگر دربارهٔ ناصرالملك که آنهم اثر نیکویی بخشید.

بازارها بسته شد. حامیان شاه که همگی مسلح بودند میدان توپخانه را از دیروز عصر به تصرف درآوردند واینك تدابیر و حملهٔ پلتیکی شاه ظاهراً مظفر ومنصور آمده .

امروز صبح انجمنها با اسلحه اطراف مجلس گرد آمدند. هیچ علامت خطری بـرای اروپاییان مشهود نیست و تاکنون جنگی اتفاق نیفتاده.

نمره ــ ۷۱

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن

از وزارت امور خارجه ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۳ آذر ۱۲۸۶ ؛ ۱۰ ذیقعده ۱۳۲۵]

خواهشمندم رجوع نمایید به تلگراف مورخهٔ پانزدهم ماه جاری مسترمارلینگ.
شما باید به وزیر امور خارجه (روس) اصرار نمایید که به وزیر مختار روس مقیم طهران تعلیمات داده شود که آنچه در قوه دارد بهمراهی شارژ دافر دولت فخیمه اقدامات خطرناك شاه را دربارهٔ ناصرالملك و مجلس از فراهم آوردن اغتشاشات طهران ممانعت و جلوگیری نماید.

نمره ــ ۷۲

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری (وصول ۱۶ دسامبر)
از سنت پطرسبورغ ، مورخهٔ ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷
[۲۳ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۰ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

راجع به تلگراف امروز شما
مسیو ایزولسکی به مسیو دوهارت ویك[1] دستور و تعلیمات خواهد فرستاد که به موافقت شارژ دافر دولت انگلستان هرگونه اقدامی را که نمایندگان دولتین مقتضی بدانند نظر به ممانعت و جلوگیری از بی‌نظمی و هرج و مرج در آن صورت که ممکن باشد بعمل آورد.
مسیو ایزولسکی را عقیده آن است که حتی‌المقدور بایستی به نمایندگان دولتین در طهران اختیار و آزادی داده شود.

نمره ــ ۷۳

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱۷ دسامبر)
از طهران ، ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷
[۲۴ آذر ۱۲۸۶ ؛ ۱۱ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

عدهٔ زیادی از اشرار مسلح به شهر وارد و در میدان توپخانه مجتمع گردیدند . قشون و توپچیان آنان را حمایت و محافظت می‌کنند.
یك‌نفر از حامیان مجلس را به قتل رسانیدند و به‌یك سید مشروطه‌خواهی چنان حمله کردند که مشرف به هلاکت است.
انجمنها با اسلحه در اطراف عمارت مجلس مجدداً اجتماع نموده‌اند. ترس آن است که قبل از به آخر رسیدن روز، اغتشاش و انقلاب عظیمی بظهور رسد. تراموای‌های اسبی از حرکت باز مانده و تمام دکاکین‌بسته گردید.

www.adabestanekave.com

---

۱) مسیو دوهارت‌ویك: وزیر مختار دولت بهیهٔ روس مقیم طهران.

نمره ــ ۷٤

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه، ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷
[۲٤ آذر ۱۲۸٦ ؛ ۱۱ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

رفتار و اقدامات شما را که دیروز راپورت داده بودید همگی را تصویب و تصدیق می‌نمایم.

راجع به گرفتاری ناصرالملك مداخله‌ای که در استخلاص ایشان شده بود خیلی خوشوقت شدم از این که نتیجهٔ نیکویی بخشید.

نمره ــ ۷۵

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱۸ دسامبر)

از طهران ، مورخهٔ ۱۸ دسامبر ۱۹۰۷
[۲۵ آذر ۱۲۸٦ ؛ ۱۲ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

تاکنون هیئت وزراء تشکیل نیافته . طرفداران ملت با کمال جدیت در مقام مدافعه برآمده‌اند. انجمنها هنوز مجلس را حفظ و حراست می‌نمایند.

شاه شب گذشته درخواستهای معتدلانهٔ مجلس را قبول نمود. من از وزیر مختار روس خواهش نمودم که متفقاً از شاه تمنا نماییم اشرار را که باعث مخاطرهٔ اروپائیانند متفرق سازد ــ دسته‌ای از آنها به قصد اینکه تولید بی‌نظمی و آشوب نمایند در شهر گردش می‌کنند. دیروز دو نفر مرد را بقتل آوردند.

چندین چادر برای سایه‌بان و آسایش طرفداران شاه در میدان توپخانه برافراشتند. عرق ومسکرات جهت ایشان آماده‌کرده وآنان تمام روز را درمیدان توپخانه اجتماع داشتند.

نمره ــ ۷٦

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱۹ دسامبر)

از طهران ، بتاریخ ۱۹ دسامبر ۱۹۰۷
[۲٦ آذر ۱۲۸٦؛ ۱۳ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

اوضاع طهران

هر چند از اغتشاش تا اندازه‌ای جلوگیری شده و طرفداران شاه که در میدان توپخانه ازدحام داشته ونیز جمعیتی که اطراف مجلس گرد آمده بودند متفرق گردیدند لیکن قرارداد حقیقی و فیصلهٔ قطعی هنوز در اوضاع داده نشده .

شاه به علاءالدوله وناصرالملك اجازهٔ مراجعت داده ولی متوقع است که بعضی از وکلای عمده اخراج شوند.

نمره ــ ۷۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری

از وزارت امور خارجه، ۱۹ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۶ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۳ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

راجع به قروض ایران

با این اوضاع پلتیکی کنونی هرچه زودتر شما بایستی به دولت ایران اطلاع بدهید که اکنون مدتی است تأدیهٔ منافع قروض بتعویق افتاده وبنابر تعلیماتی که به شما داده می‌شود مختار خواهید بود که اصرار نمایید آن را بفوریت بپردازند.

بعلاوه هرگاه مقتضی بدانید به ایشان اطلاع بدهید که اگر در پذیرفتن شروط و قرار داد ما تسامح ورزند بدون هیچ‌تأخیری مطالبه‌خواهیم نمود که‌فوراً قسط استهلاك‌را ایصال‌دارند.

نمره ــ ۷۸

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصلهٔ ۲۱ نوامبر)

از طهران ، مورخه ۲۱ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۸ آذر ۱۲۸۶ ؛ ۱۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

اوضاع طهران

وزیر مختار روس از من دعوت نمود که در خصوص اقداماتی که بایستی اختیار نماییم مشورت شود. امروز بعد از ظهر یکدیگر را ملاقات نموده و اعمال ذیل را بخاطر گذرانیدیم:

اولا، نظر به اینکه از شاه تحصیل اطمینان کنیم که آن اعلیحضرت برای سعادت مملکت با مجلس درکارها همراهی خواهد نمود و اینکه در خیال‌برهم‌زدن اساس مشروطیت نبوده ، توأماً یادداشتی حضور اعلیحضرت فردا تقدیم خواهیم داشت.

ثانیاً، برای این که مابین سلطنت و پارلمنت اعتماد فراهم آید لهذا از اطمیناناتی که حاصل نموده‌ایم بایستی به مجلس خبر داد.

ثالثاً ، باید به ظل‌السلطان اطلاع بدهید که چون ولیعهد را وارث تاج و تخت شناخته‌ایم پس نمی‌توانیم تدابیر و خیالاتی که وی در خصوص سلطنت دارد تحمل نماییم.

نمره ــ ۷۹

تلگراف سرنیکلسن به سر ادواردگری (وصول ۲۲ دسامبر)

از سنت پطرزبورغ به تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۹ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۶ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

وزیر امور خارجه (دولت بهیهٔ روسیه) راپورتی را که بتوسط وزیر مختار روس‌مقیم طهران راجع بداقدامات متفقانهٔ مشارالیه ومستر مارلینگ درخصوص اموراپران وصول نموده بود نزد من ارسال داشتند . بنابر عقیدهٔ مسیو ایزولسکی اقدامات ایشان موجه و شایسته بود. تفصیل شدت اوضاع را که مجال نداده بودبه نمایندگان فوق‌الذکر از دولتین متبوعهٔ خویش درخواست تعلیمات نمایند وزیر مختار روس مفصلا شرح داده است ــ و حالیه مسیو ایزولسکی منتظر نتایج آن اقدامات می‌باشند.

از قراری‌که مسیو ایزولسکی می‌گوید شاه مکرر از سفارت تمنای کمك و معاضدت نموده ولی ایشان پلتیك بیطرفی و عدم مداخله را اختیار کرده‌اند.

مسئلهٔ پناه دادن شاه را به یکی از سفارتخانه‌های خارجه در موقع اضطرار و حمایت کردن از وی بتوسط مستحفظین روس وانگلیس یك وقتی موضوع مراسلهٔ تلگرافی مسیو ایزولسکی به وزیر مختار روس مقیم لندن گردیده بود.

من به وزیر مختار دولت فخیمهٔ مقیم طهران اطلاع دادم.

www.adabestanekave.com

نمره ــ ۸۰

تلگراف از مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۲ دسامبر)

از طهران ، ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۹ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۵]

وزیر مختار روس و من‌الساعه از دربار سلطنتی مراجعت کردیم . ایشان با کمال آزادی بیان اوضاع را به شاه عرضه نمود. آن اعلیحضرت اطمینانهای حتمی بهما دادند که رعایت قانون اساسی‌را نموده از مشروطیت نگاهداری فرمایند.

حال باید اقدام نموده به مشروطه‌خواهان بفهمانیم که برعهدهٔ سفارتین است ملاحظه کنند که آیا آن قولهائی‌که شاه به ما داده مرعی خواهند داشت.

نمره ــ ۸۱

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه ، ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

[۲۹ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۵]

ما و دولت روس چنین شایسته دانستیم که برای خاتمه دادن به دسایس ظل‌السلطان در غصب و بچنگ آوردن سلطنت وی را تهدید نماییم که در آتیه دولتین روس وانگلیس حمایت خود را از او مقطوع خواهند داشت.

دولت اعلیحضرتی در این امر موافقت داشته و به محض اینکه همکار روسی شما در اینخصوص حاضر شوند لهذا شما باید به موافقت مشارالیه در این مقصود اقدام نمایید.

نمره ــ ۸۲

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارد گری (وصول ۲۳ دسامبر)

از طهران ، ۲۵ نوامبر ۱۹۰۷

[۲ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۸ شوال ۱۳۲۵]

از راپورتی که مستر گراهم مصوب [۱] پست فرستاده معلوم شد که اوضاع شیراز بقدری سخت است از آنچه بواسطهٔ اخبار تلگرافی معزی الیه تصور می‌نمودم که‌بدان واسطه فوراً در این موضوع مراسلهٔ مخصوصی به رئیس الوزراء نوشته خاطر ایشان رامسبوق‌داشتم که جان و مال اتباع انگلیس در معرض مخاطره می‌باشد و فهماندم که حتماً لازم است علاءالدوله که بتازگی برای حکومت معین شده فوراً به مقر ایالت خویش عازم گردد تا اینکه از وقوع این‌گونه نزاع جلوگیری شود و نیز از آن جناب تمنا نمودم که تا ممکن است بهمین زودی وقتی را برای ملاقات تعیین فرمایند . معهذا بواسطهٔ بحران کابینه نتوانستم ایشان را ملاقات نمایم مگر امروز با وجود اینکه به‌من مرقوم داشته بودند که دولت آنچه را می‌توانست در استقرار نظم شیراز سعی و کوشش نموده است.

امروز صبح ناصرالملك را در اوضاع طهران چنان غرق تفکر یافتم که مشکل بود دقت ایشان را در امور شیراز معطوف بدارم ولی بالاخره گفتند که در همین یکی دو روزه امید است علاءالدوله بدانصوب عزیمت نماید. این حاکم جدید منتهای بی‌میلی را به‌رفتن آن ولایت داشت لیکن عاقبت به شرط داشتن اختیارات راضی به‌حرکت گردید. قوام‌الملك را همراه خویش خواهد برد و مختار است درصورتی که لازم بداند استعداد سواره از بختیاری وقتی که به اصفهان برسد و یا از ایلات فارس جمع‌آوری کند ــ من به جناب ناصرالملك اظهار داشتم که مراجعت قوام‌الملك به فارس خطر عظیمی را تولید خواهد ساخت و گفتم اگر آن تصوری که من در اشکالات و زحمات آنجا می‌نمایم صحیح باشد پس علاج در این‌است که قوام‌الملك و معتمد دیوان با دوسه نفر دیگر را از شیراز تبعید نموده و به اهالی بفهمانند که دیگر به ایشان اجازهٔ مراجعت داده نخواهد شد . جناب ایشان انکار نداشتند که این طریق بهترین طریق است ولی ملتفت شدم که دولت بقدر کافی آن قوه رادر خود نمی‌بیند که به‌این کار اقدام نماید . ومن گفتم این مسئله خیلی اسباب تأسف است لیکن از این بدتر همانا تصور نمودن سعی در اعادهٔ نظم است بوسیلهٔ ایلات وحشی. این گروه بکلی از تحت دیسیپلین و انتظامات خارج باشند و حتی اگر رؤسای ایشان هم‌اقدام کنند شاید بازنتوان آنان را ازهرگونه تجاوزجلوگیری‌نمود.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

ــ ۳۰ نوامبر [۷ آذر ؛ ۲۳ شوال] ــ وزیر امور خارجه به من گفته بودند که علاءالدوله کلیتاً امتناع دارد که به شیراز برود ولی حالیه دولت امیدوار است که او را وادار برفتن نماید.

سی.م.م.

---

۱) در متن اصلی چنین است .ــم.

نمره ــ ۸۳

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصلهٔ ۲۳ نوامبر)

از طهران ۲۵ نوامبر

[۲ آذر ؛۱۸ شوال]

با کمال افتخار قسمتی از روزنامهٔ قنسول جنرال اعلیحضرتی مقیم مشهد را که حاکی است از حملات اخیرهٔ تراکمه به مازندران و خراسان حتی به مزینان و میژهیدان واقع در راه مشهد و طهران لفاً ارسال می‌دارم.

حالات عدهٔ بسیاری از اتباع روس که در نقاط نزدیك به سرحد و مخصوصاً در حوالی سبزوار اقامت دارند چنان به سختی انجامیده که سفارت روس در دو وهله‌رسماً به دولت ایران لزوم عبور دادن قشون از سرحد برای حفظ ایشان اعلام داده است.

عاقبت دولت ایران با کمال زحمت موفق گردید که سپهدار به ریاست اردو برای سرکوبی تراکمه عزیمت نماید لیکن جناب ایشان با منتهای تأنی بطرف نقاط مأموریت خویش حرکت می‌کنند و فقط در ۲۲ ماه به رشت رسیده و می‌خواهند از دریا بسمت بندر جز عازم شوند. بنا است مقداری تفنگ و مهمات از آنجا به استرآباد بفرستند و می‌گویند یك فوج پیاده‌نظام از قشون خراسان بدانصوب رهسپار است.

ملفوف نمره ــ ۸۳

قسمتی از روزنامهٔ قنسول جنرال دولت فخیمه مقیم مشهد

حملهٔ تراکمه

۷ نوامبر

از قرار اطلاعات واصله همچه معلوم می‌شود که تراکمه ابتدا خودرا در شفیع‌آباد جوین آشکار ساخته هشتاد و سه نفر مرد در آنجا بقتل رسانیدند و تلفات خود آنان چهل نفر مقتول و مجروح بوده ؛ بعد حمله به معادن مس که در حوالی میان دشت‌واقعند آورده هفت نفر مرد را کشتند و پنجاه زن اسیر و چندین رأس گوسفند به چپاول بردند. پس از آن پراکنده گردیده به میاندشت، عباس آباد، مزینان، میامی، ناردین، درجز، و فرامین تاختند . در دو محل اخیر ۷۱ نفر را اسیر نمودند. تمام این اماکن در راه مشهد و طهران یا در قرب آن اتفاق افتاده.

حالیه تراکمه چادرهای خود را برپا نموده و بالای دهات مذکوره بیرقها افراشته‌اند. عدهٔ ایشان‌را بطور مختلف می‌شمرند ولی از مقایسهٔ راپورتهای تلگرافی چنین ظاهر می‌گردد که تقریباً هزار نفر یا قدری بیشتر می‌باشند.

بعلاوه راپورت داده شد که صد نفر از سربازهائی‌که تحت ریاست مظفر نظام از مشهد به طهران عودت می‌یافتند مقتول و دویست نفر از آنها اسیر شدند ولی احتمال دارد این خبر را بطور اغراق گفته باشند. به بجنورد نیز حمله بردند. حاکم آن محل موسوم به شجاع‌الممالك راپورت داد که آنها را شکست داده و سی نفر از ایشان بقتل

رسانیده است که سرهاشان را به مشهد روانه خواهد داشت.

تاکنون اقدام کلی در تنبیه و کوچ دادن تراکمه بعمل نیامده. انجمن ولایتی جلسهٔ فوق‌العاده‌ای تشکیل داده واز شوکت‌الدوله رئیس‌سوارهای تیموری و شجاع‌الممالك رئیس سواره‌های هزاره‌ای ولشکرنویس‌باشی مستوفی قشون خراسان دعوت نمودند که در آن جلسه حضور بهمرسانند. شوکت‌الدوله اظهار داشت که آنچه رادر صلاح و خیراندیشی می‌داند حاضر است بگوید، لیکن بهیچوجه نمی‌تواند به جمع‌آوری سوار بپردازد مگر آنکه دولت پول تدارك کند. شجاع‌الممالك یك بیت شعر قرائت کرد و گفت با اینکه دولت جابر ظالم اموال وی و برادرش را بغارت برده است و اکنون یك نفر سوار باقی نمانده مع‌هذا اگر دولت پول بفرستد می‌تواند با برادرش دویست نفر سوار حاضر نماید.

لشکرنویس‌باشی گفت سوار بسیار است ولی پول نیست و بعلاوه ازطریق تأسف اظهار داشت که البته بسیاری از این سوارها تنها اسامیشان در روی کاغذ موجود است و آن اشخاصی هم که در حقیقت موجودند بیشتر آنها بیدل و کم‌جرئت می‌باشند ــ مگر تفضل مخصوص الهی شامل احوال ایشان بشود تا بتوانند کاری از پیش ببرند.

بالاخره رأی انجمن به این قرار گرفت که از دولت استدعای تهیه و فرستادن وجوهات لازمه برای این رؤسا بنمایند و ایشان آن وقت در عهده بگیرند که سوار مسلح جمع‌آوری نموده حاضر سازند. بنابراین مکتوبی به فرمانفرمای خراسان نوشته تربیب پیدا نمودن پول لازمه را به‌وی راهنمایی کردند.

هم در این حال از طهران تلگرافات مؤکده به رکن‌الدوله مخابره شد و به او فشار آوردند که مشغول اقدامات بشود. ایشان مکرر به شخص شاه تلگرافات عرض نموده استدعای کمك و درخواست دستورالعمل می‌داشت ولی موفق به هیچ گونه جواب صریحی نگردید. آنگاه با وزیر و سالار مکرم مشورت طولانی نمود و نتیجه چنین بخشید که مجتمعاً به انبار ذخیره رفته مقدار معتنابه تفنگ با مهمات از آنجا بیرون آورند و برای حاکم سبزوار بفرستند. مع‌هذا راپورت رسید که بهیچوجه تفنگ فرستاده نشد زیرا تمام تفنگها را از این پیش آصف‌الدوله و مظفر نظام برای فایدهٔ شخص خود بفروش رسانیده بودند. بعلاوه حکم شد که دو عراده توپ از مشهد به سبزوار روانه دارند و نیز پانصد نفر سرباز فوج قره با صد سوار از تربت حیدری عازم آن ولایت شوند لیکن محل تردید است که آیا آنها حاضر خواهند گردید؟

نمره ــ ۸٤

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۳ دسامبر)

از طهران ٤ دسامبر ۱۹۰۷

[۱۱ آذر ۱۲۸٦؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۵]

آقا

وقایع یکماههٔ ایران‌را که در ظرف چهار هفتهٔ اخیر اتفاق افتاده و همچنین خلاصهٔ

صورت جلسات مجلس ملی را در ظرف همان مدت باکمال افتخار لفاً ارسال می‌دارم.
(امضا) چارلس م . مارلینگ

قسمتی از خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران

طهران

مطلب عمدهٔ قابل توجهی که در ظرف یك‌ماه در طهران بوقوع انجامید همانا منازعهٔ بین شاه و مجلس بود که مفصلا راپورتش داده شده است.

روز ۲۱ نوامبر [۲۸ آبان ؛ ۱٤ شوال] مابین برخی از سربازهای محلی ابـوابجمعی امیربهادر و بعضی از قزاقها که در تحت فرماندهی کلنل لیاخوف می‌باشند نزاع سختی در پیوست و یوم بیست و هفتم همان ماه عده‌ای از سربازهای ظفرالسلطنه در حالت مستی دونفر را در کوچه‌های طهران هدف گلوله گردانیده بقتل رسانیدند. اجساد مقتولین را به خانهٔ آقا سید عبدالله مجتهد انتقال دادند وبازارها موقتاً بسته گردید. از چندیـن واقعات حمله و دزدی که در کوچه‌های طهران اتفاق افتاد راپورتشان در ظرف آن ماه داده شد و در یکی از آن واقعات یك نفر اروپایی دچار تهدید گردیده بود.

در اوایل ماه نوامبر سفارت دولت اعلیحضرتی مطلع شد که شاهـزاده سیف‌الدوله به حکومت کرمانشاه در شرف عزیمت است. باوجود اینکه رئیس الوزرا قول داده بـود که نظر به رفتار غیر دوستانه‌ای که از وی نسبت به‌ما بظهور رسیده بود مجدداً او را بدان مقام منصوب ندارند . فوراً یادداشتهای دیگر به دولت ایران ارسال شد و حرکتش موقوف گردید.

(امضا) جی . پی . چرچیل
منشی شرقـی

تبریز

دراواخر ماه اکتبر فداییان که از هیچکس واهمه و ترسی ندارند شهر را به‌حالت بی‌نظمی درآوردند واز قرار راپورت مبلغ کثیری پول از متمولین شهر به زور واجحاف اتخاذ نمودند و سعی داشتند که به ارامنه‌نان فروخته نشود ولی حاکم مانع‌گردید. تقریباً کارها از جریان افتاد و عموم مردم به حالت یأس و ناامیدی در آمدند. نقاط اطراف، مخصوصاً قرجه‌داغ، خوی و سلماس نیز بسیار مغشوش شده بود ولی از اخبار اخیره معلوم می‌شود اوضاع قدری به سکونت تبدیل یافته است . خوی و ماکو آرام است و قوافل بسلامت می‌توانند از راه‌طرابوزان ایاب و ذهاب نمایند لیکن هنوز دزدها قرجه‌داغ را اشغـال دارند و موافق اخبار واصله طوایف اکراد در دومیلی شهر ساوجبلاغ مشغول غارت می‌باشند.

روز ۱٦ نوامبر یکی از معلمین مسلمان مدرسهٔ روسی را اوباش متعرض گردیده مجروحش ساختند و چند تیر بطرف مدرسهٔ مذکوره شلیك نمودند. چون معلم فوق‌الذکر از اتباع روس می‌باشد لهذا قنسول خواستار گردیده که هم ترضیه خاطر بعمل آورده شود و هم متعرضین را تنبیه نمایند.

رشت

حاکم جدید موسوم به امیراعظم جداً در حفظ و استقرار نظم به اقدامات پرداخته، عقیده‌اش این‌است که بیشتر بی‌نظمیها را انجمن عباسی سبب شده است و بسیاری از اعضای آن را به چوب بسته و محبوس ساخت. این‌کار باعث گردید که مردم تصمیم خود را در پناهنده شدن به قنسولخانهٔ انگلیس اعلام داشتند و قنسول جنرال اعلیحضرتی که نماینده از طرف مردم به ملاقاتش آمده بود ایشان را نصیحت گفت که حتماً از تحصن احتراز جویند و هر شکایتی که داشته باشند رجوع به مجلس ملی طهران نمایند.

چندین سوار که به امر حاکم به کاما مأمور شده بودند اهالی آن محل‌ایشان را محبوس داشتند. حکومت مصمم شد که مرتکبین را تنبیهی نماید که عبرت دیگران شود ولی بنابر خواهش و استدعای رئیس موروثی آن ناحیه از تقصیر ایشان در گذشت.

استراباد

آژانس انگلیس راپورت می‌دهد که در اواخر ماه اکتبر دستجات معظمی از سوارهای تراکمه به دهات نزدیك استراباد تاخت و تاز آورده عده‌ای از مردها را کشتند و جمعی از زنها را با مواشی و رمه بدر بردند.

مشهد

در قسمت اخیر ماه اکتبر تراکمهٔ «یموت» از برك [= اترك؟] به میاندشت وجوین‌حمله کردند.

جایی‌که‌از حملات و چپاول تراکمه مصون مانده همانا ایالت خراسان و شهر مشهد می‌باشد.

اصفهان

اوضاع اصفهان بالنسبه در ظرف ماه گذشته آرام‌تر بود.

آقایان کلیه معاملات تجارتی را با کمپانیهای اروپایی غدغن ساختند ــ ولی چون با یکی از شرکتهای داخلی که معاملهٔ اجناس خارجه می‌نماید شریکند لهذا با کمال دقت از ممانعت خرید و فروش امتعهٔ خارجه احتراز دارند. این مسئله سبب شد که کمپانی زیگلر پرتست نماید و عاملین کمپانی دیکسن مقیم اصفهان نیز راپورت دادند که از ترس آقایان نمی‌توانند روز را مشغول کسب باشند. تجار ایرانی که با کمپانیهای اروپایی طرف معامله هستند به آقایان شکایت بردند که بفوریت نمی‌توانند محاسبات خود را با خارجه تفریغ نموده به ختم رسانند. بنابراین آقایان برای چهارماه به ایشان مهلت بخشیدندکه در ظرف آن مدت به تفریغ محاسبات خویش پردازند. شارژ دافر دولت فخیمه این وقایع را به نظر وزیر امور خارجه ایران رسانید و جناب ایشان رجوع به کابینه نمودند

و قرار چنین شد که اگر آقا نورالله در مداخلهٔ امور تجارت خارجه مداومت‌نماید اورا از اصفهان حرکت دهند. قنسول جنرال دولت روس نیز مطلب را به سفارت خویش راپورت داد.

شیراز

شیراز تا اواخر ماه اکتبر به حالت اغتشاش باقی بود و پی‌درپی شلیك می‌شد ــ و چون چندین گلوله به‌ادارهٔ تلگرافخانهٔ شهری هند و اروپ وارد آمد لهذا آن اداره موقتاً بسته گردید.

در هفتهٔ اول نوامبر خبر رسید که هردو فریقین متنازعین کمك و استعداد یافتند. برای لاریها از سوارهای جهرمی و قشقائی امداد آمد و بعد ازآن دو مسجد شهر را بتصرف درآوردند و برای قوامیها از ایلات عرب قوه رسید. قشقائیها نیز جنوب و مغـرب شیراز را فرا گرفتند. روز دویم نوامبر لاریها مکتوبی به قنسول اعلیحضرتی ارسال نموده و در آن اظهار داشتند که ورود پسران قوام باعث جنگ خواهد شد و اروپاییان جانشان در معرض مخاطره خواهد افتاد ــ در همان روز قوامیان کاغذی به مستر گراهم نوشته کفیل [آگنت] انگلیس را متهم ساختند به اینکه لاریها را تقویت ومعاضدت می‌نماید ولی‌وی این مسئله را انکار داشت . روز سوم نوامبر حاکم موسوم به نظام‌السلطنه که هفتهٔ گذشته را در باغ آگنت انگلیس واقع در خارج شهر گذرانیده بود عازم طهران گردید. خبیرالدوله نایب‌الحکومه به مستر گراهم اطلاع دادکه سید لاری یك یا چند کاغذ از نظام‌السلطنه در دست دارد که می‌نماید او خود سید را دعوت نموده است. یوم هشتم نوامبر پسران قوام وارد شدند و روز دهم ایلخانی قشقائی خارج گردید از آن وقت اوضـاع روی به آرامی و تخفیف نهاد. معهذا دزدی بطور استمرار باقی است و در نزدیکی قنسولخانه چندین مرتبه مرتکب این عمل گردیدند. در همین ایام تلگرافی از قنسول اعلیحضرتی واصل شده مشعر براینکه قشقائیها با کمال وحشیگری به نوکرهای وی حمله آورده‌اند.

نقاط اطراف شیراز نیز خیلی مغشوش ودر حال هرج و مرج است ــ راههای بوشهر و اصفهان را دزدها فرا گرفته‌اند و آنهایی که سمت جنوب را اشغال دارند از ایل قشقائی هستند . نوکر لفتننت [1] بلك که چند ساعت بعد از آقای خویش از شیراز حرکت نمود و عجله داشت خود را بقافله برساند یکی از سوارهای قشقائی بفاصلهٔ کمی از قافله او را جلو بریده اسکناسهای متعلق به بانك شاهنشاهی را که معادل ٤۰۰ لیره (۲،۰۰۰ تومان) می‌شد از وی بسرقت برد.

روزسوم نوامبر یك نفر تاجر آلمانی مقیم شیراز موسوم به‌کاپیتن[2]هاینیك بفاصلهٔ یك ربع ساعت دور از شهر گرفتار سارقین گردید. لباسش را از تن درآوردند و آنچه راکـه او خود و نوکرش همراه داشتند گرفته شد. بعد از آن دزدها سوار اسب ایشان گردیده و مجبورشان ساختند که در جلو آنها بدوند. کاپیتن مزبور ضربتی یافت واز پای‌درافتاد.

---

۱) لفتننت (به کسر اول و ثالث و فتح رابع) = ستوان ــم.

۲) کاپیتن (به کسر ت) = سروان ــم.

بدان واسطه دزدها که گمان می‌رود از ایل قشقائی باشند او را با نوکرش واسبها سر داده بدر رفتند. کاپیتن‌هاینیك مستقیماً به منزل قنسول جنرال روس آمد و قنسول وقایع‌را به سفارت خویش تلگراف نمود. قنسول انگلیس وقتی که این حادثه را به سفارت اطلاع داد اصرار داشت که بایستی برای حفظ اتباع انگلیس به اقدامات کوشید.

بطرف یکنفر تاجر انگلیسی ساکن شیراز با ششلول تیر انداختند و همچه معلوم می‌شود که اروپاییان بعد از غروب آفتاب امنیت بیرون رفتن را ندارند.

یزد

حاکم از شهر خارج شد و شعبهٔ بانك شاهنشاهی ایران تلگراف نمود که سربازهای مستحفظ بانك آنجا را ترك نموده و آنها را بدون محافظ گذاشته‌اند. در این خصوص بایستی به دولت ایران اظهار مؤکد بشود.

کاشان

تلگرافچی تلگراف‌خانهٔ هند و اروپا مقیم کاشان تلگراف نمود که اغتشاش عظیمی در آنجا حادث شده ونزدیك تلگراف‌خانه بقدری شلیك بشدت مداومت داشت که بدان واسطه قادر بر خارج شدن از تلگراف‌خانه نبود. این واقعه نیز موضوع اظهارات مؤکد به‌دولت ایران گردید.

کرمان

در بیست و دویم ماه اکتبر، حوالی قنسولخانهٔ اعلیحضرتی شلیك در پیوست وبعضی از گلوله‌ها از بالای آن رد می‌شد. عقیدهٔ کاپیتن هاورس این است که شلیك را نظربه‌اینکه اورا وادار به دادن راپورت نمایند که شهر به حالت بی‌نظمی در آمده و بدان واسطه مانع از معاودت شاهزاده سیف‌الدوله شود شروع نمودند. ظهیراندوله درماه نوامبر به حکومت منصوب گردید.

روز بیست و پنجم ماه اکتبر شخص سیدی به‌یك نفر پیرمرد یهودی مستخدم مدرسهٔ کلیمیان حمله آورد. برادر امام جمعه که از آنجا می‌گذشت به سید ملحق گردید و سربازهای قراول مدرسهٔ مزبور به استخلاص آن یهودی شتافتند. نوکر برادر امام جمعه با سنگ به‌سربازها حمله‌نمود و ایشان بدان واسطه او را زدند. مسیو لی گس (رئیس مدرسهٔ کلیمیان) آن یهودی را مستخلص گردانید و کاغذی به امام جمعه نوشته تحقیق این واقعه را از وی درخواست نمود. ضمناً جمعیتی داخل مدرسه گردیده گریبان مسیو گس را گرفته‌او را به مسجد کشیدند وبه قتل تهدیدش می‌نمودند. امام‌جمعه با یك مخاطرهٔ شدیدی کوشش نموده او را نجات داد و بسلامت روانهٔ خانهٔ‌رئیس قشون محلی گردانید. روزبیست‌ونهم همان ماه مسیوساکس [گس؟] به گمان اینکه به محلهٔ یهودیان حمله خواهند آورد پناه به قنسولخانهٔ اعلیحضرتی بردو در آنجا متوقف بود تا وقتی که کاپیتن‌هاورس از کارگزار برای وی تحصیل امنیت نمود.

www.adabestanekave.com

بندرعباس

موافق اخبار واصله، قطاع‌الطریق تمام راههای قافله‌رو را در ظرف ماه اکتبر مسدود داشتند و بدان واسطه تا مدتی قوافل از حرکت بازمانده بودند ولی موافق اخبار اخیره اکنون کاروان حرکت نموده و در ایاب و ذهاب است.

ضمیمهٔ خلاصهٔ ماهیانه

یــزد

درچهاردهم نوامبر یك نفر تاجر پارسی موسوم به بهرام گشتاسب بواسطهٔ شخص مسلمانی هدف گلوله و بسختی مجروح گردید و ضارب فرار نمود ــ سفارت اعلیحضرتی در این خصوص به دولت ایران اظهار نموده است.

شیراز

قنسول دولت فخیمه یوم سوم دسامبر تلگراف نمود که در شیراز و نیز درتمام فارس هرج و مرج و بی‌نظمی مزید یافته و ایلات از تحت اطاعت خارج شده ودر بهار منتظر مشکلات و زحمات سخت‌تر باید بود. رئیس‌الوزراء به شارژ دافر دولت انگلیس اطلاع داده است که تا حاکم فرستاده نشود هیچ‌کاری نمی‌توان انجام داد. و حالیه خبر داده شدکه بالاخره علاءالدوله درصورتی که شروطش را تماماً پذیرفتند راضی به رفتن گردید . عقیدهٔ مستر گراهم این است که اگر ایلات را از شهر شیراز خارج نمایند در اوضاع بهبودی حاصل خواهد شد لیکن حاکم فعالی با تقویت قشون مسلح لازم است تا اغتشاشات را خاتمه بدهد و در حقیقت اگر علاءالدوله بدانجا برود تا اندازه‌ای این مقاصد انجام خواهد یافت .
مستحفظین قنسولگری بالمضاعف باقی خواهند بود تا وقتی که اوضاع بهبودی حاصل نماید.

مشهد

تراکمه به قوچان حمله آورده و تشون دولتی را شکست دادند.

بندرعباس

مأمور مقیم دولت اعلیحضرتی در بوشهر روز اول دسامبر تلگرافاً [=تلگرافی] خبرداد که قنسول دولت فخیمه بندرعباس راپورت‌فرستاده است که بواسطهٔ شرارت‌ایلات‌اوضاع‌آنجابسختی ودر شدت گرفتار آمده . مأمور مقیم قرار داده است که کشتی اعلیحضرتی موسوم بـه «لاپینك» بدان‌سمت حرکت نماید.

ملفوفهٔ دویم در لف نمره ۸٤

یادداشت مستر چرچیل به جلسات مجلس شورای ملی ایران از نهم نوامبر تا دویم دسامبر ۱۹۰۷ [٦ آبان تا ۲۵ آذر ۱۲۸٦، ۲تا۲۵شوال۱۳۲۵]

مهمترین مطلبی که درمدت ماه منظور اتفاق افتاد تشریف‌فرمایی رسمانهٔ شاه‌بود در ۱۲

نوامبر [۱۹ آبان ؛ ۵ شوال] به مجلس ملی ــ شاهزادگان منتسبین به سلطنت ازجمله ظل‌السلطان و همچنین نمایندگان هرطبقه از قبیل صاحبان مناصب و روحانیین حضور داشتند. برای حفظ جان شاه احتیاطات فوق‌العاده بعمل آوردند . مراسم تشریفات تقریباً تا مدت نیم‌ساعت بیستر بطول نینجامید و بعد از آنکه طرفین آغاز به تهنیت نمودند و نیز آقا سیدعبدالله مجتهد از طرف مجلس نطق نمود آنوقت رئیس مجلس قرآن را بـا صورت قسمنامهٔ مندرجه در مادهٔ ۳۸ قانون اساسی مصوبهٔ ۸ ماه اکتبر ۱۹۰۷ حضور شاه نهاد که به قید قسم تعهد نماید . پس از آن رئیس تقاضای «هورا» برای شاه نموده و عموماً به آواز بلند فریاد شاه زنده باد کشیدند . هیئت دیپلوماسی برای حضور دراین مجلس دعوت نشده بود.

این نمایش اصلاح و آشتی موقتاً رنجش و نقاری را که مابین شاه و مجلس موجود بود تخفیف داد ولی بزودی از طرف کارگزاران شاه عملیات منافقت‌آمیزی تجدید یافت که بدان‌واسطه مردم به خشم و هیجان آمدند.

در تاریخ ۱۷ نوامبر مباحثهٔ طولانی راجع به بودجه بمیان آمد . کمیسیون مالیهٔ مجلس صورتی از مخارج درباری که میزان آن‌را به پانصد هزار تومان تخمین زده بود پیشنهاد کرده ودرخصوص تحقیقاتی در مواجب و وظایف ارباب حقوق که مبلغ آن‌درسال بالغ‌بر نهصد ونود هزار تومان می‌شد کمیسیون مزبور اظهار داشت‌که مبلغ چهارصد وپنجاه هزار تومان آن از تخفیف یا مقطوع داشتن سیزده نفر که ازجملهٔ آنها اتابك و مشیرالدولهٔ مرحوم می‌باشند حاصل شده است.

تقی‌زاده نطقی در خصوص عدم رضایت شاه و درباریان به این قرارداد نموده و اظهار داشت که اگر شاه با این ترتیبات بودجه موافقت ننماید مجلس مجبور خواهد گردید که صاحبان حقوق و اجزای درباری را خود حقوق داده و پس از آن بقیه را که عبارت از سی‌هزار تومان خواهد بود تقدیم اعلیحضرت دارد.

در چهاردهم نوامبر مسئلهٔ تعیین مسیو بیزوت به سمت مستشاری مالیه مجدداً درمجلس با حضور وزیر مالیه مطرح مذاکره گردید و معزی‌الیه اصرار داشت که مجلس صورت کنترات قبول نماید . پس از مباحثات طولانی صورت مقاوله‌نامه با اینکه رای گرفته نشد قبول گردید.

چون وضع بی‌نظمی مملکت‌بدتری یافت انجمنهای‌مختلطه متحداً روز ۱۹ نوامبر عریضه‌ای به مجلس معروض داشته تقاضای اقدامات سریعه در استقرار نظم نمودند و نیز مستدعـی شدند که به شاهزادگان و اعیانی‌که هریك تعهد کرده بودند مبلغ معینی به بانك ملی اعانه بدهند فشار وارد آید که آن‌را نقد بپردازند.

روز ۲۱ نوامبر از حالت و رفتار دو مجتهد بزرك [آقا سید عبدالله و آقاسید محمد] استنباط می‌شد که عامهٔ مردم هیچگونه رضائیتی از روش مجلس درکارها نـدارند. آقا سید محمد مجتهد در مجلس چنین اظهار داشت‌که «ما از طریقهٔ حکومت شوروی‌و سلطنت مشروطه بسی محسنات و تمجیدها شنیده بودیم اگر نتیجهٔ آن این است که مشاهده می‌شود پس هیچ فایده نخواهد داشت. آیانه تکلیف سلطنت است که مانع از بی‌نظمی شود؟

با این اوضاع کنونی امنیت جانی در این شهر غیر ممکن است.»

در بیست و دویم نوامبر رئیس الوزراء با وزرای جنگ ، عدلیه و تجارت به مجلس آمدند ودر موضوع رفورم و انتظام قشون مذاکراتی بمیان آمد. در این خصوص هیچ رأی قطعی حاصل نشد ولی وزیر جنگ وعده دادکه در ظرف یك‌هفته نقشهٔ خودرا در طریق رفورم قشون به مجلس تقدیم دارد. در ضمن مباحثات بعضی مذاکرات از استقلال کلنل روسی فرمانده بریگاد قزاق گفتگو گردید . رئیس مجلس گفت که جای آن داردکلنل را بواسطهٔ جنگ آزادانه مابین قزاقهای وی و فوج «سیلاخوری» که دیروز اتفاق افتاده است ملامت نمود.

روز ۲۳ نوامبر عده‌ای از وکلا را برای تشکیل کمیسیونهای مختلفه از جمله کمیسیون وزارت امور خارجه که وظایف آن مشتمل بر نظارت در کارهای آن وزارتخانه و تحقیق در معاهدات قراردادها و امتیازنامه‌ها می‌باشد انتخاب نمودند.

دسایس کارکنان شاه مخصوصاً سعدالدوله که اوضاع فتنه وآشوب را تهدید می‌کرد، چنانچه از هیجانهای مصنوعی اشخاصی که مقرری آنها را کاسته بودندو نیز از منازعهٔ قزاقها که ۲۱ نوامبر با «فوج سیلاخوری» در پیوست واضح و مشهود آمده و موضوع مذاکرات با حرارتی در مجلس گردید که قسمت عمده‌اش‌راتقی‌زاده بیان نمود . ازتماشاچیان خواهش شد که از اطاق جلسه‌خارج شوندو مجلس‌علنی را به‌خصوصی تبدیل دادند ومذاکرات با حرارتی زیادتر مداومت یافت. کارکنان شاه را به اسم نام بردند از جمله‌شاپشال را که به سعی و اهتمام وزیر دربار مقرب شاه گردیده است.سعدالدوله و امیربهادر را به آواز بلند زشت‌کار نامیدند و برخی از وکلاء بشدت اصرار داشتند که آنان را بایستی از مملکت تبعید نمود. چون از رئیس الوزراء که حاضر بود سؤال شد ایشان گفتند که می‌دانند یك قوه‌ای در پرده برضد مجلس کوشش می‌نماید. خلاصه قرار چنین داده شدکه روز دیگر جلسهٔ خصوصی تشکیل یابد و کابینهٔ وزراء حضور بهمرسانیده درخصوص این اوضاع مشغول مذاکرات شوند.

روز ۲۷ نوامبر جلسهٔ خصوصی در مجلس انعقاد یافت لیکن وزراء در دربار سلطنتی مشغول بوده نتوانسته به مجلس حاضر شوند. رئیس مجلس اعلام نمود که شاه مایل است از طرف اعضای مجلس نماینده به حضور ایشان فرستاده شود لهذا ده‌نفر از مابین وکلاء بدین سمت انتخاب شده به دربار سلطنت رفتند.

روز ۲۸ نوامبر در جلسهٔ علنی دستخط شاه خطاب به نمایندگان که روز قبل شرفیاب حضور شده بودند قرائت گردید. اعلیحضرت شاه لزوم تفکیك وظایف قوهٔ مجریه حکومت را ازتکالیف قوهٔ مقننه مجلس اصرار فرموده واوضاع بی‌نظمی اسف‌آمیزی را که مملکت دچار آمده بسیار مهم شمردند وبالاخره تأکید داشتند که انجمنهایی که بدون هیچ حقی در امور دولت مداخله می‌نمایندو مخل آسایش عامه هستند برچیده شوند و مسبوق گردانیدند که به وزراء نیز امر شده است آنها را موقوف و منحل سازند. مجلس بعد از آنکه با کمال دقت تعمق نمود که چه جوابی در مقابل فرمایشات شاه داده شود با مشورت مجتهدین بزرگ ابتدا اظهار تشکر از صدور دستخط مبارك اعلیحضرتی نموده سپس اطمینان می‌داد

که مجلس هرگز مایل به‌اختلاط وظایف هیئت مجریه با تکالیف اعضای مقننه نباشد. کلیه سعی و اهتمامش در وضع قوانین و نظارت در اجرای آنست . اما راجع به موقوف داشتن انجمنها خاطر شاه را متذکر به‌اصل ۲۱ قانون اساسی مصوبهٔ هیجدهم اکتبر ساختند که مجامع آزاد است ولی قول دادند که نظامنامه‌ای برای رفتار آنها نوشته شود.
(امضا) جی. پی . چرچیل

نمره ــ ۸۵

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصلهٔ ۲۳ دسامبر)
از طهران ، به تاریخ ششم دسامبر ۱۹۰۷
[۱۳ آذر ۱۲۸۶؛ ۲۹ شوال ۱۳۲۵]

اکنون ضعف و بی‌قدرتی دولت به منتها درجه رسیده است ولی باوجود این اسباب تعجب است که با موجود بودن قوائی که همی در تخریب اساس جدیده بکار می‌رود اوضاع مملکت هرچند خوب نیست بدتر نشده است. لیکن ترس آنست که هیچ علائم امیدبخشی برای آتیه نتوان بدست آورد. غیر از ایران حتی در ممالك منظمه اگر سکته بر حکومت مرکزی وارد آید البته منتج متلاشی شدن کلیه انتظامات آن خواهد گردید ولی در ایران اقتدار حکومت مرکزی ونیز تسلط و حکمفرمایی در ولایات بقدری بسته به‌نفوذ اشخاص است که عدم اقتدار مرکز اثری در سستی اقتدرات و سلطهٔ ولایات نخواهد نمود چنانچه در اکثر ولایات دیده می‌شود که بالنسبه آرامی موجود بوده و آثاری که دلالت بر بحران عظیمی که مملکت دچار آن است ظاهر نمی‌سازند.

چنانچه مذکور داشتم نفوذ حکومت مرکزی بکلی از میان رفته و شاهد آن نداشتن قدرت است درامر و تحکم به‌اطاعت حتی درمورد رؤسائی که تحت اختیار آن واقعند.

از اینجا می‌توان استنباط نمود که چگونه سپهدار مسافرت خود به استراباد برای جلوگیری از حملات تراکمه متجاوز از پانزده روز بطول انجام دادو چگونه محتشم‌السلطنه در عزیمت به ارومیه مسامحه می‌کند و نیزعلاءالدوله که به‌حکومت فارس‌مقررشده در حرکت بدان صوب تعلل می‌ورزد . وچون این مطالب از مسائل مؤکده شمرده می‌شود بایستی از خارج فشار سخت به حکومت وارد آید که در حرکت آنان عجله نماید.

یحتمل هنوز ضعف حکومت در قطعات دوردست ایران محقق نشده باشد ولی همینکه بوضوح پیوست ، آنوقت هیچ چیز باقی نخواهد ماند مگر فقط نفوذ شخصی حکام که جلوگیری از دسایس و اغراض اشخاص محلی نموده نگذارند به فعلیت انجامیده تولید هرج و مرجی شود که نمونهٔ آن اکنون در شیراز موجود است. با اینحال نتیجهٔ ضعف حکومت مرکزی معلوم گردیده و چون دانسته شده است که از طهران تقویتی نخواهد گردید لهذا هیچکس حاضر نیست در ایالاتی که اغتشاش موجود است و یا احتمال وقوع آن برود تقبل کار برای اعاده و حفظ نظم نماید. شیراز و کرمان و یزد بدون حاکم مانده ، در اصفهان نیرالدوله آلت دست آقایان می‌باشد ، ودر ارومیه حاکم را از شهر خارج

ساخته‌اند؛ در تبریز فرمانفرما باوجود اینکه با انجمن ایالتی موافقت داشت دچار مخاطرهٔ تبعید گردیده و یکی دوروز شهر در قبضهٔ اختیار «فداییان» درآمده بود.

وضعیت اوضاع در هیچ نقطه به بدی شیراز نیست. آخرین چاره‌ای که حاکم برای تقویت خویش اندیشید این بود که از طایفهٔ لاریها استمداد بطلبد و بعد چون دانست که‌از نداشتن استعداد و قوه دیر ملتفت شده است مقام خود را ترك نموده شهر را میدان مبارزهٔ دستجات متخاصمهٔ قوام‌الملك و معتمد دیوان قرار داد و طبیعتاً اغتشاش به تمام ایالت فارس اثر نموده است و احتمال کلی می‌رود که آنچه را مستر گراهم از وقوع‌آن ترس داشت صورت خارجی حاصل کند و موقعی که ایلات در بهار به نقاط ییلاقی خویش معاودت نمایند اوضاع خیلی بدتر خواهد گردید.

در سمت جنوب طایفهٔ بهارلو اطراف بندرعباس مشغول تاخت وتاز و شهر در معرض حمله است. در مرکز ایران کاشان دومین میدان جنگ شدید بین نوکرهای دونفر از اعیان آن شهر واقع گردیده و اجزاء تلگراف‌خانهٔ هند و اروپا مدتی گرفتار مخاطره بودند ولیکن همچه بنظر می‌رسد که کارگزاران ولایتی هیچ اقدامی درآن خصوص نکرده باشند. در اصفهان آقانورالله و آقا نجفی که یکدیگر را برادرند به فراهم آوردن تحریم امتعهٔ اروپایی می‌کوشند و سه‌هفته قبل در یزد به یك نفر تاجر پارسی به قصد هلاکت حمله کردند و حاکم آنجا نتوانسته است برای بانك شاهنشاهی قراول و مستحفظینی که معمول بوده است حاضر ساخته و در آنجا بگمارد.در قسمت شمالی‌تاخت وتاز تراکمه حکایات شصت سال قبل را در خاطر تجدید می‌دهد ولی هیچگونه اقدام مؤثری در جلوگیری آنها بعمل نیامده . امثال اینگونه وقایع بسیارند ، لیکن گمان می‌کنم آنچه را که بیان نموده‌ام کافی باشد برای دانستن اینکه همه‌جا مقتضیات بی‌نظمی موجود و حاکم محلی ضعیف است و دولت مرکزی توانایی آن را ندارد که حفظ نظم را در آن محل بنماید. این مسئله بواسطهٔ رشت و کردستان ایران که در حال اغتشاش می‌باشند ثابت می‌گردد اما چون حکام آن دو ولایت کافی هستند بالنسبه راپورتهای مساعد از آنجا می‌رسد.

سستی و ضعف حکومت جهت عمده‌اش بلاشك بیحالی فطری اعضای آن است ــ مخصوصاً ناصرالملك . با این حال از نقطه نظر اهالی مغرب زمین این کابینه از بهترین اشخاص تربیت شدهٔ ایرانی انتخاب گردیده ولی با مشکلات عظیمه متصادف آمده‌اند کــه عمدهٔ آنها خالی بودن خزانه و مخالفت نهانی و آشکارای شاه و ضدیــت گــروه مرتجعین است.

بی‌پولی دولت از مسلمات است. روز دیگر که ناصرالملك را ملاقات کردم ایشان اظهار داشتند که بهیچوجه مالیاتی ایصال نگردیده ــ مگر از گمرکات که فوق‌العاده ترقی نموده و از عملکرد تلگراف‌خانه و مداخل تذکره و این هم کلیة صرف مخارج لازمه شده است ــ وزراء مشغول مذاکره و گفتگوی طرح نقشجات اصلاح جمع‌آوری مالیات و وضع مالیاتهای جدیده می‌باشند. لیکن تمام اینها طبیعتاً منوط به داشتن وقت است . پولی نمی‌رسد که به قشون داده شود که مأمور استقرار نظم گردند وبهیچوجه امیدی نیست که به استقراض داخلی موفق شوند و ترس آن است که اگر پولی فراهم آید دولت با اوضاع

حاضره نتواند به مصارف مفیده برساند.

دومین عایق ، یعنی ضدیت شاه ، یحتمل در انظار ایرانیان اشکالی خوفناکتر از احتیاج به پول باشد. هیئت دولت و رؤسای ملت هیچگونه وسایل مسالمت‌آمیزی نمی‌بیند که بدان واسطه قوای او را ضعیف ساخته دستش را در کار تحزیب کوتاه دارند.

پولی که شاه صرف اجرای دسایس خویش‌می‌نماید معلوم نیست‌از چه محل بچنگ می‌آورد. احتمال قوی می‌رود که تدارك آن را برخی از منتسبین وی و نیز مرتجعین که در ماه‌سپتامبر گذشته ازطریق تدلیس خواهان و طرفدار تجدد شده بودند می‌کنند.

نمره ــ ۸٦

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۳ دسامبر)

[یکم دی ۱۲۸٦؛ ۱۷ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

بنابر تلگراف مورخه ۲۲ ماه جاری که شما مخابره فرمودید وزیر مختار روس و من توأماً به همان نحوی‌که در تلگراف خودم به تاریخ ۲۱ همین ماه اظهار داشته بودم باظل‌ــ السلطان گفتگو کردیم.

نمره ــ ۸۷

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه ، ۲۳ دسامبر ۱۹۰۷

[یکم دی ۱۲۸٦؛۱۷ ذیقعدهٔ۱۳۲۵]

در جواب تلگراف مورخهٔ ۲۱ همین ماه شما تقاضای اولی و ثانوی شما مورد قبــول افتاد.

در جواب تلگراف ۲۳ ، بایستی ظل‌السلطان را به قرارداد حمایتی که با او شرط شده‌و از جمله شرط اصلی آن اطاعت وی است از شاه ، متذکر ساخت.

درموضوع ولایت عهد تا می‌توانید از مداخلات اجتناب نمایید.

نمره ــ ۸۸

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (وصول ۲٤ دسامبر)

از طهران به تاریخ ۲٤ دسامبر ۱۹۰۷

[۲ دی ۱۲۸٦؛ ۱۸ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

بنابر تلگراف دیروز شما وزیر مختار روس و من مکتوبی به ظل‌السلطان نوشته او را از شروط حمایت خودمان یعنی اطاعت کردن از شاه متذکر ساخته ونیز مسبوق نمودیم که دولتین متفقاً ولیعهد را به ولایت عهد می‌شناسند.

نمره ــ ۸۹

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه، ۲۵ دسامبر ۱۹۰۷
[۳ دی ۱۲۸۶ ؛ ۱۹ ذیقعده ۱۳۲۵]

شما باید در منازعهٔ شاه با مردمان خویش کمال بیطرفی را اختیار نمایید. هرگاه اعلیحضرت شاه بخواهند در سفارتخانه «پناهنده» شوند شما نبایستی از قبول آن امتناع بورزید مگر فقط به احتمال مخاطرهٔ نفوس دیگران ــ درصورتی که معلوم نباشد جان اعلیحضرت از خطر مصون خواهد بود ــ وباید کاملا بطور وضوح بفهمانید که وی رابهمان طریقه و قراردادی پناه می‌دهند که ممکن بود سایر ایرانیان در مواقع این‌گونه مخاطرات متحصن بسفارت‌شوند. چه خیلی بایستی اهمیت داد به‌اینکه مستمسکی به‌دست کسی نیاید که فرض کنند شاه به تقویت و حمایت ما برضدمجلس قیام داشته‌وباید حاضر باشیم که‌وی‌را تسلیم اولیای امور بنماییم مشروط براینکه بطور سلامت مجاز باشد از ایران خارج شود.

نمره ــ ۹۰

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۹ ژانویه)

از طهران به تاریخ ۹ ژانویهٔ۱۹۰۸
[۱۸ دی ۱۲۸۶؛ ٤ ذیحجه ۱۳۲۵]

خواهشمندم رجوع فرمایند به تلگرافی که در بیست و یکم دسامبر هزار و نهصد و هفت [۲۸ آذر ۱۲۸۶؛ ۱۵ ذیقعده ۱۳۲۵] مخابره نموده‌اند.

وزیر مختار روس و من نتوانستیم دومین مطلب پرگرام خودمان را تا قبل از سی‌ام ماه دسامبر بموقع اجراء درآوریم یعنی مجلس ملی را از تعهدات واطمینانی که اعلیحضرت شاه به ما داده بودند مستحضر داریم. در همان تاریخ مراسلات متحدالمضمونی به رئیس مجلس ارسال داشته ایشان را از آنچه اقدام شده بود مطلع ساختیم و یقین ثابت‌خود را در خصوص این که آن اعلیحضرت به عهد خویش وفا خواهند فرمود اظهار داشتیم.

روز چهارم همین ماه مراسلات مذکوره در مجلس قرائت گردید.

نمره ــ ۹۱

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری [واصله ۲۰ ژانویهٔ ۱۹۰۸]

[از طهران، ۳۱ دسامبر۱۹۰۷]
[۹ دی ۱۲۸۶؛ ۲۵ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

باکمال افتخار وقایع ماهیانهٔ ایران را که در ظرف چهارهفتهٔ گذشته اتفاق افتاده اینک

---

۱ ــ متن اصلی : ۱۹۰۷ مطابق ۱۳۲۶ هجری.ــم.

موافق معمول ارسال می‌دارم و مذاکرات مجلس نیز در ضمن خلاصهٔ واقعات سمت ذکر خواهد یافت.

ملفوف نمرهٔ ۹۱

خلاصهٔ حوادث ایران در ظرف چهار هفتهٔ گذشته

طهران

مجلس ملی

مجلس مخالفت شاه و کارکنان وی‌را در ماه دسامبر درك وبشدت احساس نموده ودر این موضوع چنانچه در خلاصهٔ مذاکرات سابق آن اشارت شد با کمال حرارت بسی مذاکرات جریان یافت. این بحران که در پانزدهم دسامبر به معرض شهود آمد همانا از اصرار مجلس در تبعید سعدالدوله وامیربهادر جنگ دوکارکنان مرتجع شاه ناشی گردید و مظفریتی که نصیب‌مجلس شدبیشتربه واسطهٔانجمنها بود که باقوت‌اسلحه ازآن‌حمایت‌نمودند.

مذاکرات مجلس که جلساتش متوالیاً انعقاد یافت محتاج به راپورت جداگانه نیست. عمدهٔ آن مذاکرات راجع به‌حملهٔ ناگهانی شاه بود وکابینهٔ جدید را که فقط سه نفرازاعضای آن تغییریافتند ــ یعنی نظام‌السلطنه به جای ناصرالملك و ظفرالسلطنه به وزارت جنگ، قائم مقام به وزارت گمرکات و تجارت ــ عاقبت مجلس تصویب نمود ولی در جلسهٔ سی‌ویکم ماه دسامبر راجع به حوادث جدیده بطور تحقیر مورد استیضاحات وکلاء گردیدند. حالیه موقع مجلس شاید از سابق قوی‌تر شده باشد.

کابینهٔ جدید

وزیر مالیه و رئیس‌الوزراء	نظام السلطنه
وزیر امور خارجه	مشیرالدوله
وزیر جنگ	ظفرالسلطنه
وزیرعدلیه	مخبرالسلطنه
وزیر معادن و فواید عامه	صنیع‌الدوله
وزیر تجارت و گمرکات	قائم‌مقام
وزیر داخله	آصف‌الدوله

(امضا) جی.پی.چرچیل
منشی شرقی

تبریز

بتازگی اشخاص مسلح کراراً خواسته‌اند عنفاً به قنسولگری روس داخل شوند و یکی از آنها اظهار داشت که مقصود وی کشتن قنسول روس بوده است.

نظر به اغتشاش تبریز و همچنین برحسب تقاضای قنسول روس در تزیید قوای مستحفظه لهذا دولت روسیه مصمم شده است که فوق‌العاده ۲۵ نفر قزاق برای قنسولخانه گسیل

داشته و چهارصد نفر قشون در سرحد حاضر دارد.

دویم ژانویه تلگرافی واصل گردید مشعر بر ورود ۲۵ نفر قزاق روسی به تبریز که این عده تعداد مستحفظین قنسولگری را به پنجاه نفر رسانید.

ارومیه

چون شورشیان درامور قضائیه و اجرائیه مداخله می‌نمودند بدان‌واسطه امر حکومت به اختلال می‌گذشت و در ۲٤ نوامبر [یکم آذر ۱۲۸٦؛ ۱۷ شوال ۱۳۲۵]حاکم به فرمانفرمای آذربایجان و انجمن ایالتی تبریز تشکی نمود. مشارالیه اختیار یافت که رئیس‌انقلابیون‌را تبعید نماید ــ این مسئله در ۲٦ نوامبر صورت وقوع پذیرفت لیکن روز دیگر حاکم خود مجبور به ترك آن ولایت گردید و شهر بدون حاکم ماند معهذا هیچگونه بی‌نظمی و اغتشاش اتفاق نیفتاد.

رشت

در هیجدهم‌دسامبر[۲۵ آذر۱۲۸٦؛ ۱۲ذیقعده۱۳۲۵]انتشار خبرقتل‌تمام‌وکلای‌مجلس‌ملی‌و شیوع یافتن عبور قشون روس از آستارا به خاك ایران باعث بروز یك هیجان عمده‌ای در رشت گردیده و روز دیگر حکمران با علماء و اعیان و جمعی از طبقات مردم در تلگراف‌خانه اجتماع نمودند و روز ۲۳ همان ماه از طهران تلگرافی رسید مبنی براینکه مجدداً صلح (مابین شاه و مجلس) برقرار گردید. عنوان فرستادن ده‌هزار نفر از گیلان به‌حمایت مجلس شورای ملی سبب شد که چهل نفر از مردم آنجا با لباس نظامی مشغول مشق و نمایشات نظامی گردیدند.

مشهد

انجمن ایالتی تلگرافاً [=تلگرافی] به طهران‌اظهارداشت که‌نظربه لزوم‌حتمی‌تهیهٔ پول برای تنظیم قشون خراسان لذا در آتیه از فرستادن مالیات به پایتخت معذور است.

بالاضافه ، دستجات مختصرهٔ قشون به سبزوار و قوچان اعزام شد ولی چون سرکرده و صاحبمنصب مسئولی نداشت یکان یکان فرار نمودند و از سه‌هزار فشنگی که به ذریعهٔ پست به قوچان فرستاده گردید دوهزار و هفتصد دانهٔ آن در عرض راه مفقود شد.

در ۲۲ دسامبر [۲۹ آذر ؛ ۱٦ ذیقعده] مشروطه‌طلبان تمام ادارات دولتی را ملزم به تعطیل نمودند لیکن منشیان تلگراف‌خانهٔ انگلیس را اجازه دادند که در شغل خود مداومت نمایند . روز دیگر انجمن ایالتی قورخانه را به تصرف درآورد و ادارهٔ پستخانه برحسب خواهش جنرال قنسول ما اجازه یافت که برای اتباع خارجه مفتوح باشد. حزب مشروطه‌خواهان ونیز فرقهٔ مرتجعین هردو نصیحت جنرال قنسول ما را در رعایت حفظ نظم واجتناب از خونریزی پذیرفتند . شهر آرام شد و اروپائیان مورد اکرام واقع‌گردیدند. اهالی مشهد نمایندگان خود را در مجلس ملی طهران در معرض خطر تصور می‌کردند ودرخصوص ایشان کمال توحش را داشتند.

اصفهان

شخصی از طرف آقا نجفی به سمت نمایندگی نزد جنرال قنسول دولت فخیمه آمده انکار می‌نمود از اینکه آقایان حکم نموده باشند که تجار محلی ترك معاملات با اروپاییان بنمایند. شخص مزبور در حضور منشی قنسولگری انکار این مسئله را می‌نمود در صورتیکه همان منشی در موقعی که آقا نورالله در عرشهٔ منبر حکم مذکور را به مردم تبلیغ‌می‌کرد حضور داشت. بهرحال تجار بومی علناً نمی‌توانند مانند سابق با اروپاییها داد و ستد نمایند.

یزد

پستی که از یزد به کرمان حرکت کرده بود روز ۲۲ نوامبر بسرقت رفت واز قراری‌که می‌گویند سارقین از ایل قشقائی می‌باشند.

تمام سربازهای ساخلوی یزد باستثنای چهارنفر همگی فرار کرده وبه کرمان عودت نموده‌اند. بانك شاهنشاهی ایران همینقدر توانسته است که از چهار نفر بقیهٔ مستحفظین‌دو نفر را راضی به توقف نماید ولی تلگراف‌خانهٔ انگلیس قراول و مستحفظی ندارد. اما شهر باوجود نداشتن حاکم ساکت و آرام می‌باشد.

کرمان

قنسول جنرال دولت فخیمه در هفتهٔ گذشتهٔ دسامبر تلگرافی خبر داد که ناظم و حاجی نایب علیه اتباع انگلیس مقیم کرمان سعایت نموده بسی حیله‌ها بکار می‌برند. ایشان در شهر فرمانفرمایی می‌کنند و دوام اقتدار آنان موجب اضمحلال نفوذ ما خواهد بود. تمام ادارات را تحت اختیار خویش درآورده‌اند و حتی ماژور دوکات نتوانسته‌است مراسلات خود را به پست بسپارد و ماژور مزبور که از وی چگونگی تدابیر و ضدیت آنان استفسار شده بود در اول ژانویه تلگراف نمود که روز ۱۶ دسامبر همینکه شاه حملهٔ پلیتیکی خود را مخابره و اعلام فرمود ناظم بنزد نایب قنسول آمده از مداخله کردن دولت انگلیس در این واقعه استعلام نمود. چون گفته شد که دولت انگلیس را مداخلتی نخواهد بود افسرده خاطر گردیده از کشتن خویشتن سخن می‌راند.

روز دیگر چندین جلد کتاب انجیل تذهیب شدهٔ کهنه به اسم ماژور دوکات در بازار منتشر ساختند و اشاعه یافت که قشون انگلیس به خشکی پیاده شده بعزم تسخیر کرمان و مجبور ساختن مردم را به قبول مذهب عیسوی ، رهسپار است و ماژور دوکات تذکرهٔ حمایت و تأمین‌نامه توزیع می‌کند . یکنفر ملا گماشته شد که برضد دعات مسیحی نطق و موعظه نماید. در ۲۳ دسامبر به هنگام نصف شب مجمعی تشکیل یافت و حملهٔ براتباع انگلیس را موضوع مذاکره قرار دادند. این ضدیت را ناظم و حاجی نایب و سید شهاب دخیل بوده و همی سعایت می‌کردند.

---

۱) اصل : برعلیه

شیراز

از اواخر نوامبر گذشته در اغلب ایام دسامبر حالت اغتشاش مداومت داشت و شلیك تفنگ بسیار می‌شد. دزدی و حمله بر مردم اتصالاً در کوچه‌ها ازدیاد می‌یافت. حمله‌ای که بر نوکر مستر گراهم گردیده و در خلاصهٔ وقایع سابق راپورتش داده شده بود اینك تفصیل و شرح آن واصل گردید. روز دهم دسامبر متعمداً به کفیل شاهنشاهی تیر انداختند ولی خوشبختانه بخطا رفت. چندین مرتبه مابین فریقین متخاصمین (قوامیان و اتباع سید لاری) عنوان صلح پیش‌آمد لیکن منتج نتیجه نگردید. خبیرالدوله که اسماً نایب‌الحکومه است دارای هیچگونه قوه و استعدادی نیست و قوائی هم که موجود است بکلی در قبضهٔ اختیار پسران قوام درآمده. صاحب اختیار که به فرمانفرمایی فارس نامزد شده بود روز ۳۰ دسامبر به مقر مأموریت خود عزیمت نمود. اخبار اخیره اشعار می‌دارد که اوضاع خیلی آرام است.

بنا بر راپورتی که چاروادارها می‌دهند تفنگچیان در عرض راه از قوافل باج می‌گیرند ودر حوالی چنار راه از کاروان مستر زیگلر جلوگیری کرده تمام اموال آنها را به سرقت بردند. از جملهٔ اشیاء منهوبه یك صندوق شمش نقره و تفنگ بودو سایر اشیاء مسروقه بیش از صدوبیست لیره (۶۰۰ تومان) ارزش داشت. متوالیاً از خرابی ایلات راپورت می‌رسد و چنانچه می‌گویند در یك موقع بسیاری ازدهات را ویران وبا خاك خاك یکسان نموده‌اند. طوایف بهار بکلی از قید اطاعت خارج و یاغی شده‌اند. همه را عقیده آن است که در بهار آتیه اشکالات زیاد بواسطهٔ ایلات تولید خواهد گردید.

اهواز

لیبوتنان[1] ویلسن با بیست نفر تابین که مأمور محافظت‌امور استخراج نفت‌بطوند [=بتوند] و ماماتن شده بودند در ماه دسامبر وارد اهواز گردیدند ودومین صاحبمنصب موسوم به لیبوتنان رنکینگ اکنون نیز بدان طرف رهسپار است. در اوائل دسامبر مخابرات تلگرافی بین اهواز و برازجان مفتوح و مجدداً مقطوع گردید.

www.adabestanekave.com

نمره ــ ۹۲

قسمتی از مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (وصول ۲۰ ژانویه ۱۹۰۸)

از طهران، ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷

[۹دی ۱۲۸۶؛ ۲۵ذیقعده ۱۳۲۵]

در سیزدهم ماه جاری که ناصرالملك را ملاقات نمودم اظهارات ایشان حاکی بود که روابط هیئت دولت با شاه مجدداً باعث اضطراب و تشویش خاطر آنجناب گردیده لیکن

۱) لیبوتنان (به‌کسرت) = لفتننت = ستوان.ــم.

دلایلی ذکر نفرمودند تا بدان واسطه وقوع یك بحران سخت را پیش‌بینی توانم نمود.

روز سه‌شنبه در مسجد سپهسالار واقع در جنب عمارات پارلمان جمعیت کثیری فراهم آمده و ملك‌المتکلمین و سایر ناطقین طرفدار ملت نطقهای مهیج نموده شاه را تهدید و اعمالش را تقبیح می‌کردند. ضمناً عزل و تبعید سعدالدوله وامیربهادر در جنگ را خواستار بودند. نطقها و موعظه‌ها که همه با شدت و حرارت ممزوج بود چندان نتیجه‌ای نبخشید و روز یکشنبه نزدیك ظهر به سفارت خبر رسید که عمآقریب [1] یك اغتشاش عظیمی بروز خواهد نمود. آنگاه شنیدم که شاه قوهٔ مضبوطی مرکب از فوج امیر بهادر و غلامهای کشیك‌خانه، قاطرچیان و ساربانها فراهم آورده ودر میدان توپخانه ایشان را جا داده است و آنان برای حملهٔ مجلس تصمیم عزم نموده‌اند و هم شنیدم که مشروطه‌طلبان همگی مترصدند به سفارتخانه متحصن شوند و ازتحقیقاتی که فوراً بعمل آمده معلوم شد قسمت اول راپورت صحیح بوده و صورت وقوع دارد و من درهای سفارتخانه را امر به بستن نمودم وبه هردری یك نفر غلام گماشتم و توصیه کردم که هرگاه مردم بخواهند بدانجا داخل‌شوند مرا مستحضر دارند ولی چنین حرکتی اتفاق نیفتاد.

تمام صبح را مجلس منعقد بود و سعی می‌نمودند که علاءالدوله و ظل‌السلطان را که هردو در آنجا حضور داشتند به بردن پیغام به نزد شاه وادار نمایند ولی هردو از پذیرفتن تکلیف مجلس امتناع ورزیدند و ظل‌السلطان بطور مزاح سرزنش‌آمیز اظهار داشت که شاید نایب‌السلطنه (کامران میرزا) راضی شود که این مأموریت را در عهده گیرد.

علاءالدوله که شاه احضارش فرموده بود در ساعت سه‌عازم دربار گردید و معجلا وی را تحت‌الحفظ با برادرش معین‌الدوله به کربلا تبعید نمودند. هیجانی با منتهای وحشیگری در دربار سلطنت که در آنجا کلنل لیاخوف و یکی دیگر از صاحبمنصبان بریگاد قزاق با دسته‌ای از قزاقها نیز حضور داشتند مشتعل بود و اشخاص مسلح در تمام عمارات دربار مجتمع بودند.

رفتار با علاءالدوله باعث وحشت و اضطراب مجلسیان گردیده و در ساعت پنج مصمم شدند هیئتی را که شاه برای صبح دیگر خواسته بود همان ساعت به دربار سلطنت اعزام دارند و جلسهٔ مجلس را تا مراجعت ایشان از نزد شاه امتداد بدهند. مع‌هذا آن هیئت شرفیاب نگردید و اعضای مجلس پس از اصغای گرفتاری ناصرالملك با کمال عجله به منازل خود شتافتند.

شاه‌وزراء را به دربار سلطنت طلبیده و ناصرالملك را که ابتدا ورود نمود در تحت‌قید در آورد ــ یکی از منسوبین ناصرالملك موسوم به افتخار التجار ونیز نوکرش که‌در معیت وی به دربار رفته بود اخبار حملات ناگهانی شاه را در ساعت شش و نیم‌به من رسانیدند ونوکر ناصرالملك اظهار داشت همچنانکه با آقای خود می‌رفتم آهسته به من گفت «به سفارت اطلاع بده که مرا در ساعت ده بقتل خواهند رسانید» این دو نفر با حال اضطراب و توحش از من تمنا می‌نمودند که فوراً کسی را از طرف سفارت برای استخلاص ناصرالملك گسیل دارم. استحضار از خیالات چند ساعت قبل شاه مشهود ساخت که ناصرالملك

---

۱) عماً قریب = بزودی ــ م.

به مخاطره دچار آمده است، ومن فوراً مستر چرچیل را برای تحصیل تأمین حیات آنجناب به دربار فرستادم و نیز گفتم که اگر تأمین ندهند من خود برای وصول آن بـه دربار خواهم آمد. وزیر مختار روس‌را از اقدامات خویش در این‌خصوص مستحضر نمودم.

مستر چرچیل که به دربار وارد شد ناصرالملك را در یك اطاقی محبوس یافت در صورتیکه سایر وزراء در اطاق دیگر مجتمع بوده و معناً در تحت مراقبت امیر بهادر جنگ نیز محبوس بودند. خبر مأموریت مستر چرچیل ایشان را قوت قلب بخشیده ولی برعکس باعث اضطراب و تشویش مستحفظین آنها گردید. پس‌از اندکی مستر چرچیل حضور شاه پذیرفته شد و آن اعلیحضرت را در صدر و ذیل صحن یکی از عمارات بـا کمال وجد و بشاشت گردش‌کنان یافت. شاه اظهار فرمودند هیچگونه قصدی در ایذاء ناصرالملك منظور نبوده و به هرجا که بخواهد می‌تواند با کمال آزادی عزیمت نماید و همچنین دربارهٔ سایر وزراء مقصودی نداشته‌ام و مکرر می‌فرمودند «ترسیده‌اند ، ترسیده‌اند».

مستر چرچیل از حضور شاه به اطاقی‌که وزراء در آنجا جمع بودند مراجعت نمود و اندکی بعد ناصرالملك نیز بدانجا وارد گردید. بالاخره دستخطی از شاه رسید مبنی‌براینکه «آن اعلیحضرت از ناصرالملك راضی بوده و استعفای او از موقع وزارت پذیرفته‌شده و آزاد است به هرجا که میل داشته باشد عزیمت نماید». پس از آن هیئت وزراء مجتمعاً از دربار خارج‌و ناصرالملك با معیت یك نفر غلام سفارت که مستر چرچیل همراه وی روانه نموده بود در ساعت هفت و نیم به خانهٔ خویش وارد گردید. حال اینکه ناصرالملـك به مخاطره نزدیك بوده ویا خطری نداشته خالی از اشکال نیست.ولی اوضاع دربار در نظر مستر چرچیل چنین حکایت می‌نمود که با ناصرالملك و سایر وزراء با خشونت رفتار شده و ترس ناصرالملك از اینرو معلوم می‌شود که از من خواهش نمود دکتر نیلکان را به عنوان طبابت و پرستاری همراه وی تا رشت اعزام دارم چنانچه در سنهٔ ۱۸۹۷ [۱۲۷٦ خ ، ۱۳۱٤ق] دکتر اسکلی را با اتابك مرحوم به قم روانه نمودیم. جواب دادم من فعلا نمی‌توانم اقدام به این کار نمایم لکن به رئیس غلامهای سفارت اجازه دادم که شب را در منزل ایشان متوقف گردد و نیز مقرر داشتم دونفر غلام همراه آن جناب تا رشت بروند و صبح دوشنبه اول طلوع آفتاب حرکت فرمودند. انجمنهای ولایتی قزوین و رشت سعی داشتند که جناب ایشان را بمعاودت طهران مایل گردانند ولی در عزیمت بـه اروپا جداً ایستادگی داشتند و روز بیست و چهارم به جانب باکو و پطروس حرکت نمودند. مستر رابینو رئیس بانك شاهنشاهی یك‌نفر از غلامهای مستخدم بانك‌را در خدمت آن جناب تا باکو روانه داشت. روز سی‌ام ماه به وینه وارد گردیدند و اراده دارند از آنجا به انگلستان عازم شوند.

حال برگردیم به شرح وقایع اتفاقیهٔطهران .هیچ شکی نیست که شب دوشنبه اعلیحضرت شاه خود را به مقاصد خویش موفق می‌دانست. هیئت وزرا منحل، اعضای مجلس بواسطهٔ گرفتاری ناصرالملك و علاءالدوله ترسیده و متفرق گشتند . از انجمنهای سیاسی که یگانه پشتیبان مجلس بودند اظهار احساساتی نشد. قشون شاه موجبات بیم و هراس اهالی شهررا

فراهم نموده چیزی که برای تکمیل حمله پلتیکی شاه (کودتا) باقی مانده همانا تصرف بهارستان و مسجد سپهسالار و دستگیر نمودن عده‌ای از قائدین ملت‌بود. ولی یا بواسطهٔ اینکه اقدامات خود را مکفی دانسته و یا بجهت عدم جرئت دیگر اقدامی از وی به ظهور نرسید و مظنون اینست که اقدامات سفارت در خصوص ناصرالملك تیز در اوضاع بی‌اثر نبوده و بنابراین فرجه‌ای برای مشروطه‌طلبان بدست آمد . صبح دیگر که مجلس بطور معمول انعقاد یافت اسباب حیرت عامه گردید و انجمنهای سیاسی را موقعی بدست آمده مجدداً قوت قلب و تجری حاصل نمودند.

در ظرف آنروز جمعیت کثیری از مردم باغ بهارستان و مسجد سپهسالار را که در جنب آن واقع است فرا گرفته و اعضای مسلح انجمنها رفته رفته برفراز بامهای مجلس و مسجد برآمده وسایر نقاط سرکوب را به حیطهٔ تصرف در آوردند و از قراری که معروف بود تا اواخر آن روز سه هزار نفر تفنگچی برای مدافعه و حفظ مجلس حاضر گردیدند. همان روز از طرفداران مجلس در دو موقع نزد من آمده استفسار نمودند که آیا سفارت از طریقی ممکن است با تجددطلبان کمك و همراهی نماید؟ من بطور واضح جواب دادم که هیچگاه دراینگونه اوضاع مداخلتی نخواهم نمود و هرقدر بتوانم سعی می‌نمایم که نگذارم سفارت را مجبور به مداخله گردانند . آن دونفری که به ملاقات من آمده بودند اظهار داشتند که حزب آنها به مهاجمه اقدام نخواهند نمود و هرگاه به ایشان حمله شودتا به آخر به مدافعه خواهند پرداخت.

شب به آرامی درگذشت هرچند مانند شبهای قبل چند تیری در میدان توپخانه و اطراف آن شلیك شد. یك‌عدهٔ مختصری از اشخاص مسلح برای حراست و حفظ مجلس متوقف گردید. قزاق در کوچه‌ها پاسبانی و گردش می‌نمود. صبح سه شنبهٔ ۱۷ همین ماه عده‌ای از اهالی ساکن در مرتع رمه و ایلخی شاه را که در نزدیکی ورامین واقع‌است‌به شهر آورده و در گوشهٔ غربی میدان توپخانه جای دادند . برای آنها چادرها برافراشته خوراك و مسکراتشان را مهیا ساختند و دسته‌ای از قزاقها باچند عراده توپ در جنب آنها قرار گرفتند.

برخی از اشرار در اواسط روز از آنجا رفتند ولی در اواخر روز مجدداً بر جمعیت آنها افزوده گردید، تعداد چادرها بیشتر شد. دو نفر را در آن‌روز بقتل رسانیده و به چندنفر دیگر حمله آوردند. چون ادارات تلگرافخانهٔ ایران را شاه مسدود و مخابرات را غدغن داشته بود بعضی از رؤسای ملاها و روحانیین از من تمنا نمودند که یك رشته تلگرافاتی با سیم انگلیس مخابره نمایند و می‌خواستند با این تلگرافات علمای تمام شهرهای بزرگ ایران و کربلا و نجف‌را از وضعیت طهران مستحضردارند. من‌از پذیرفتن درخواست آنها امتناع ورزیدم چنانچه مستر بارکر رئیس تلگرافخانهٔ هند و اروپا نیز تقاضای آنها را در این خصوص نپذیرفت.

مکتوبی از طرف مجلس به سفارت و سایر مأمورین فرستاده شده مشعر برتذکار کوشش مردم در رهایی یافتن از ظلم واستبداد وشاهد خواستن ما را در حقانیت منظور خود و تمنای مساعدت در نیل به آزادی.

تمام صبح را مجلس منعقد و در موضوع تقاضاهائی‌که بایستی ازشاه بشود مشغول مذاکره بود و بعدازظهر هیئتی را انتخاب نمود که حضور آن اعلیحضرت تشرف یافته قبول مطالب ذیل را درخواست نماید:

۱) عزل سعدالدوله.
۲) قرار دادن امیربهادر را در تحت اوامر وزیر جنگ.
۳) داخل ساختن بریگاد قزاق را در جزو وزارت جنگ.
٤) قسم یاد کردن شاه در حضور مجلس برای رعایت قانون اساسی.
٥) تنبیه آنکسانی‌که بطرف مجلس شلیك کرده بودند.
٦) تشکیل دویست نفر گارد ملی برای حراست مجلس.

بعد از ظهر که به سفارت روس می‌رفتم ، از جلو مجلس گذشته فقط یکصد نفری در حوالی آن متوقف دیدم و نیز عدهٔ مختصری از تفنگچیان بالای بامهای عمارات اطراف مشاهده کردم . بعضی از دکاکین جنب مجلس باز بود و چون از عدهٔ ورامینیها که در توپخانه اجتماع داشتند کاسته شده‌بودچنین‌بنظرمی‌آمد که اوضاع بهبودی حاصل کرده و به‌ملاحظهٔ تقاضاهائی‌که مجلس از شاه نموده بود تا اندازه‌ای در اوضاع اثر بخشید.

جوابهای شاه مانند همیشه مبنی بر همراهی بود ولی مراجعت ناصرالملك و علاء ــ الدوله را که قبلا درخواست شده بود نپذیرفت. جلسهٔ مجلس امتداد یافت. جمعیت اطراف مجلس روبه ازدیاد نهاد تا اینکه عدهٔ مردمان مسلح به شش‌الی‌هفت هزار بالغ گردید. هم‌در این حال حامیان شاه در ازدیاد عدهٔ خود کوشش داشته تا آنکه عدهٔ آنها در میدان توپخانه به هزار و پانصد نفر رسید. رؤسای مشروطه‌طلبان از جان خود امین [=ایمن؟] نبودند عدهٔ قلیلی از آنها در منازل خود شبها را بسر می‌بردند مابقی اوقات خودرا در مجلس و اطراف آن صرف می‌نمودند . روز دیگر اوضاع بدون تغییر باقی بود. با اینکه معلوم بود تقاضای شاه در خصوص تبعید چهار پنج نفر وکلای طراز اول هرگز پذیرفته‌نمی‌شود مع‌هذا مذاکرات مابین مجلس و شاه در حالت جریان بود.

روز سه‌شنبه چون رؤسای ملت مقام خود را در حالت امنیت یافتند اتباع خود را به ترك بهارستان ترغیب می‌نمودند و اظهار می‌داشتند به قول و اطمینانی که شاه داده اعتماد دارند که دیگر برضد مجلس مخالفت و قیام نخواهد نمود. با وجود این صحن مسجد مجاور مجلس را هنوز مردم در قبضه داشتند، واز طرف اشخاصی که در میدان توپخانه متوقف‌بودند به قصد اینکه آتش فتنه را مشتعل دارند دومرتبه اسباب انقلاب را فراهم آوردند. در اواخر همان روز از رشت و قزوین و تبریز تلگرافات طرفداری‌ازمشروطیت و جنبش‌عمومی مخابره گردید در صورتیکه انجمن تبریز اعلان نموده بودکه شاه را باید معزول نمود. روز جمعه چادرهای اشرار که روز سابق برچیده شده بود مجدداً برپا گردید. تلگرافات دیگر که شاه را به عزل و یا قتل تهدید می‌نمود از ایالات دیگر مخابره گردید ودر اواخر روز هرچند فریقین در تمام روز آرام بودند و یك هیئت وزرائی با اینکه واقعیت نداشت صورتاً تشکیل یافت ، اوضاع عموماً مانند همیشه ناگوار بود . هنگام عصر خواهر زادهٔ سعدالدوله موسوم به محمدخان به ملاقات من آمده و خواهش نمود مکتوبی به مضمون‌اینکه سعدالدوله

در حمایت دولت انگلیس است به شاه بنگارم. این خواهش نظر به این بود در ۱۹۰۶ [۱۲۸۵ خ ؛ ۱۳۲۴ ق] وقتی که سعدالدوله به قنسولگری دولت فخیمه مقیم یزد پناهنده گردیدسفارت اعلیحضرتی از هیئت دولت شاه متوفی امنیت جانی برای وی تحصیل کرد. من از پذیرفتن این خواهش امتناع نمودم. روز دیگر ، یعنی ۲۱ ماه جاری ، همچه معروف بود که شاه تمام مستدعیات مجلس‌را پذیرفته و کابینهٔ جدید تشکیل یافته. باز در وضعیت امور چندان بهبودی مشهود نبود. مردم از عناصر ترکیبهٔ [= ترکیبیه؟] کابینه رضایت نداشته و اقوال شاه را صدق نمی‌دانستند. علامات افسردگی در دربار سلطنت ظاهر و هویدا بود و شاه بواسطهٔ اتحاد ظل‌السلطان با مشروطه‌طلبان قویاً مضطرب بود و از این روی بغتتاً حضرت والا را امر نمود که ایران را ترك کند. ظل‌السلطان بهرام میرزا پسر خود را برای درخواست حمایت فوراً به سفارت روانه داشت ولی بواسطهٔ سابقهٔ اطلاع از اینکه ظل‌السلطان اسلحه و بلکه پول به انجمنها فرستاده و پسرانش مسلح در بهارستان حاضر بوده‌انداز روی گرمی از وی پذیرایی نکرده و خاطرنشان نمودم که پدرش باید به مکتوبات مختلفهٔ دولت انگلیس راجع به موضوع حمایت که در موقع لزوم می‌تواند منتظر بشود مراجعه نماید.

روز یکشنبه در ساعت ۱۱ چنانچه از پیش ترتیب داده شده بود مسیو دوهارت‌ویك ومن حضور شاه شرفیاب شدیم. مسیو دوهارت ویك اوضاع‌رابطوروواضح‌بیان نموده و از اعلیحضرت شهریاری مستدعی‌شد که اطمینان کامل بدهدبعدها نسبت به مشروطیت‌اظهارضدیت ننماید. آن اعلیحضرت در جواب فرمودند من هرگز مخالفتی با پارلمان ندارم و اظهار داشت قانون اساسی که من خود امضاء کرده و بصحهٔ پدرم موشح داشته‌ام چگونه از آن تخلف می‌ورزم، ومن مایلم انجمنهاییکه به من و خانوادهٔ من تهمتها بسته و هتك احترام می‌نمایند و آشکارا مشغول شرارت هستند برچیده شود.

معروض داشتم اطمینان و قول آن اعلیحضرت که قصد مخالفت با مجلس نداشته ودر راه خوشبختی مملکت خواهد کوشید ما را خوشوقت ساخت. این تشرف در مدت کمتراز یك ربع ساعت صورت وقوع یافت و در ساعت سه‌من ومسیودوهارت‌ویك به ملاقات‌ظل‌السلطان رفته و مقصود خودمان را از این ملاقات با نظریات دیگر که راجع به آن والا حضرت‌بود اظهار داشتیم.

در این حال اوضاع عمومی بیشتر تهدیدآمیز گردید. انجمن تبریز به منعکس داشتن و نشر عقیدهٔ خود در عزل شاه موفقیت حاصل نمود و شهرهای بزرگ که احساسات مشروطیت در آن نقاط ریشه‌های خود را گسترانیده بود مظهر هیجان شدید شدند.

ازشیراز، اصفهان، کرمان، قزوین، مشهد، و رشت تلگرافاتی مخابره شد مشعر براین که ما حاضریم قوای مسلحهٔ خودمان را به طهران اعزام داریم و این اظهار احساسات برضد شاه به‌سایر ولایات سرایت نمود. عدم رضایت عامه از کابینهٔ جدید که دو سه نفر آنها مظنون بودند به اینکه آیا با مشروطیت موافقت خواهند کرد یانه مشهود ونیز هیجان مردم برای تنبیه رؤسای اشرار اتصالا رو به ازدیاد می‌نهاد اگر چه در میدان توپخانه کسی باقی نماند بالعکس بهارستان و مسجد سپهسالار بر جمعیت خود افزود و در آن شب صدای شلیك تفنگ نسبت به شبهای قبل کمتر شنیده شد.

صبح روز سه شنبه شهر را مانند همیشه در حالت آرامی یافتیم جز اینکه هنوز جمعیت در مجلس و مسجد سپهسالار به حالت سابق باقی بوده و بازارها تعطیل و مجلس منتهای جدیت را در ترغیب متفرق گردیدن انجمنها مبذول داشت. در اواسط روز معلوم شد مشروطه‌خواهان چون احساس نموده‌اند غلبه با ایشان بوده مایل شده‌اند که مظفریت خود را به درجهٔ کمال رسانند لذا مستحفظین آذربایجانی شاه را آشکار تهدید نمودند که هرگاه دست از محافظت و همراهی شاه برندارند زنها و اطفال ایشان گرفتار زحمت خواهند شد، و بریگاد قزاق نیز در هواخواهی شاه مورد تهدید گردید. در عزل و قتل شاه علناً دلایل ذکر می‌کردند. درباریان به اعلی درجه افسرده خاطر بودند، شاه از جان خویش‌در خوف و هراس بود. اتباع و ملازمانش از وی کناره نمودند واز هرطرف گفته می‌شد که آن اعلیحضرت بیش از یکهفته زنده نخواهد ماند.

بعد از ظهر به ملاقات وزیر مختار روس رفته و مدتی در خصوص اوضاع به مذاکره پرداختیم و چنین دانستیم که فعلا نگاهداری‌شاه‌درسریرسلطنت‌خیلی بجا و مهم شمرده می‌شود زیرا ظاهراً موقع ایران را برای ممانعت از ابتلای به هرج و مرج شدیدتر از این فقط به بقای او احساس کردیم. اگر وی معزول گردد محتمل است که نیابت سلطنت مدتها بطول انجامد و تمام ایرانیان بی‌غرض متفقند براینکه آنوقت یك مجلس مشاورهٔ نیابت سلطنت بدون اختیاری مانند مجالس جمهوری تشکیل خواهد یافت ولی بواسطهٔ رقابت و اغراض شخصی اقدام به یك چنین عملی البته هرج و مرج سختی را با تشکیل یك حکومتی ضعیفتر از دولت حالیه نتیجه بخشیده که دیگر امیدی نخواهد بود.

پس اگر دولت مشروطه بخواهد اقدام صحیحی بکند بهترین موقع مظفریت آن با داشتن پادشاهی است که تکالیف آن‌را قبلا به‌او تعلیم داده باشند.

بنابراین چیزی که اکنون اهمیت خواهد داشت نگاهداری شاه است. لیکن در اینخصوص کاری از ما ساخته نخواهد شد زیرا با یك عدهٔقلیلی که به سفارتین اتصال دارند سعی درحفظ شاه منتهای حماقت است. بعلاوه تا وقتی که وزیری موجود نیست و تا مدتی که مجلس و ادارهٔ حکومتی در قبضهٔ اقتدار انجمنهای شورش طلب است هیچگونه نفوذ و قدرتی ابداً پیشرفت نخواهد نمود.

اواخر همان‌روز سعدالدوله از دربار سلطنتی که تا سه چهار روز قبل در آنجا توقف داشت خارج شده و در سفارت هولند [هلند] «متحصن» گردید.

روز عید مسیح و دو روز بعد ازآن احوال جاریه به سکوت و آرامی گذشت با اینکه از عده جمعیت اطراف عمارت مجلس و مسجد سپهسالار کاسته نشده بود. شاه که قول داده بود اشخاصی را که روز ۱۶ بسمت بهارستان شلیك کرده و مرتکب بعضی تجاوزات در شهر شده بودند مجازات بدهد هیچگونه اقدامی نکرده و به عهد خویش که قرار داده بود در مجلس حاضر گشته با قرآن قسم یاد کند ایفاء ننمود.

روز جمعهٔ ۲۷ عده‌ای از طلاب به ریاست شیخ فضل‌الله که از همان وقت مطرود مجتهدین بزرگ وعلمای عمدهٔ کربلا شده بود و نیز سید علی یزدی که یکی ازفراهم‌آورندگان طرفدارهای شاه شناخته می‌شد به مسجد مروی واقع در مشرق عمارات سلطنتی «تحصن»

یافتند و برخی از اشرار که یکی از شروط با شاه تنبیه آنها بودنیز در معیت آنها بدانجا پناهنده شدند.

جمعی از طلاب در شب یکشنبه سعی داشتند که به سفارت روس متحصن شوند ولی از ورود ممنوع آمدند و روز یکشنبه کوشش می‌نمودند که به سفارت عثمانی ملتجی شوند وبسیاری از آنها تا روز ۳۱ ماه در اطراف آن سفارتخانه باقی بودند.

شاه از روز عید میلاد مسیح از اندرون (عمارات داخلی) بیرون نیامد ودر دو موقع که وزیرمختار هلند تمنای شرفیابی حضور آن اعلیحضرت را در موضوع تحصن سعدالدوله به سفارت هلند نموده بود متعذر به کسالت گردید.

خیلی اشکال‌داشت در اینکه طریقه‌ای بدست آورد که بدان واسطه مجلس‌را به قولی که شاه داده بود متقاعد ساخت و مع‌هذا روز جمعه مشیرالدوله لایحهٔ مبهمی به مسیو دوهارت‌ویك فرستاد که از آنرو هریك از سفارتین (روس و انگلیس) مکتوبی جداگانه به‌رئیس مجلس ارسال دارند و ما همان را اساس قرار داده مراسله‌ای به زبان فرانسه نوشته و روز یکشنبه نزد آنجناب فرستادیم. جناب ایشان مختصر تغییراتی که ما نیز تصدیق آن را کردیم به‌آن داده و مجدداً اعاده نمودند و بعد از ظهر یکشنبه نزد رئیس مجلس ارسال داشتیم.

آن‌را که من خود نوشته بودم سوادش را با کمال افتخارلفاً تقدیم می‌دارم؛ اگر چه هنوزدر مجلس قرائت نشده لیکن مشیرالدوله اطمینان داده است که عایق و مانعی در قرائت آنها پیش‌نخواهد آمد.

ملفوف اول در تلو نمره ۹۲
(ترجمهٔ مکتوب فرانسوی به انگلیسی)

پس از تبادل نظریات وزیر مختار دولت روس و شارژ دافر دولت بریطانیا [بریتانیا] راجع به اقدامات برطرف ساختن مخاطرات اوضاع کنونی نتیجه چنین حاصل گردید که :

۱) اعلیحضرت قدر قدرت باید همیشه با مجلس ملی متحداً در کارها اقدام فرموده و در فکر اصلاح مملکت باشند و هیچوقت متشبث به اقداماتی‌که مخرب اساس مشروطیت است نشوند.

۲) حسیات وطن‌پرستانهٔ شاه را به مجلس اطلاع داده بطوریکه بعدها مشاجرت مابین ملت ودولت اتفاق نیفتاده و به یکدیگر اعتماد نمایند و پس از آنکه مجلس اطمینان یافت آنوقت می‌تواند خود را از حمایت و حراست انجمنهای شورش طلبی که هیچگونه مسئولیتی در اعمال حکومت نداشته و مملکت را دوچار هلاکت ومخاطره می‌نمایند و دو روز قبل یکی از آنها موسوم به انجمن آذربایجان جسارت ورزیده ورقه‌ای در خصوص عزل شاه اشاعت داد مستغنی سازد.

۳) و باید به‌ظل‌السلطان اکیداً خاطرنشان نمود خطی‌که در اشغال سریر سلطنت بتازگی تعقیب می‌نماید تصوری است باطل و نیز استفاده از شورانیدن مردم خیالی‌است خام.

نمایندگان روس و انگلیس علاوه بر پیشنهادهایی که به شاه تقدیم داشته‌اند مصمم شده‌اند

---

۱) در اصل: (ترجمهٔ مکتوبی که به فرانسه به انگلیسی شده‌است) .ـم.

که نزد ظل‌السلطان رفته او را از خطرات رفتار و خیالاتی که مخالف قول خود که درموقع درخواست حمایت از سفارتین داده بود [درسر دارد] آگاه سازند.

چون دولتین روس و انگلیس قول داده‌اند که ولایت عهد را در خانوادهٔ پادشاه حاضر بشناسند لهذا نمی‌توانند سلوك و رفتار آن والاحضرت را شایسته بدانند و بایستی مخاطرهٔ حرکاتش‌را به وی بفهمانند.

ملفوف (۲) در لف نمرهٔ ۹۲

مراسلهٔ مستر مارلینگ به رئیس مجلس

طهران ، مورخهٔ سی‌ام دسامبر ۱۹۰۷
[۸ دی ۱۲۸۶ ؛ ۲۴ ذیقعدهٔ ۱۳۲۵]

جناب رئیس

مشروحهٔ مورخهٔ ۱۱ ذیقعده که از طرف مجلس راجع به حوادث و وقایع این چند روز اخیره بود واصل گردید.

از مقاصد حسنهٔ مجلس با کمال وجد مستحضر گردیدم .

کسانی که از روی صداقت کمال موافقت و همراهی را با ایران دارند مخصوصاً سفارت دولت فخیمهٔ انگلیس که مایل ترقی و خوشبختی این مملکت است منتظرند این بی‌نظمیها بزودی خاتمه پذیر شود و از طریق احساسات انسان دوستی ساعی بوده‌اند که‌اوضاع اسف‌انگیز چند روز اخیر را آرامی حاصل آید. بنابراین مایل شده‌اند که اعلیحضرت شاهنشاهی را از نتیجهٔ وخیمهٔ یك چنین اوضاع مغشوشه مسبوق سازند.

لهذا از راه دوستی من خود اطمینان می‌دهم که حسیات اعلیحضرت شاه در خصوص پارلمنت با آرزوهای ما در سعادت این مملکت مطابقت تامه دارد وشخصاً آن اعلیحضرت‌مرا از عزم ثابت خود مطلع ساختند که با مراعات اصول مشروطیت وموافقت مجلس ملی مواد قانون اساسی را مجری دارند. من یقین دارم که آن اعلیحضرت در آتیه برخلاف قسم و قولی‌که به مجلس ملی داده است اقدامی نخواهند فرمود.

دراین موقع که اتحاد مابین دولت و مجلس ملی برقرار شده است تبریکات قلبی‌خودم را به پارلمنت تقدیم می‌دارم .

از آن جناب متمنی هستم که مطالب فوق را به اعضای مجلس مقدس ملی اطلاع بدهند و تصور می‌کنم که می‌توانم یقین حاصل نمایم که وکلای محترم یك علامت و دلیل جدیدی به احساسات دوستانه و نیکخواهی صمیمانه‌ای که دولتین انگلیس و ایران را به یکدیگر متحد ساخته است در این مطلب مشاهده و ملاحظه خواهند نمود.

(امضا) چارلس م . مارلینگ

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۹۳

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (وصول ۲۰ ژانویه)

از طهران ، دویم ژانویهٔ ۱۹۰۸[1]

[۱۱دی ۱۲۸۶ ، ۲۷ ذیقعده ۱۳۲۵]

آقا

هرچند طهران اکنون بالنسبه آرام است و در ایالات کمتر ازآنچه گمان می‌رفت که اگر اطلاع از حوادث پایتخت بهمرسانندبی‌نظمی‌بظهور خواهد رسید [ناآرامی دیده می‌شود] ولی ترس آن است که این سکوت و آرامی فقط موقتی باشد و رفته‌رفته مملکت را هرج‌و مرج شدیدتری فرا گیرد.

مردم در کش‌مکش با شاه مظفریت کاملی حاصل نمودند ولی امید آن را ندارم‌که حکومت مشروطه بر روی پایه و اساس بادوامی استقرار بیابد. در حقیقت شاه فعلا تسلیم محض است و اکنون از عمارات داخلی سلطنتی خارج نمی‌شود. بیاناتی که انجمن ایالتی تبریز در کذب اقوال شاه و بی‌کفایتی حاکم آذربایجان اشاعه داده سبب هیجان عامه و بی‌اعتمادی مشروطه‌طلبان و نفرت‌ایشان از آن اعلیحضرت گردیده و بیم آنست که اگر مجدداً مردم تصور نمایند که شاه در مخالفت با مجلس کوشش دارد آن وقت‌گرفتار خشم و حملات آنان گردیده از سلطنت‌معزولش‌خواهند ساخت؛ فقط اگر بتواند جانی بسلامت بدر خواهد برد. پیشرفت حکومت مشروطه چنانچه در مراسلهٔ دیگر اشارت نمودم ظاهراً به بقای محمد علی شاه در سریر سلطنت خواهد بود ولی نمی‌توان امیدوار شد که وی از این‌گونه مداخلاتی که باعث هیجان و خشم گردیده احتراز نماید.

از طرف دیگر مجلس و حامیانش سزاوار ملامت می‌باشند و مجلس تا اندازه‌ای بواسطهٔ مداخلات مضرهٔ انجمنها بهیچوجه شایستگی خود را در اجرای وظائف خویش ظاهر نساخت و یکی از ایرانیهای بی‌طرف چنین می‌گفت که اگر شاه حملهٔ پلتیکی خود را تا چند ماه بتعویق می‌گذرانید نظر به اینکه حکومت مشروطه برای ایران‌زود بوده هرآینه‌عامهٔ مردم برچیدن مجلس را بالصرافه درخواست می‌نمودند.

لیکن بواسطهٔ نادانی و فساد اخلاق است که فقط قلیل اشخاصی از اعضای مجلس شاید ازا روی واقعیت مایل به تجددهستندوهرچندبرخی از آنان مانند تقی‌زاده اهمیت موقعی در مجلس کسب کرده ولی اکثریت وکلا که همگی بی‌علم و جاهلند غالباً فرمان بردار پنج شش تن از اعضای متنفذ که فواید شخصی خودرا همی طالب ودر حقیقت امور مجلس را به قبضهٔ اختیار در آورده‌اند می‌باشند . بی‌تدینی وفساد اخلاق آنان رافقط یك مثل کافی خواهد بود از این قرار که مبلغ کثیری پول به عنوان تشکیل بانك ملی و غالباً به تهدیدات غیر مستقیم از اشخاصی که به ارتجاع مظنون بودند عنفاً گرفته و به یکی از نواب ریاست مجلس به‌رسم امانت سپرده شد. صورت حساب آن را که یحتمل به مقدار صد و پنجاه هزار لیره (۸۰۰،۰۰۰ تومان) بوده بهیچوجه ارائه ندادند و شاید آن را به ارباب

---

۱) اصل: ۱۹۰۷ ـ م.

حقوق پرداخته باشند ولی در افواه چنین شایع است که مجلسیان وانجمنها تماماً را به مصرف خود رسانیده‌اند . حال اگر این مطلب صدق باشد در این‌صورت با یك چنین بی‌تدینی و جلب منافع شخصی و بی‌اعتمادی از یکدیگر بواسطهٔ تقلب کردن بهم از همچه مجلسی بهیچوجه امیدی نخواهدبود و نیز احتمال آن نمی‌رود که در انتخابات آتیه وکلای بهتری منتخب شوند. حقیقت مطلب آن است‌که هنوز ایران شایسته حکومت شوروی و مشروطه نبوده و تا دو عصر دیگر هم نخواهد بود.

باز همچه معلوم می‌شود که وزراء بدون مراعات هیچگونه صلاحیتی مجبور به قبول مشاغل شده‌اند و باوجود اینکه شاه مسلوب القدرت گردیده ولی هنوز مانند ایام استبداد به منتهی درجه از وی در بیم و خوفند، و قوهٔ مجریه بواسطهٔ ترس از استبداد وخراب کردن مجلس و انجمنها بکلی مفلوج واز کار باز مانده.

ایران را شخص صاحب عزم باقوه‌ای لازم است که نگذارد بواسطهٔ ضعف طبیعی که حاصل نموده از هم متلاشی شود ولی وجود یك چنین شخصی نایاب و استخلاص ایران از این تقدیر نامقدور است. ممکن است رؤسای ملت درك نمایند که در بقای شاه حاضر بیشتر امیدواری به استقرار اساس موجوده خواهد بود و در آن حال بی‌نظمی که تا مدتی بطول انجامید بالنسبه بطور آرامی بوده و بدتر از هرج و مرجی که در چند ماه اخیر وجودداشت نخواهد بود. از طرف دیگر باز احتمال قوی می‌رود رفتار و اعمال شاه که از روی احتیاط نبوده مجدداً خشم و هیجان عامه را برضد خود برانگیزانده و بدان واسطه از سلطنت معزول گردد.

چیزی که‌می‌تواند امیدوار نماید که اگر بی‌نظمی به ظهور رسد چندان شدت و دوامی نخواهد داشت عبارت است از حالت مسالمت‌آمیز مردم که نمی‌توان آن را تعبیربه‌ترس‌نمود واین مسئله را ازاین‌رو می‌توان سنجید که با وجود آن‌همه هیجانهاکه در این بحرانهای اخیره بروز نمود هیچگونه تصادمی مابین فریقین متخاصمین بظهور نپیوست.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمرهٔ ۹٤

مکتوب سر نیکلسن به سرادواردگری (وصول۲۰ ژانویه)

از سنت پطرزبورغ ، مورخهٔ ۱۵ ژانویهٔ ۱۹۰۸

[۲٤ دی ۱۲۸٦؛ ۱۰ ذیحجهٔ ۱۳۲۵]

آقا

دیروز اعلیحضرت امپراطور موافق معمول شرفیابی حضور را در تسارسکوئه‌سلو بارداداند. هیئت دیپلوماتیك تبریکات خودشان را در این موقع سال جدید تقدیم داشتند. من وقت را مغتنم شمرده که به آن اعلیحضرت عرضه بدارم دولت فخیمهٔ انگلستان از اعمال متفقانهٔ صمیمی مسیو ایزولسکی که در بحرانهای ایران با ما نموده خشنود و مسرور می‌باشد و نیز فوایدی که از هم‌آهنگی واقدامات متحدانهٔ دولتین به ظهور پیوسته به عرض رسانم. ومن

شهادت می‌دهم که وضع و سلوك مسیو ایزولسکی در این حوادث اخیرهٔ ایـران تماماً از روی صداقت و صمیمت بوده.

باری اعلیحضرت امپراطور فرمودند مخصوصاً از روش دوستانه‌ای که دولتین در اقدامات متفقهٔ خود مرعی داشته‌اند مشعوفم وهمچنین از دو نمایندهٔ دولتین مقیمین دربار ایران‌که با یکدیگر صمیمانه به کار مشغول شده‌اند رضائیت خاطر حاصل است. و نیـز به کنسولهای دولتین مقیم ایران که تعقیب مسلك متحدانهٔ دولتین متبوعتین خود را نموده‌اند اهمیت بسیار می‌دادند.

آن اعلیحضرت اظهار فرمودند که شاید ظل‌السلطان در صدد دعوی سلطنت ایران برآید، لیکن امیداست اخطاراتی که توسط نمایندگان دولتین انگلیس و روس به وی شده اورا از این خیال باز داشته واز خیالات او در فراهم آوردن دسایس مانع شود.

(امضا) آ . نیکلسن

نمره ــ ۹۵

مکتوب سرنیکلسن به سر ادواردگری (وصول ۲۰ ژانویه)

از سنت پطرزبورغ، به تاریخ ۱۶ ژانویهٔ ۱۹۰۸

[۲۵ دی ۱۲۸۶ ؛ ۱۱ ذیحجه ۱۳۲۵]

آقا

امروز مسیو ایزولسکی به من اطلاع داد که نظر به احتیاط لازمه مصلحت چنیـن دانسته شد مختصر قشونی در حوالی حدود ایران مجدداً تقسیم شود و گفت که در تمام خط جلفا فقط ۶۰۰ نفر قزاق مأمور نموده‌اند و من این اقداماتی را که اختیار کرده‌اند بسیار معتدلانه می‌پندارم.

هرگاه در تبریز اغتشاش شدیدی رخ نماید به آن طریق که اتباع روس دچار مخاطره گردند آن‌وقت این ششصد نفر قزاق برای مساعدت و حراست آنها آماده و مهیا خواهند بود.

دولت ایران بتوسط شارژ دافر خود مقیم اینجا اظهاراتی در این موضوع نموده و گویا در خصوص آنچه واقع شده اخبار اغراق‌آمیز شنیده باشد.

مسیو ایزولسکی به شارژ دافر مزبور اظهار داشت که هرچند تصور نمی‌کردم آنچه را که اولیای دولت روس اجرای آن را در حدود خود شایسته بدانند توضیحی خواسته شود مع‌هذا تفصیل اقداماتی که اتخاذ شده است کما هو حقه بیان خواهم نمود. ونیز گفت به صاحبمنصبان فرمانده اکیداً غدغن شده است که تا تعلیمات واضحه از مـراکـز نظامی به ایشان داده نشود بهیچ‌وجه نبایستی از سرحد عبور نمایند.

(امضا) آ.نیکلسن

www.adabestanekave.com

نمره ــ ۹۶

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصلهٔ ۲۸ ژانویه) راجع به قرضهٔ ۱۹۰۳ ــ ۱۹۰۴ [۸۲ــ۱۲۸۱؛ ۲۱ ــ ۱۳۲۰]

وزیر امور خارجه پیغام فرستاد فرع قرض را (که من تصور می‌کنم معادل است با ۱۳،۶۰۱ لیره و ۶ پنس) به همین زودیها خواهند پرداخت.

نیز قول داده‌اند، ولی بطور مبهم، که جواب شروط ما را درخصوص قسط استهلاك ایصال دارند لیکن چون ازاین پیش مکررقول داده بودند لهذا جسارتاً عرض می‌نمایم‌برای اینکه جناب ایشان در صدد جواب برآیند مجاز باشم کتباً به آنجناب اطلاع بدهم که‌دولت اعلیحضرتی چنین تصور کرده است شروط ایشان را دولت ایران نظر به این که مدتی گذشته است بطور سکوت پذیرفته.

نمره ــ ۹۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱۰ فوریه)

از طهران ، به تاریخ ۱۰فوریه۱۹۰۸

[۲۰ بهمن ۱۲۸۶؛۷محرم۱۳۲۶]

راجع به مستحفظین قنسولخانهٔ شیراز

از قرائن بسیار چنین معلوم می‌شود که اوضاع ناامنی شیراز تا مدتی بطول خواهد انجامید و راپورتهای قنسول دولت فخیمه دلالت می‌کند براینکه احتمال دارد اغتشاشات در بهار آتیه تجدید بیابد. دولت اعلیحضرتی در خیال آن است سوارهایی را که بنا بود در نوامبر گذشته از عده‌شان کاسته شود اکنون تا مدت غیرمعینی یا اقلا تا وقتی‌که اوضاع روی به آرامی نهد اجازهٔ توقف دهد.

من‌جسارت نموده از راه صلاح‌اندیشی تأکید می‌نمایم براین که ترتیباتی فراهم سازند که همیشه باقی و دوام داشته باشد .

نمره ــ ۹۸

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصلهٔ ۱۷ فوریه)

از طهران، به‌تاریخ۲۹ ژانویه ۱۹۰۸

[۸ بهمن ۱۲۸۶ ؛ ۲۴ ذیحجهٔ ۱۳۲۵]

آقا

هرچند در اوائل ماه شهر (طهران) به حالت آرامی بود ولی باز چنین به نظر می‌رسد که بحران دیگر به ظهور خواهد رسید. شاه بعد از چند روز به مداراگذوانیدن باز حملهٔ خود را به مجلس تجدید نمود . پناهندگان مسجد مروی بواسطهٔ مساعدتی که وی

به معاضدت دونفر مجتهد بزرگ دربارهٔ ایشان نمود توانستند فرار نمایند. دستجات مختصره به امداد مستحفظین طهران پی در پی ورود می‌نمودند. طایفهٔ پارسیان بواسطهٔ قتل یك نفر از معاریف آنها که مشروطه‌طلبان را به دادن پول و اسلحه مساعدت نموده بـود دربیم و هراسند. سارقین در هنگام شب به خانهٔ مشیرالدوله حمله آوردند و عامه را عقیده این‌است که درباریان برای قتل آن وزیر که معروف است شاه کمال نفرت را از وی دارد محرك مرتکبین شناخته می‌شوند.

روز ۱۰ این ماه با نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء ملاقات نموده مذاکرات طولانی بمیان آمد و پس از توضیح دادن به آنجناب که اتحاد اخیر دولتین روس و انگلیس هیچگونه ضرری برای دولت ایران نخواهد داشت بلکه آن را از صدمات و فشار رقابت دولتین مستخلص [خواهد] نمود، آنگاه از اوضاع جاریه به مذاکره پرداختم واز آنجناب سئوال نمودم که آیا می‌توانند طریقه‌ای به من ارائه کنند تا بدان واسطه بتواتم بی‌اعتمادی‌ملت را از شاه مرتفع سازم.

نظام‌السلطنه جواب داد که یگانه وسیله منحصر است بر اینکه مصالح وخیریت شاه را معروض داشته واجرای آن‌را جداً ازآن اعلیحضرت بخواهید. گفتم باید دید چـه می‌توان کرد. و بعد در خصوص قتل فریدون مذاکره نمودم. رئیس‌الوزراء وعده دادند آنچه بتوانند درمجازات قاتلین اقدام خواهند نمود.

وزیر مختار روس را روز دیگر نتوانستم ملاقات نمایم ولی شرحی درجواب مشروحه‌ای که به‌ایشان فرستاده و قرار ملاقات را به روز یکشنبه داده بودم در اواخر روز به من مرقوم داشته تا مرا مطلع سازند از اینکه جناب مشارالیه صبح فردا به قصد اینکه شاه را ترغیب به اتخاذ روابط حسنه با مجلس نماید شرفیاب حضور آن اعلیحضرت خواهد گردید. من ایشان را از مذاکرات خودم با نظام‌السلطنه مطلع ساخته و اظهار داشتم که قبل از اقدام به آنچه رئیس الوزراء اشاره نموده مایلم در آن باب مشورتی نمایم و نیز گفتم چون شما تقریباً از این پیش اقدامی نموده‌اید بهتر آن است من نیز آن را به اظهارات مؤکدانه تقویتی‌بنمایم ومقصودم‌متذکر ساختن آن اعلیحضرت است [به] این‌که قوهٔ هیجان‌مشروطه‌طلبان بقدری شدید است که نمی‌توانند از عهدهٔ مقاومت آن‌برآیند و هرگاه پافشاری فرمایند به سخت‌ترین مخاطره دوچار خواهند شد و اگر از روی واقعیت مایل باشند که مانند پادشاه مشروطه‌طلبی رفتار کنند بایستی اداره کردن امورمملکت را به عهدهٔ‌وزرای مسئول‌خویش‌محول گردانند. باری، مسیو دوهارت ویك با آنچه من بیان کردم اظهار موافقت نامه نمود. بعد از ظهر همان روز به ملاقات مشیرالدوله رفتم که ترتیبات شرفیاب شدن بحضور شاه‌را بطور خلوت فراهم نمایم. روز دیگر مشروحه‌ای از وی رسید مشعر براینکه صبح‌روز سوم، یعنی ۱۴ژانویه [۲۳ دی ، ۹ ذیحجه] اعلیحضرت در ساعت ۱۱ مرا به حضور خویش خواهند پذیرفـت.

در این منوال از محل دیگر به شاه اعلان بسیار سختی گردید از اینقرار که روز گذشته رئیس طایفهٔ قاجاریه که تاکنون در مسائل پلتیکی ایران مداخلتی ننموده و مطلقاً به‌بیطرفی معروف و در نزد عامه موقع محترمی را حائز است حضور شاه در معیت شعاع‌السلطنه برادر آن اعلیحضرت شرفیاب شده بود. بنابر تفصیل و شرح این ملاقات که من بدست آورده

و گمان می‌کنم صحیح باشد عضدالملك که در ریاست طایفهٔ قاجاریه اصالهٔ اختیار حکم‌فرمایی را دارد با نهایت آزادی گفتگو نموده و معروض داشت که وی شاه‌را مسئول اوضاع اسف‌آمیز مملکت می‌داند ــ چنانچه سایر ایرانیان دانسته‌اند ــ و نظر به اینکه رئیس طایفهٔ منتسبین به سلطنت است محض آن شرفیاب حضور گردیده که به‌آن اعلیحضرت اطلاع بدهد اگر روش خود را اصلاح نفرمایند هرآینه طایفه قاجاریه خویشتن به عزل وی حکم داده‌وبه جای او ولیعهد را به پادشاهی اختیار و سلطنتش را اعلام خواهند نمود. شاه‌در جواب وعده فرمودند که هیئتی را از مجلس به حضور طلبیده ایشان‌را از صدق نیات خویش دلگرم و مطمئن خواهند گردانید واعلیحضرت به هیئتی که از طرف مجلس شرفیاب حضور شدند قول صریح در رعایت ومنظور داشتن قسمتهایی که به موافقت مشروطیت یادکرده بودند داده و هیئت مزبور با کمال خشنودی و رضایت مراجعت نمودند و ضمناً شاه درعوض از آن هیئت قول گرفتند که در افزودن بودجهٔ مخارج سلطنتی یك ملاحظه بشود .

روزبعد که شرفیاب حضور شاه گردیدم به آن‌اعلیحضرت عرض نمودم که پس از اطمینان بخشیدن به وزیر مختار روس و به‌من البته یقین خواهم نمود که نیاتشان از طریق صمیمیت خواهد بود، و هم معروض داشتم که گمان می‌کنم در اطراف آن اعلیحضرت اشخاصی گرد آمده‌اند که همی در مخالفت مشروطیت وتجدد به تصوراینکه شاه نیز مایل است ساعی می‌باشند، تاریخ می‌نماید هرگز امکان‌نداشته‌که سیل ارادهٔ یك ملتی را بتوان جلوگیری وسد نمود، و ایستادگی در مقابل آن موجب خسران و بدبختی بوده است. مـردم همگی بی‌اعتماد و حتی کینه‌ور شده‌اند و اگر آن اعلیحضرت به رفع سوءظن آنان موفق نگردد مقامش به خطر عظیم دچار خواهد گردید. بهتر وسیلهٔ موفقیت همانا مبرا وآزاد ساختن خویش است از اشتهار رهنمایی یافتن بواسطهٔ آنگونه اشخاصی که اشارت یافت و نیز احتراز نمودن از مداخلات مستقیمه در کار دولت درصورتیکه ادارهٔ امور حکومت را واگذار به وزرای مسئول فرمایند . شاه در جواب فرمودند که هرگز نزاعی با حکومـت مشروطه ندارم مگر فقط با مجلس کنونی که اتصالا مرتکب اعمال غیر قانونی می‌شود. برخی اشخاص درآن حضور دارند که بکلی اثرات سوء می‌بخشند و اگر مجلس از ایشان رهایی بیابد آنوقت اعتماد اعاده و استقرار خواهد یافت. اینکه می‌گویندمن باوزراء در مقام ضدیت می‌باشم بکلی کذب محض است ؛ واز کابینهٔ حاضره بهیچوجه راضی نیستم واز اعضای آن فقط به یکنفر نظام‌السلطنه اطمینان و اعتماد دارم ولی ابداً مانع کـار آنها نبوده‌ام . در جواب عرض کردم اگر در پارلمنت وکلای ناشایسته وجود داشته باشد این عیب را بایستی خود آن علاج نماید ولی اگر بخواهند آنها را به جبر و قهر خارج سازند خطر شدیدی را تعقیب کرده‌اند ، و چون چیزی ازآن اعلیحضرت پوشیده نتوانم داشت لهذا عقیدهٔ من و سایر نمایندگان دول براین است که موقع را خالی از احتیاط نباید پنداشت.

هرگاه بواسطهٔ نمایش اقداماتی ملت را مطمئن سازند که بطور صمیمیت باآنهادرکار موافقت خواهند فرمود همگی بفوریت اوامر شاهانه را استقبال خواهند کرد. ولی اگر به رفتار حالیهٔ خویش اصرار و پافشاری نمایند البته نتایج آن جز اضمحلال خود نخواهد

بود.

نمی‌توانم بگویم که سخنان من تأثیر بسیار در شاه بخشید ، چه ازوضع و حالت ایشان نتوانستم این مطلب را کشف نمایم . از آن به‌بعد اطلاع یافتم که نصیحت و اخطار عضدالملك و نیز وزیر مختار روس موجب آن گردید که سفارت دولت فخیمه از اقدام بتنهایی احتراز کرده باشد.

بهرحال شاه به گرفتاری صنیع حضرت و مقتدر نظام، سرکردگان حامیان بیباك وی، که در بحران ماه دسامبر گردآمده بودند وهمچنین به مقید ساختن‌نوکرهای مجلل السلطان که می‌گویند در قتل فریدون صراف پارسی شرکت داشته‌اند اجازت داد ولی هنوز آشکارا از مجلل‌السلطان که اولین محرك فتنه شناخته شده و باعث گردیده بود ظفرالسلطنه را که در گرفتاری مرتکبین اهتمام داشت مورد تغیر وی واقع شود حمایت می‌کند.

از آن ببعدحواس مردم مخصوصاً به محاکمه و استنطاق صنیع حضرت و مقتدر نظام و به تحقیق قتل فریدون زردشتی که در وزارت عدلیه تشکیل یافت متوجه گردید. ومذکور است که از قرائن بوضوح پیوسته تدابیری برای بقتل آوردن هشت یاده نفر از وکلای معروف مانند تقی‌زاده، مستشارالدوله ، احتشام‌السلطنه و آقا سید محمد (طباطبائی) نموده شد که مجلل السلطان دخیل و عامل عمدهٔ آن است.

وزراء با یکدیگر اتحاد ندارند و نظام‌السلطنه طرف بی‌اعتمادی آنها واقع شده و بعلاوه مدلل شده است که شاه را اجازه داده بود از خزانه پول دریافت‌نماید و نیز مردم از وی سوء ظن حاصل کرده‌اند.

هم‌دراین اوقات مابین خود مجلس نفاق رخ داد، وروز ۲٦ ماه جاری [٥ بهمن ۱۲۸٦؛ ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۵] گفتگوی شدید بمیان آمد که بیش از یك‌ساعت بطول انجامید . وکلاء یکدیگر را متهم‌ساختند به اینکه اموال را صرف مقاصد شخصی نموده همی درجلب منافع خود می‌پردازند.

ثابت شد که کمیسیون مالیهٔ مجلس در دادن یك یادو مستمری بدون هیچ عذر موجهی غمض عین نموده است. ونیز رئیس مجلس مورد سوء ظن واقع گردید ومتهم شدبه این‌که‌با طرفداران شاه توأم گردیده که نقشه برای خارج ساختن تقی‌زاده از مجلس طرح و حامیانش‌را متفرق نمایند و احتشام‌السلطنه (رئیس مجلس) با آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ به منازعه برخاسته او را به گرفتن رشوه متهم ساخت. در حقیقت مجلس به سه پارتی منقسم شده است یکی پارتی رئیس که از همه بیشتر و به عدهٔ شصت و پنج نفر می‌باشد، دوم پارتی آسید عبدالله مجتهد که تقریباً کمتر است، و سومی پارتی تقی‌زاده‌که ۲۵ نفرند.

بهرحال اوضاع مجلس بی‌نهایت مغشوش و درهم است و ممکن نیست گفته شود که درچه وقت از این وضع مستخلص خواهد شد. ولی بنظر چنین می‌آید که استعفای رئیس ناچار صورت وقوع خواهد یافت.

(امضا) چارلس .م. مارلینگ

---

۱) دراصل:... البته نتایج آن جز اضمحلال خود نتیجه‌ای نخواهد بخشید.ـم.

نمره ــ ۹۹

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (وصول ۱۷ فوریه)

از طهران، به تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۰۸
[۹ بهمن ۱۲۸۶ ؛ ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۵]

آقا

با کمال افتخار خلاصهٔ معمولی حوادث ماه گذشتهٔ ایران را با خلاصهٔ مذاکرات مجلس لفاً ارسال می‌دارم.

خوشبختانه اوضاع شیراز آرام‌تر گردیده ولی هفتهٔ گذشته در تبریز و یزد منتهای بی‌نظمی موجودبود. می‌ترسم که دولت ایران‌بکــلی از عهدهٔ حفظ نظم برنیامده و عاجز باشد و در جواب اظهاراتی که مجبوراً راجع به اوضاع یزد و حادثهٔ چاربار و لزوم حفظ و حراست از تلگراف‌خانهٔ ما در کاشان مکرر نموده‌ام به هیچ چیز موفق نتوانسته‌ام بشنوم مگر فقط به اطمینانهایی که گفته می‌شد «اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد» ــ راجع به یزد (اقدامات لازمه) چنین مشهود آمد که به ذریعهٔ تلگراف از مجتهد عمدهٔ آن شهر خواهش نمودند که نفوذ خود را در تسکین و رفع انقلاب بکار برد.

واقعهٔ قابل ملاحظه که در مجلس بوقوع پیوست همانا تغییر احساسات اعضای آن است نسبت به رئیس مجلس که فقط یك‌ماه قبل طرف اعتماد و توجه عامهٔ مردم بود و اکنون بدون هیچ دلیل مبرهن و جهت ظاهری مورد سوءظن خیلی شدیدی واقع شده‌است.

(امضا) چارلس.م. مارلینگ

ملفوف نمرهٔ ۹۹

قسمتی از خلاصهٔ حوادث و وقایعی که در ظرف یك ماه (یعنی از ابتدا) تا سی‌ام ژانویهٔ ۱۹۰۸ [۱۰ دی تا ۹ بهمن ۱۲۸۶ ؛ ۲۶ ذیقعده تا ۲۵ ذیحجه ۱۳۲۵] بوقوع پیوسته

طهران

مجلس ملی : مذاکرات مجلس ملی در ظرف چهار هفتهٔ گذشته تا آن قدری که در جلسات علنی گفتگو گردید خیلی بی‌نظم‌تر از همیشه و بدون هیچ اراده و مقصودی بود. وکلای عمده کمال افسردگی و دلتنگی را یافته اتفاقات در روز قبل مشهود می‌ساخت که نفاق داخلی به منتها درجه شدت دارد.

مراسلات متحدالمفادی که راجع به اطمینان شاه در موافقت مشروطیت مورخــهٔ سی‌ام دسامبربه‌رئیس مجلس فرستاده شده بود روز چهاردهم ژانویه [۲۳ دی ؛ ۹ ذیحجه] قرائت گردید.

هفتم‌ژانویه [۱۶ دی؛۲ ذیحجه] شارژ دافر آلمان مکتوبی نظیر آن به رئیس نوشته و سفیر کبیر عثمانی مراسله‌ای به همان مضمون نیز ارسال داشت و قرائت گردید.

روز بیست و سوم [۲ بهمن ؛ ۱۸ ذیحجه] هیئتی از اعضای مجلس شرفیاب حضور شاه گردیده و آن اعلیحضرت اطمینان و تعهداتی که سابق فرموده بودند مکرر داشتند.

یوم ۲۶ ژانویه [۵ بهمن ؛ ۲۱ ذیحجه] رئیس مجلس اظهارداشت که دولت آلمان اراده نموده است مدرسهٔ حالیهٔ آلمانی را (که در طهران است) توسعه داده و به جای ۱۲۰ نفر محصلینی که از این پیش تاکنون مشغول تحصیل می‌باشند ۷۰۰ نفر بپذیردو خواهش نمود اعانه‌ای که دولت ایران لازم است برای این مقصود همراهی نماید در مجلس تصویب شود . وی را متذکر ساختند به اینکه‌این‌مطلب بایستی‌از مجرای رسمی مخصوصه یعنی وزارت امور خارجه و نیز وزارت علوم پیشنهاد گردد.

در ۲۸ ژانویه [۷ بهمن ، ۲۳ ذیحجه] رئیس مجلس علناً آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ را خائن‌و در حقیقت مرتجع نامید ــ و بیباکانه فساد اعمال مجتهدمزبور و حتی برخی از اعضای مجلس را بیان نموده و نیز گفت اگر چه در خیال ترك ریاست مجلس ورفتن به لندن با سمت وزیر مختاری بودم ولی چون آقا سیدعبدالله سعی‌داردمرا مجبور به استعفا نماید لهذا اکنون مصمم شده‌ام که در مقام ریاست خود باقی بمانم. مردم این اعلان منازعهٔ آشکارای رئیس را علامت خیانت وی به مشروطیت تعبیر نمودند. و با اینکه مدتی بود نسبت بی‌تدینی به آقا سید عبدالله می‌دادند ولی اکنون مردم را عقیده این است که موقع مقتضی نیست با مجتهد بزرگی که با همکار خود یعنی آقا سید محمد مجتهد از ابتدا با کمال صمیمیت در هیجانهای مشروطیت موافقت داشته بطور نفاق رفتار شود. لهذا چنین تصور می‌کنند که رئیس مجلس بنابر منافع شاه رفتار می‌کند.

در نهم ژانویه [۱۸ دی ؛ ٤ ذیحجه] بعضی از اشرار را که در اواسط دسامبر موجب انقلاب و فتنه گردیده بودند در میدان توپخانه تازیانه زدند و در ۱۳ ژانویه [۲۲ دی ؛ ۸ ذیحجه] صنیع حضرت سرکردهٔ اشرار بتوسط پلیس دستگیر و محبوس گردید.

۱۲ ژانویه [۲۱ دی ؛ ۷ ذیحجه] وزیر مختار روس حضور شاه شرفیاب شد و آن اعلیحضرت را نصیحت نمود که از هرگونه سعی در تخریب اساس مشروطیت که بدان واسطه به مخاطرهٔ شدید گرفتار خواهند شد جداً احتراز فرمایند. و در ١٤ همان ماه شارژ دافر دولت فخیمه جداگانه شرفیاب گردیده مطالبی قریب به همان مضامین به شاه معروض داشت. اعلیحضرت جواب فرمودند چنانچه سابقاً مکرر گفته‌ام بهیچوجه درصدد برانداختن مشروطیت نبوده و خود را در ایران یگانه مشروطه‌طلب حقیقی می‌دانم درصورتیکه اعضای مجلس ملی و انجمنها عموماً انقلاب طلب و شورش انگیزند.

مستر مارلینگ خیلی اهمیت می‌داد به اینکه جدیت در جلوگیری تموج احساسات عامه و پافشاری در اعادهٔ اساس حکومت استبداد سابق اعلیحضرت را دوچار مخاطرهٔ شدید خواهد نمود . روز گذشته عضدالملك و شعاع‌السلطنه همان مطالب‌را حضور شاه معروض داشتند واعلیحضرت هیئتی از اعضای مجلس را به سمت نمایندگی به حضور طلبید و مجدداً در نزد ایشان به قرآن قسم یادنمود که قانون اساسی را رعایت و حفظ نماید. شاه برادر خود سالارالدوله را که تابستان گذشته به مخالفت قیام نموده و بدان واسطه

در یکی از باغهای سلطنتی خارج طهران محبوس بود بخشید.

(امضا) جی . پی . چرچیل
منشی‌شرقی

تبریز

در ۱۷ ژانویه [۲۶ دی ؛ ۱۲ ذیحجه] میانهٔ انقلابیون و بعضی از اشرار جنگ در پیوست و تا دو روز بطول انجامید . بیست نفر مقتول و مجروح گردید . پس از مدتی جنگ دوباره شروع شد و تا اواخر ماه امتداد یافت تا وقتی که سوار و پیاده برای حفظ نظم درشهر گماشتند. این اقدام موجب سکوت و آرامی شد. اغتشاشات فوق‌الذکر را مربوط به تدبیر شاه می‌دانند که در وقت حملهٔ پلتیکی وی در طهران فتنهٔ تبریز هم بروز نمود.

رشت

هیجانی که بواسطهٔ اغتشاشات طهران بروز نموده بود مرتفع گردید و اکنون ایالت گیلان ظاهراً ساکت و آرام است.

تربت حیدری

دزدها بریاست تیمورخان گماشتهٔ حاکم طبس راه تا یزد رابکلی مسدود ساخته‌اند ، و درماه دسامبر [آذر ــ دی ؛ ذیقعده ــ ذیحجه] قافله‌ای که حمل مال‌التجاره برای عامل زیگلر می‌نمود بسرقت رفت.

اصفهان

مخالفت و ضدیت جدی آقایان در خصوص تجارت با خارجه ظاهراً موقوف گردید ودیگر تجار بومی مورد تهدید واقع نشده‌اند. تجار انگلیس مجدداً توانستند بدون ترس از مزاحمت مال‌التجاره به اطراف روانه دارند.

آقا نجفی از بیم آنکه شاید مجلس محض اظهار ممنونیت اجازه به ظل‌السلطان بدهد که به اصفهان معاودت کند لهذا مکتوبی باتفاق سایر ملاها به‌وی ارسال داشته اظهار میل به مراجعتش نمودند ولی آقا نورالله مخالف این منظور بود.

بحران اخیر طهران باعث بروز هیجان در اصفهان گردیده بازارها بسته شد و داوطلبان شروع به مشق نظامی نموده چنانچه هنوز در این کار مداومت دارند.

کاشان

روز ۲۸ ژانویه [۷ بهمن؛ ۲۳ ذیحجه] جمعیت مسلح کثیری از حامیان محمد آقا با تهدیدات سخت تلگرافچی مأمور تلگراف‌خانهٔ انگلیس را مجبور نمودند که سیم را به‌آنها واگذار کند چه ایشان می‌خواستند با طهران مخابره نمایند . بالاخره تلگرافچی مزبور اختیار یافت که ایشان را اجازه دهد که هرروزی دو ساعت با آن به مخابره

پردازند. . اظهاراتی در اینخصوص به دولت ایران نموده شد.

یزد

تاجری که برادر خود را چند ماه قبل بقتل رسانیده بود روز بیست‌وپنجم ژانویه [٤ بهمن ؛ ۲۰ ذیحجه] بحکومت او را از محلی که پناهنده شده بود بیرون آورده مقتول ساخت واین عمل را داروغهٔ شهر که در قلعهٔ حکومتی تحصن داشت مجری نمود. جمعیت مسلحی که به قتل داروغه و عزل حاکم پافشاری داشتند شهر را بهخوف و هراس افکندند وبمحض اینکه داروغه را تسلیم ایشان داشتند فوراً هدف گلوله ساخته هلاکش نمودند . پس ازآن به حاکم اطلاع دادند که هرگاه تعهد نماید از این به بعد برضد آنان حرکت و اقدامی نخواهد کرد می‌تواند باقی و برقرار باشد. لیکن وی استعفا داده و از شهر خارج گردید و می‌گفت اگر فقط دویست نفر سوار برای انتظام آنجا فرستاده نشود مراجعت نخواهد نمود . شهر در قبضهٔ اختیار دونفر که بشخصه خود را رئیس مستحفظین قرار داده بودند درآمد.

کرمان

اخبار اغتشاش طهران در ماه دسامبر [آذر ــ دی ؛ ذیقعده ــ ذیحجه] باعث شدکه بازارها تا دو روز بسته گردید و همینکه مجلس شورای ملی تلگراف نمود که مردم بایستی خود را آماده و مهیا دارند فوراً ناظم و حاجی نایب که درواقع دونفر دیکتاتورهستند قورخانهٔ دولتی را بتصرف درآورده و عموماً مشغول تدارکات نظامی شدند.

همدان

تجار عثمانی که با بغداد تجارت دارند بواسطهٔ ناامنی راه با عباس‌خان افشارقرار دادند مبلغی پول به وی داده که مال‌التجارهٔ آنها را بسلامت عبور دهد. پنج‌نفر پسرانش با جمعی از سواران مسلح در راهها و دهات به دزدی مشغولند ــ و نیز سایر دستجات دزدها به هرطرف رو آوردند.

شیراز

اوضاع بخوبی در حالت آرامی است و بنابه راپورتی که فرستاده شد مابین فریقین متخاصمین صلح و آشتی بر قرار گردید واز آنوقت دیگر اغتشاش بظهور نپیوست.

هیچگونه سرقت تازه‌ای در راه بوشهر اتفاق نیفتاد مگر ۲٤ ژانویه [۳ بهمن ؛ ۱۹ ذیحجه] که پست را در حوالی دالکی بسرقت بردند و نیز مستر گراهم راپورت می‌دهدکه از آن راه بکلی تجارت مقطوع شده است، ودر ۲٦ژانویه [٥ بهمن ؛ ۲۱ ذیحجه] راپورتی واصل گردید مبنی براینکه نزدیك برازجان اغتشاش سخت روی داده و راه اصفهان بی‌نهایت ناامن است و خود مستحفظین راه در نزدیکی ده بید و خان‌کرکن به سرقت قوافل اشتغال دارند و ازجمله کاروانی که مال‌التجارهٔ یکی از کمپانیهای انگلیس را حمل می‌نمود

گرفتار سرقت ایشان گردید ونیز مال‌التجارهٔ یك نفر دیگر از کمپانیهای انگلیس نزدیك دخمه «کیخسرو» دزدیده شد.

خلیج فارس

بوشهر

اخبار اغتشاش طهران هیجان سختی در بوشهر تولید نمود. تلگرافاتی از مجلس ملی و پارتیهای عمدهٔ طهران و نیز از رشت مبنی بر استمداد از اهالی برای حمایت مجلس ملی مخابره شد در جواب آنها اظهار مساعدت نمودند.

بندرعباس

شهر و اطراف آن بی‌نهایت مغشوش و به کشتی اعلیحضرتی موسوم به «لاپینگ» امر شد بطرف بندرعباس روانه گردد و تا دوهفتهٔ اول دسامبر در آنجا توقف نماید. بواسطهٔ اقدامات مجدانهٔ فرمانفرمای بنادر خلیج فارس که کمال تشکر را از او داریم اوضاع بهبودی حاصل نمود ولی حمل مال‌التجاره هنوز به حالت تعویق باقی است.

چاه‌بهار

در بیست و پنجم ژانویه [٤ بهمن؛ ۲۰ ذیحجه] مأمور مقیم خلیج فارس تلگراف نمود که از چاه‌بهار به‌وی راپورت داده شد نماینده‌ای ازطرف سردار سعید خـان «کپی» با پنجاه نفر سوار مسلح ادارهٔ گمرك را بتصرف درآورده و از تجار انگلیسی وجهی را که بایستی به گمرك بپردازند به زور و تهدید مطالبه نمودند که به ایشان پرداخته‌شود. نمایندهٔ مذکور مدعی بود که دولت ایران مرا بدین خدمت مأمور ساخته . وقتی که مأمور مقیم دانست این مسئله صدق نیست به تجار دستور داد که در صورت اجبار و تهدید وجه مزبور را تسلیم داشته و پس از آن پروتست نمایند. ضمناً از نمایندهٔ سردار سعید خواهش نمود که این مطلب را تا ٤٨ ساعت دیگر مهلت دهد و نیز او را مسبوق ساخت که اگر راضی نشود به دولت انگلیس شکایت خواهد نمود .هم‌در این حال به کشتی اعلیحضرت موسوم به «پرسیبوس» حکم شد بطرف چاه‌بهار حرکت کند ولی همینکه بدانجا وارد گردید مطلع شد که بلوچها عایدات گمرکات را جبراً دریافت داشته و کوچ نموده‌اند. در همان وقت رئیس گواتر نیز به همین قسم اعمال ارتکاب نمود.

(امضا) سی.پی. ماژور استکیس

www.adabestanekave.com

نمره ــ ۱۰۰

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه، مورخهٔ ۱۷فوریهٔ ۱۹۰۸
[۲۷ بهمن ۱۲۸۶ ؛ ۱۴محرم ۱۳۲۶]

درخصوص منفعت قرض : راجع به تلگراف شما مورخهٔ ۲۸ ماه گذشته .

اگر باز تأخیری در ادای منفعت بظهور رسد ودر چهارم آوریل پرداخته نشود ربح یکساله را از قرار صدپنج بر مبلغی که ذکر می‌نمایید (وصحیح است) باید افزود.

مراسله‌ای که راجع به قسط استهلاك پیشنهاد نموده‌اید به وزیرامور خارجه ارسال دارید، تصویب می‌نمایم.

نمره ــ ۱۰۱

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۲۶فوریه)

از طهران، به‌تاریخ ۱۴ فوریه ۱۹۰۸
[۲۴ بهمن ۱۲۸۶ ؛ ۱۱محرم۱۳۲۶]

آقا

برای وصول منفعت قرضهٔ ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ که بتعویق انجامیده موافق تعلیماتی که در تلگراف مورخهٔ ۱۹ دسامبر [۲۶آذر ۱۲۸۶؛ ۱۳ ذیقعده ۱۳۲۵] فرموده بودید آنچه توانستم کوشش کردم وچون در ۲۷ ژانویه [۶ بهمن۱۲۸۶؛ ۲۲ذیحجه ۱۳۲۵] مشیرالدوله اطلاع دادند که بدون تأخیر اداء خواهد شد امیدوار گردیدم که نتایج مطلوبه حاصل آمده است. روزبعد مسیو مرنارد رئیس گمرکات اطلاع دادکه در این‌خصوص حواله به وی نشده و قرینه‌ای بدست نیاورده است تا بدان واسطه بتواند پیش‌بینی کندکه‌در این موقع یحتمل به او حواله خواهند نمود. با این حالات چون لازم‌است فشارسخت‌تری داده شود بدین لحاظ جسارت ورزیده در تلگراف خود مورخهٔ ۲۸ ژانویه معروض داشتم که اجازه فرمایند به دولت ایران اطلاع بدهم نظر به‌اینکه‌مدتی است جواب‌شروط دولت‌فخیمه را راجع به قبول تعویق اقساط استهلاك نداده‌اند لهذا سکوت ایشان موجب رضا تصور شده است.

شکی نیست در اینکه اگر اختیار دولت ایران در استقراض از خارجه اکنون محدود شود هرآینه از هرگونه فشار برای مطالبهٔ بیشتر متأثر خواهد گردید و لهذا امیدوارم که مکتوبی مبنی بر مفاد فوق به دولت ایران ارسال گردد تا بدان واسطه قراری در این مسئله بدهند . چنین بنظر می‌آید که این تأخیرهای خاتمه‌ناپذیرنتیجهٔ ارجاع عموم مطالب است به کمیسیونهای مجلس که بدان واسطه نیز جواب یادداشت من‌داده‌نشده‌ولازم دانسته‌اند که قبول شروط ما را به سکوت بگذرانند .

روز ۲۶ ماه جاری [۵ بهمن ۱۲۸۶ ؛ ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۵] وزیر امور خارجه به من اطلاع داد که وجه پرداخته خواهد شد ولی چون از بانك سئوال گردید معلوم شد جناب ایشان

اشتباه نموده‌اند.

[با] عزل مسیو مرنارد از مقام ریاست گمرکات ، مراقبت عایدات آن اداره را به قائم مقام وزیر تجارت که به فساد و دزدی معروف است واگذار کردند و یحتمل وجوهاتی که برای تادیهٔ قرض به دولت اعلیحضرتی معین شده بکلی بمصرف اتلاف رساند. بنابراین روز ۸ [۱۷ دی ۱۲۸۶ ؛ ۳ذیحجه ۱۳۲۵] که بامشیرالدوله درموضوع‌عزل مسیو مرنارد گفتگو می‌نمودم به آن جناب اصرار کردم که به قائم‌مقام اطلاع بدهند این وجوهات را بایستی مصرف نمایند. آن جناب درخواست مرا پذیرفتند و نیز گفتند حوالهٔ پرداخت ربح قرضه مدتی است صادر گردیده و روز دیگر مسیو مرنارد اطلاع دادکه حواله حاضر شده ولی محتاج امضای وزیر می‌باشد و عقیدهٔ وی‌این بود که پس از بیست و چهار ساعت دیگر پرداخته خواهد شد و نیز مسیو رابینو (رئیس بانك شاهنشاهی) که دراین وقت به ملاقات من آمده بود گمان می‌کرد این مسئله فیصله یافته است. مع‌هذا در اواخر روز یازدهم مستر رابینو اطلاع دادکه بهیچوجه‌حواله به‌او نشد ومن از طرف شمااجازه نداشتم‌که مراسله‌ای برطبق مفاد فوق که‌تلگرافاً [=تلگرافی]معروض داشته‌ام‌به‌دولت‌ایران‌ارسال‌دارم‌لذا یادداشتی به مشیرالدوله وزیر امور خارجه که سواد آن را لفاً تقدیم می‌کردم نوشته و من خود شخصاً به‌ایشان دادم. در همان وقت آن جناب مجدداً اظهار داشتند که حوالهٔ ایصال این وجه داده شده وچون‌من گفتم این مسئله صورت وقوع نیافته خیلی اسباب تعجب و حیرت ایشان گردید . ولی چون به من اطمینان دادند ممکن است حوالهٔ آن حاضر و مهیا شده ولی محتاج به‌امضای وزیر مالیه باشد، وتیز یحتمل بواسطهٔ اضطراب و توحش نظام‌السلطنه از نظر خطرناك بودن مرض یگانه فرزند خویش و همچنین تعطیل کارها به ملاحظهٔ مراسم مذهبی ایام عاشورا مانع از انجام آن بوده ولی از طرف دیگر احتمال دارد سبب عمده‌اش دسایس برضد مسیو مرنارد بوده باشد.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

ملفوف نمرهٔ ۱۰۱

یادداشت مستر مارلینگ به مشیرالدوله

(بدون‌تاریخ)

خدمت جناب اجل عالی

با کمال افتخار خاطر آنجناب را متذکر می‌سازم که با وجود اطمینان و قولهایی که مکرر به من اظهار فرموده‌اید تاکنون نه منفعت قرضهٔ ٤ ــ ۱۹۰۳ دولت انگلیس را که موعد آن چهارم آوریل بوده پرداخته‌اند و نه جواب شروط مندرجه در یادداشت مورخهٔ ۱۳ دسامبر ۱۹۰۷ [۲۰آذر ۱۲۸٦ ؛ ۷ ذیقعده ۱۳۲۵] سیراسپرینگ رایس که‌دولت فخیمهٔ انگلیس در قبول خواهش دولت ایران راجع به تعویق سه‌سالهٔ اقساط استهلاك این قرضه قرار داده است رسیده . در این صورت من دیگر مطالبه‌ای نخواهم نمودو آنجناب را بر حسب دستورو تعلیمات دولت متبوعهٔ خودم اطلاع می‌دهم که اگر ربح مذکور را بفوریت نپردازند و قبول شروطی که در فوق اشارت یافت رسماً به سفارت گفته نشود دولت اعلیحضرتی به جای ربح مطالبهٔ تمام مبلغ قسط سالیانه را خواهد نمود که فوراً

ایصال دارند.

(امضا) چارلس.م. مارلینگ

نمره ــ ۱۰۲ [1]

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگ

از وزارت امور خارجه، ۲۶فوریهٔ ۱۹۰۸

[۷ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف‌شمامورخهٔ۱۰ ماه جاری در حقوق مستحفظین مأمور شیراز.

تا در اوضاع شیراز بهبودی حاصل نگردد باید مستحفظین یا عدهٔ زیادتری تا مدت‌شش ماه در آنجا باقی بماند .

نمره ــ ۱۰۳

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱۶ مارس)

ازطهران ، به تاریخ ۲۶ فوریهٔ۱۹۰۸

[۷ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۲۳ محرم۱۳۲۶]

آقا

یکی‌از محترمین پارسیها که برادرش پرویز نام سال گذشته در شیراز مقتول گردید در این تازگی نزد من آمده اظهار داشت که زردشتیان در هرجای ایران که هستند کمال توحش را دارند. مشارالیه بقتل رسیدن فریدون را درطهران، و فرستاده شدن مکتوبات تهدیدآمیز را به یکی از زردشتیان عمدهٔ شیراز، دلیل عدم امنیت جان ایشان اقامه می‌نمود و سئوال کرد آیا سفارت دولت فخیمهٔ انگلیس با این که دقت در آسایش و راحت این جماعت دارد اقدامی به ظهور نخواهد رسانید ؟

پس از این مختصر مذاکره قبول کردم که مکتوبی در این موضوع به وزیر امور خارجه ارسال داشته شفاهاً از ایشان خواهش نمایم که مطالب آن‌را به مجلس انفاد دارند.

چند روز بود که مشیرالدوله را ملاقات نمودم. جناب ایشان به‌من اطلاع دادند که این اقدام را انجام داده و نیز یادداشت من را که سواد آن لفاً ارسال می‌شود حضور شاه تقدیم کرده‌اند زیرا عرضه داشتن به آن مقام را بیشتر منتج نتیجه می‌دانست تا به مجلس.

در همانوقت مستر گراهم راپورت داد که اعیان و اولیای امور شیراز سعی دارند با پارسیان به دوستی و مرافقت رفتار نمایند و او نیز تاجری را که کاغذجات تهدیدآمیز به وی ارسال شده‌بود و به قنسولخانه ملتجی گردید پناهش داد.

(امضا) چارلس م .مارلینگ

---

۱) متن اصلی : ۱۰۳ که گویا اشتباه چاپی است.ــم.

ملفوف نمرهٔ ۱۰۳

مکتوب مستر مارلینگ به مشیرالدوله

طهران ، ۵ فوریهٔ ۱۹۰۸
[۱۵ بهمن ۱۲۸۶ ؛یکم‌محرم ۱۳۲۶]

خدمت حضرت اجل عالی...

چندی‌گذشته‌درخصوص وضع زردشتیان کلیه ایران خصوصاً شیراز و یزد مطالبی بسیار ناگوار شنیده‌ام و جنابعالی اطلاع دارید که بتازگی یك‌نفر از اشخاص عمدهٔ آنها را در طهران بقتل آورده‌اند.

دولت فخیمهٔ انگلیس درصورتیکه لازم به تذکار آنجناب نمی‌دانم چون پیوسته در آسایش و راحت زردشتیان همی دقت دارد نمی‌تواند این اوضاع را بدون تأثر بنگرد. لهذا از جناب شما متمنی هستم که موجبات آسایش و امنیت این مردمان سلیم بی‌آزار را به هر گونه اقدامی که لازم باشد بالاختصاصه فراهم سازند.

آنچه متوالیاً راپورت می‌رسد مبنی است براینکه اگر اقدامات جدی برای امنیت ایشان به‌آنطوری‌که اطمینان حاصل نمایند بعمل نیاید همگی از این مملکت مهاجرت خواهند نمود. دولت شاهنشاهی ایران باید دانسته باشدکه مهاجرت یك چنین جماعتی مانند پارسیان که همی در تجارت ساعی هستند چه ضرر کلی به ایران وارد خواهد آورد. یقین دارم‌آن دولت به هر نحو که ممکن باشد اقدام خواهد نمود که ایشان را دوباره مطمئن سازد به‌اینکه اولیای دولت شاهنشاهی مایل و قادرند آنان‌را از حملات وآزار جهان یا متعصبین محفوظ بدارند. برای حصول این معنی گمان می‌کنم هیچ اقدامی مؤثرتر از مجازات اشخاصی که در قتل فریدون اهتمام نموده‌اند نباشند وبه دلایل و جهاتی اعتقاد من آنست که دولت شاهنشاهی آنها را بخوبی می‌شناسد.

(امضا) چارلس م. مارلینگ

نمره ــ ۱۰۴

مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارد گری (وصول ۱۶ مارس)

از طهران ، به تاریخ ۲۶ فوریهٔ ۱۹۰۸
[۷ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۲۳ محرم۱۳۲۶]

آقا

بنابر تلگراف مورخهٔ ۱۷ ماه جاری که مخابره می‌فرمودید یادداشتی را که به دولت ایران فرستاده‌ام سوادش را با کمال افتخار لفاً ارسال می‌دارم.

به دولت ایران چنانچه درتلگراف ۲۸ ژانویه اشارت یافت اطلاع دادم که دولت فخیمهٔ انگلیس نظر به‌اینکه دولت ایران مدتی است شروط راجع به قبول تأخیر ادای قسط استهلاك قرضهٔ ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ را به سکوت گذرانیده لهذا چنین می‌پنداردکه پذیرفته شده است .

به عقیدهٔ من این اقدام موجب استحکام وضع و مقام خواهد بود.
(امضا) چارلس م. مارلینگ

ملفوف نمرهٔ ۱۰٤

مکتوب مستر مارلینگ به مشیرالدوله

طهران ، ۲٤ فوریهٔ ۱۹۰۸
[٥ اسفند ۱۲۸٦ ؛ ۲۱ محرم ۱۳۲٦]

جناب اجل عالی

اکنون قریب شش‌ماه است از وقتی که سفیر دولت اعلیحضرتی باکمال افتخار در یادداشت خویش مورخهٔ ۳۱ ماه اوت [۸ شهریور ۱۲۸٦؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۵] به‌وزیر امور خارجهٔ سابق اطلاع از شروطی داده است که دولت فخیمه بنابر آن خواهش دولت ایران را برای تأخیر ایصال اقساط استهلاك قرضه٤ ــ ۱۹۰۳ خواهد پذیرفت تا بـه حال نه جواب یادداشت مزبور فرستاده شده و نه دولت شاهنشاهی قسط استهلاك را که بایستی‌در آوریل ۱۹۰۷ [۱فروردین ۱۲۸٦ ؛ صفر ۱۳۲۵] تأدیه شده باشد پرداخته‌اند.

بنابراین با کمال افتخار برحسب تعلیماتی‌که بتوسط منشی مخصوص وزارت امور خارجهٔ دولت فخیمه به‌من داده شده به جناب شما اطلاع می‌دهم که بواسطهٔ نرسیدن قسط استهلاك و با وجود اظهاراتی که مکرر شفاهاً در این‌خصوص نموده‌ام ونیز بی‌جواب ماندن یادداشت فوق‌الذکر سیراسپرینگ رایس ، لذا دولت اعلیحضرتی بریطانیا چنین تصور کرده است که دولت‌ایران شروط مندرجه درآن یادداشت را بطور سکوت پذیرفته است.

نمره ــ ۱۰۵

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (وصول ۱٦ مارس)

از طهران ، به تاریخ ۲۸ فوریهٔ ۱۹۰۸
[۱۹ اسفند ۱۲۸٦ ؛ ۲۵ محرم ۱۳۲٦]

آقا

با کمال افتخار خلاصهٔ معمولهٔ وقایع و حوادث یکماههٔ ایران را بانضمام خلاصهٔ صورتی از جلسات چهار هفتهٔ گذشته مجلس ملی لفاً ارسال می‌دارد.
(امضا) چارلس م . مارلینگ

ملفوف نمرهٔ ۱۰۵

قسمتی از خلاصهٔ وقایع یکماهه

طهران

مجلس ملی: اوضاع و حالات ناگوار امور که در خلاصهٔ سابق راپورتش داده شده بود بهیچوجه بهبودی حاصل ننموده .

روز ۱٦ فوریه [۲٦ بهمن ۱۲۸٦ ؛ ۱۳ صفر ۱۳۲٦] مجلس پس از مباحثات بـا

هیجان عاقبت عزل آصف‌الدوله وزیر داخله را که مورد ایرادات مختلفه واقع شده بود رأی گرفت. از جمله ایراد واردهٔ بروی این بود که قوام‌الملك را بدون تصویب مجلس اجازه داده بود به فارس مراجعت کند. کابینه را مجدداً تشکیل خواهند داد. وزارت مالیه را به صنیع‌الدوله تفویض نمودند و قرار شد نظام‌السلطنه با مقام رئیس الوزرائی نیز وزارت داخله را دارا باشد.

احتشام‌السلطنه هنوز به ریاست مجلس اشتغال دارد. هیچگونه اشکال و زحمتی متعاقب حمله و تاختی که روز ۲۸ ژانویه [۷ بهمن ۱۲۸۶ ؛ ۲۳ ذیحجه ۱۳۲۵] به آقاسید عبدالله آورده بود تولید نگردید زیرا مجتهد مذکور وقعی به آن مطلب ننهاده بطور بی‌اعتنائی گذراند.

باز مردم متوحش می‌باشند که شاه و درباریان مرتجع وی دوباره شروع به اقدام خواهند نمود و در افواه شایع است که عماً قریب یك حملهٔ پلتیکی (کودتا) دیگری به ظهور خواهد رسید ولی بالنسبه در ظرف چهار هفتهٔ گذشته آرامی موجود بود. سعدالدوله هنوز در سفارتخانهٔ هلند متوقف است.

جرائد: جرائد طهران اتصالا مقالات سخت برضد سلطنت و حتی مهیج شورش بطبع می‌رسانند و یکی از روزنامجات شرحی در تمجید قاتلین پادشاه پرتقال و ولیعهدش نوشته بود و یکی دیگر از جرائد هفتگی به طایفهٔ قاجاریه پرداخته آنان‌را عیب‌جویی و ملامت می‌کرد.

انجمنها یا مجامع سیاسی: صورت اسامی یکصد انجمن برای سفارت برداشته شد که مهمترین آنها انجمن آذربایجان است (به ریاست تقی‌زاده و دارای دوهزار و نهصدو شصت و دو عضو) انجمنها اتصالا به‌کارهای پلتیکی می‌پردازند.

(امضا) جی . پی . چرچیل
منشی شرقی
به تاریخ ۲۸ فوریهٔ ۱۹۰۸

استراباد

قوائی که برای حکومت گسیل گردید عبارت بود از یکصد سوار تیموری ودویست سوار کرد و فوج پیاده‌نظام سمنان. حاکم پنجاه و چهار نفر از اسرائی‌که تراکمه اسیر برده بودند استرداد نمود . و چون انجمن ولایتی به وی دستور می‌داد که تا اموال منهوبه را تماماً استرداد نکند نبایستی اردوی خود رابه قلعه [=آق‌قلعه؟] حرکت‌دهدلهذا از مجلس شورای ملی درخواست داشت که یا قشون بیشتر برای او روانه دارند و یا به انجمن ولایتی امر شود که درکار وی مداخله ننماید .

رشت

در پنجم فوریه [۱۵ بهمن ۱۲۸۶ ؛ یکم محرم ۱۳۲۶] نایب‌الحکومه کسما را در همان محل بقتل رسانیدند و قاتلین تا پانزدهم ماه مزبور دستگیر نشدند. وقوع این قتل موجب

بیم و دهشت سایر حکام نواحی آن ولایت گردیده است.
در قومن اکنون هیچیك از ملاکین نمی‌توانند به املاك خود رفته سرکشی نمایند.

مشهد

مشهد هنوز آرام است. اذهان عامه بطرف انتخابات بلدیه که مشروطیین کنترل آن را داشتند معطوف بود. بعضی از علمای مرتجع متحداً در تسکین هیجان اقدام نموده ولی مخالفت آشکار آنها بی‌نتیجه بود. عالم بزرگ مشهد از خوف عواقب‌امور بامشروطه‌خواهان همراهی نمود.

اصفهان

در ۱۵ فوریه حاکم استعفاء کرده بطرف طهران رهسپار گردید.

یزد

در ۲۰ فوریه [۱ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۱۷ محرم ۱۳۲۶] تلگرافی واصل شد مشعر براینکه در نو گنبد پستی که بطرف یزد می‌رفته بسرقت رفته. معلوم می‌شود که سارقین‌اسبهای پستی را در سه منزل که نائین ونوگنبد و شاه نو باشد بسرقت برده‌اند و بعلاوه شش نفر را با ۴۲ الاغ از یك قافله که در راه منزل کرده بودند برده‌اند.
پستی که از یزد می‌آمد در ۱۷ فوریه [۲۷ بهمن ؛ ۱۴ محرم] در شاه‌نو بسرقت رفته غلام پست [1] مضروب و تفنگ و فشنگ سه‌نفر مستحفظ و چهار اسب پستی متعلق به عقدا را برده‌اند. به این طریق اسبهای چهارمنزل راه بسرقت رفته و ایاب و ذهاب پستی بی‌ترتیب شده است.

کاشان

در ۱۴ فوریه [۲۴ بهمن ؛ ۱۱ محرم] حاکم باتفاق پنجاه سوار از طهران و ۲۰۰ نفر از اهالی کاشان سعی نمود که به محلی که در دوج به دست نایب حسین بود قهراً داخل شود. از قرار راپورت واصله او بتنهایی ایشان را منهزم نموده است [۲۶ بهمن ؛ ۱۳ محرم] حاکم بعضی از سارقین را دستگیر نموده و معادل چندین هزار تومان اموال مسروقه را که تصور می‌شد نایب حسین سرقت نموده است از آنها باز گرفتند. دسته‌ای از رجاله به‌خانهٔ حاکم حمله برده و محبوسین را مستخلص نموده‌اند. جنگ دوام داشت و از قرار مذکورحاکم‌عازم‌طهران است و اهالی از نایب حسین طرفداری می‌کنند.
از آن وقت تاکنون دولت ایران به سفارت اعلیحضرتی اطلاع داده که نایب حسین و همراهان او در راه و عازم طهران می‌باشند بخیال آنکه در سفارت پناهنده شوند ولی همینکه به‌قم ورود کردند در مسجد بست اختیار نمودند.

---

۱) متن اصلی: پسته ـ م.

سیستان

پست ایران که در ۲۱ فوریه [۲ اسفند ؛ ۱۸ محرم] از سیستان برای مشهد فرستاده شدما بین نصرت‌آباد و با رنگ بسرقت‌رفت. سواری که همراه آن بودمقتول و مبلغ ۱۰۰۰ تومان متعلق به بانك شاهنشاهی ایران سرقت شد.

کرمان

دسته‌ای مرکب از یکصد و پنجاه سارق در شمس که درراه یزد واقع است اجتماع نموده و تاکنون از دهات‌دور وحوالی ۲۰۰۰ رأس گوسفند برده‌اند.

قریب دویست نفر سوار و پیاده ناحیهٔ دور رفسنجان را در اواسط فوریه غارت نموده متعاقب آن بطرف بردسیر و ماشك حرکت نمودند .

شیراز

نزاعی مابین کدخدایان کنار تخته ودالکی در راه شیراز از ۲۳ ژانویه الی ۲۷ [۲ بهمن؛ ۱۸ ذیحجه تا ٦ بهمن؛ ۲۲ ذیحجه] آن ماه منجر به جنگ گردید. در ۲۱ ژانویه [۳۰ بهمن ؛ ۱٦ ذیحجه] راپورت داده شد که پستی که از بوشهر به شیراز می‌آمد در پل‌دالکی بسرقت رفته و از آن تاریخ تا اواسط فوریه پسته[1] بهیچوجه به شیراز نرسید . دراین باب مستر گراهم با فرمانفرما و نیز شارژ دافر اعلیحضرتی با دولت ایران مذاکره نموده‌اند.

راه اصفهان هنوز به حال اغتشاش باقی است.

چون به یکی از تجار عمدهٔ زردشتیان شیراز کاغذ تهدیدآمیزی نوشته شده بود سفارت اعلیحضرتی در این‌باب با دولت ایران مذاکره نموده نتیجه این شد که اوامر برای حفظ گبرهای آنجا به کارگزار وزارت خارجه مخابره گردید.

خلیج فارس

بوشهر

آژانس لنگه‌راپورت می‌دهد که اخبار گرفتاری دزدان دریایی موسوم به حمیدی از طرف مأمورین انگلیس که از بندر ریگ به ذریعهٔ کشتیهای شراعی رسیده باعث تسکین خاطر عموم گردید. طبقات مردم که غالباً در دریا مشغول کار می‌باشند در قهوه‌خانه‌های بوشهر جمع شده از این اخبار آشکارا اظهار بشاشت می‌کنند.

بندرعباس

حمل و نقل مال‌التجاره با قوافل که از شش هفته به اینطرف به علت اغتشاش مملکت موقوف شده بوده در اواخر دسامبر دوباره شروع گردیده قوافل از کرمان ولار ورود

---

۱) بهمین‌گونه است در متن .ــم.

www.adabestanekave.com

و خروج می‌کردند. قوافل کرمان از راه جیرفت به بم می‌آمدند راه بفت [۱] الـی دولت‌آباد هنوز ناامن است.

(امضا) سی بی استوکس ماژور اتاشهٔ نظامی

متمم وقایع یکماههٔ فوریهٔ ۱۹۰۸

سوء قصد نسبت به شاه در ۲۸ فوریهٔ ۱۹۰۸

[۹ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۶]

شاه از ۱۲ نوامبر [۱۹ آبان ۱۲۸۶ ؛ ۵ شوال ۱۳۲۵] که به مجلس رفته دیگر تاکنون از قصر سلطنتی بیرون نیامده بود تا امروز ساعت سه‌بعداز ظهر در حالیکه بطرف دوشان‌تپه که مقر خارج شهر او است حرکت می‌نمود حملهٔ جسورانه‌ای بقصد قتل او بعمل آمد.

ترتیب حرکت او از اینقرار بود: یك اتوموبیل در جلو و یك کالسکه درعقب و مستحفظین سواره و پیاده بطریق معمول مواظب بودند. مسافت کمی که از خانـهٔ رئیس بانك دور شده قبل از آنکه به عمارت ظل‌السلطان برسند چند نفر از بالای بامهای مجاور بنای شلیك به اتومبیل که تصور می‌کردند شاه در آن است گذاردند. ظاهـراً بواسطهٔ ارتفاع محل اقامت خود توی اتومبیل و کالسکه را نمی‌توانستند ببینند. سپس دو بمب بطرف اتومبیل انداخته آن‌را بکلی ازهم متلاشی نموده دو نفر را مقتول و قریب ۷ نفر را مجروح کردند. خود شاه که در کالسکهٔ عقب اتومبیل نشسته بـود فوراً بیرون آمده در یك خانه‌ای همان نزدیکی پناه گرفت. این مسئله فوراً اسباب هیجان فوق‌العاده شده اعلیحضرت شاه پیاده سالماً به قصر مراجعت نمودند.

دکتر لیندلی اعلیحضرت را به یك حال خیلی مضطربی دیده بود. درباریان تماماً عرض تبریك تقدیم نمودند. شارژ دافر اعلیحضرتی عباسقلی‌خان را مأمور نمود کـه از استخلاص شاه از این بلیه تبریکات تقدیم نماید. جی. پی. سی

نمره ــ ۱۰۶

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصلهٔ ۱۶ مارس)

طهران ، ۲۶ فوریهٔ ۱۹۰۸

[۷ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۲۳ محرم ۱۳۲۶]

ماه محرم به آخر رسید. برخلاف انتظارات عمومی هیچ قسم اغتشاش رخ ننمود.

تشکیل هیئت وزراء که مدتی انتظار آن می‌رفت در ۲۸ شهر جاری شروع گردیده آصف الدوله بنابر تصویب مجلس ظاهراً برای آنکه قوام‌الملك را برضد میل واضح وکلای فارس رخصت مراجعت به شیراز داده بود معزول گردید. علت حقیقی عزل او این بود که مجلس با آنکه تصمیم نموده بود در کابینه تغییری بدهد از آن می‌ترسید که یك‌مرتبه دست همه را از کار کوتاه کند و اینطور صلاح دانست که ابتدا از وزیر داخله

۱) بهمین‌گونه در متن اصلی آمده است. شاید منظور بافت باشد. از تحقیقات نتیجه بدست نیامده.ــم.

شروع کند . نظام‌السلطنه از وزارت مالیه دست کشیده به مقام آصف‌الدوله منصوب گردید. اگر چه این تغییرات یحتمل آخری و قطعی تصور نمی‌شود ولی تاکنون بی مناسبت نبوده و امیدبخش است. بطور حتم‌صنیع‌الدوله برای وزارت مالیه از نظام‌السلطنه بهتر است. مجلس قبول صدارت نظام‌السلطنه را به این امید نمود که با تجربیات و بصیرتی که از اوضاع مملکت دارد می‌تواند تا یك اندازه اعادهٔ نظم نماید ولی مشروطیین بر او بهیچوجه اعتماد حقیقی نداشته چون او یکی از سیاسیون مدرسهٔ قدیم است.

صنیع‌الدوله که از وزارت مالیه به جای او منصوب گردیده اول شخصی است که به ریاست پارلمان تعیین گردید .

راپورت‌تغییر دیگری یعنی عزل قائم مقام از طرف شاه همین حالا برای من رسید. در عرض ماه گذشته شاه از مداخلهٔ آشکارا در امورات مملکت استنکاف نموده ولی اینطور شیوع دارد که خود را آمادهٔ کودتای دیگری می‌سازد و مبنای این شایعات ظاهراً آن است که بنابر راپورتی که واصل شده مقداری تفنگ از راه محمره برای او وارد می‌شود و از ورامین مشغول جمع‌آوری و تجهیز همراهان خود می‌باشد. ظن قوی انجمنهای پلتیکی این است که اعلیحضرت شاه عنقریب اقدامی خواهند نمود.

نارضایتی عامه از مجلس کسب قوت می‌نماید و محض آنکه با مطالبهٔ عموم مردم در بهبودی اجزاء مرکبهٔ آن موافقت شده باشد مجلس به جای اعضای متوفی یا مستعفی خود وکلای جدید انتخاب نموده است. از طرف دیگر مجلس در نظام امورات جاریهٔ خود بیش از پیش صورت رسمیت داده و کلیه کارهای مهم در جلسات سری یا اجلاسات محرمانهٔ کمیته‌های مختلفه به انجام می‌رسد . این طریق خیلی ضرر دارد چرا که بدینوسیله برای وکلای مقتدر خیلی سهل می‌گردد که در راه جلب منافع شخصی خودکار کنند واین خود یکی از عللی است که نارضایتی از مجلس را روزبروز تزیید می‌نماید. محتمل است که برحسب پیشنهاد احتشام‌السلطنه بردایرهٔ سری بودن امورات توسعه داده شود به‌این معنی که چون احتشام‌السلطنه ظاهراً مأیوس است از اینکه از خود مجلس نتایج مطلوبه بدست آورد و او را عقیده این است که فقط علاجی که بنظر می‌رسد این است که اعمال و مشاغل مجلس را بواسطهٔ تشکیل کلوپ مجلس به آن هیئت غیرمسئول غیررسمی واگذار نماید.

از خلاصهٔ وقایع این ماه معلوم می‌گردد که در اوضاع ایالات و ولایات بهبودی حاصل نشده و شیراز نسبتاً به حال آرامی باقی است. ورود حاکم جدید صاحب اختیار (وزیر مخصوص) بطور آرام‌گذشت ولی چیزی که باید ملاحظه شود این است که از ورود قوام‌الملك که حاکم با وجود عدم موافقت وکلای فارس به‌آن راضی شده چه نتیجه بوقوع خواهد رسید.

در پاییز گذشته من با کمال شدت در مسئلهٔ مراجعت این سرکردهٔ مقتدر متقلب که پیشنهاد شده بود مخالفت نمودم ولی چون توقیف او در طهران چنانچه دولت ایران انتظار داشت وسیلهٔ اعادهٔ نظم فارس نگردید من در این موقع خود را به همین اقناع نمودم که او راشدیداً متنبه نمایم که هرگاه تجدید اغتشاش شود همان باعث طلب بازگشت او

خواهد گردید. حکومت ایالت در حقیقت به دست او خواهد افتاد چنانچه فعلا وصول‌مالیات را به عهده گرفته و مستر گراهم پیش‌بینی می‌کند که این کار باعث تولید اشکالات مابین او و حکومت خواهد گردید و صاحب اختیار که شخص مقتدری نیست همین حالا تا اندازه‌ای ترس او را فرا گرفته است.

شهر یزد و کاشان در واقع به دست شورشیان افتاده ؛ اصفهان جزو ولایاتی است که بدون حکومت می‌باشد؛ اهالی کرمان هم به نایب‌الحکومهٔ خود پیغامی فرستاده‌اند او را نصیحت به رفتن نموده‌اند.

ایاب و ذهاب قوافل مابین بوشهر و شیراز به حالت سکون است و پستهٔ دولتی از ۱٤ ژانویه [۲۳ دی ؛ ۹ ذیحجه] تاکنون موفق به‌عبور نشده . در راه از طهران به یزد هم همینطور اغتشاشات سخت وجود دارد ویك دسته سارقین قوی در نائین راه عبور و مرور را بر عموم مسدود داشته‌اند در طرف مشرق هم سرقت سختی مابین نصرت‌آبادو بیرجند بوقوع رسیده پسته را زده‌اند. مشیرالدوله نیز مرا اطلاع داده که در حوالی خرم‌آباد اغتشاش سختی بظهور رسیده الوار حاکم محلی را در قلعهٔ افلاك محاصره نموده‌اند .

(امضا) چارلس م . مارلینگ

نمره ــ ۱۰۷

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصلهٔ ۱۳ آوریل)

طهران ۲٦ مارس ۱۹۰۸

[٦فروردین ۱۲۸۷؛ ۲۳صفر ۱۳۲٦]

در باب سوء قصد نسبت به شاه که در ۲۸ ماه گذشته بعمل آمد گمان می‌کنم تفصیلی که ذیلا از بابت وقوع آن نگاشته شده اساساً صحت داشته‌باشد.

اعلیحضرت شاه از درب مشرقی قصر در کالسکهٔ شش اسبه بیرون آمده در جلو آن کالسکهٔ دیگری و یك اتومبیل سرباز و رانندهٔ آن شخص فرانسوی بود. در جلو آنها عده‌ای‌از مستحفظین قصر بودند. بعضی از آنها در جلو کالسکه و اتومبیل می‌رفتند و امیربهادر و مسیو شاپشال همراه کالسکه بودند که شاه‌در آن نشسته و خوب او را محافظت می‌نمودند . ازقرار معلوم اتومبیل‌چی وقتی که از کوچه باریك که تا خانهٔ مسیو رابینو چند ذرعی مسافت داشته عبور می‌کرده شخصی را دیده است که از یك کوچه‌ای بیرون آمده چیزی که با پارچه روی آن را پوشانیده بوده در دست داشته وتا اندازه‌ای اورا خوف و وحشت احتمال وقوع حمله بر شاه فرا گرفته و علیهذا فوراً بسرعت اتومبیل را رانده به امید آنکه از محل انفجار نارنجك دور شود. شخصی‌که خیال کشتن را داشت هم بایستی خود راباخته باشد چونکه نارنجك قبل از آنکه به اتومبیل برسد بمسافتی در عقب اتومیل‌چی به زمین خورده صدمه به او وارد نیامده بدون آسیب از محلی که نشسته بود به یك طرف انداخته شد. به اتومبیل هم اندازه‌ای صدمه وارد آمد.یك تخته بدنهٔ آن خرد

[شد] و سرپوش آن هم سوراخ بزرگی پیدا کرد. لحظه‌ای بعد نارنجك دیگری انداخته شد، این دفعه مابین اتومبیل و کالسکهٔ اول به زمین خورده و از انفجار آن یکی از اسبهای جلوی مقتول و دیگری مجروح گردید. در همانوقت از بالای بامهای مسطح خانه‌های نزدیك شلیك شد. دونفر از این نارنجك مقتول و هفت یا هشت نفر مجروح شدند. همراهان شاه از این واقعه مضطرب‌الحال گردیده امیربهادر جنگ و مسیو شاپشال خود را فوراً به محل انفجار رسانیده شاه را تا چند دقیقه تنها گذاردند و هردوی اینهارولورهای خود را بیرون آورده بر اشخاصی که بالای بامها بودند خالی نمودند . ولی مسیو شاپشال از قرار تقریر خودش آنقدر مضطرب گردیده بود که با آنکه حتی یك تیر هم در حقیقت از رولور خود خالی نکرده بود تصور می‌کرده است که برآنها شلیك می‌کرده . سپس او و امیربهادر جنگ دریافتند که شاه بلامحافظ مانده و به عجلهٔ تمام مراجعت نمودند که شاه را از کالسکهٔ خود بیرون آورند و کوشش نموده شاه را بطرف خانه‌ای که نزدیك آنجا بود هدایت نموده چون درب آن را بسته دیدند از وسط کوچه عبور کرده بطرف خانهٔ کالسکه‌چی‌باشی شاه رفته ورود به آنجا نمودند.
شاه در آن لحظه آرام بود و یك گیلاس آب خواست ولی همینکه به‌او اظهار شد شاید آبی‌که برای او می‌آورند سمی‌باشد راضی شد که منتظر ورود آبدار خودبشود. پس از آن خواست از آن خانه بیرون رفته بطرف قصر برود ولی همینکه از خانه بیرون آمددوسه تیر مجدداً خالی شده و یکی از آنها از قرار مذکور به دیوار قرب آنجا فرود آمد . اعلیحضرت‌شاه پس از آن تفنگ یکی از مستحفظین بختیاری را که آنجا ایستاده بود گرفته خواست به حمله‌کنندگان شلیك کند ولی مسیو شاپشال و امیر بهادر جنگ او را از این کار منع‌نمودند، بدون ملاحظهٔ رسمیت او را بطرف پناهگاه سوق دادند . همینکه به خانه وارد شد اعلیحضرت تا چنددقیقه‌بی‌اندازه متغیر و غضبناك شده فرمان داد که تمام‌خانه‌های‌آن محله را کوبیده و ساکنین آن‌را بقتل رسانند ولی غضب او بزودی فرو نشسته وتا شلیك موقوف شد پیاده بطرف قصر روان گردیده مردم در راه با شوق و ذوق تمام اورا تبریك و تهنیت می‌گفتند .

این‌مسئله قدری اسباب تشویش خیال است که گارد امیربهادر جنگ بمجرد آنکه از حمله به شاه آگاه گردیدند فوراً شروع‌به غارت عابرین وچپاول خانه‌های مجاور نموده‌حتی‌دو اسب واگون را هم دزدیدند فردا صبح آن روز آنها را مسترد داشتند. چیزی که محل‌تأسف است این است‌که باوجود آنکه عموم مردم پس از استخلاص شاه از این تهلکه او را تبریك گفتند احساسات اهالی پایتخت و اکثر ایالات و ولایات تأسف دارد از اینکه چرا نتیجهٔ مطلوبه بدست نیامد.

روز بعد چند نفر را دستگیر نمودند واز قراری که برهمه معلوم شد مرتکبین واقعی بدست نیامدند و در حقیقت کوشش فوق‌العاده ظاهراً برای کشف آنها بعمل نیامد چراکه تا چند روز پس از این واقعه اقدامی نشد و آنوقت اولیاء امور در صدد برآمده ظاهراً اقدام نموده درب خانه‌ای را که مقفل بود و نارنجك‌دومی از آنجا انداخته شده‌بود جبراً گشودند و آنقدر در این کاربی‌اعتنائی شد که شاه مجبوراً دستخطی برای مجلس فرستاد که دولت

را وادار به اجرای اعمال خود نمایند. نارنجکها کوچك و ازآهن ریخته نازك ساخته شده بودند و این خود دلیلی است برای آنکه منشاء آن از خارجه بوده چون اهالی این مملکت از ریخته‌گری وقو فی ندارند . درباب محرکین این حمله اخبار مختلف شیوع دارد. اول شخصی که ظن در حق او برده شدظل‌السلطان بود. پنجره‌های عمارت اندرونی این شاهزاده در بالای محل وقوع این حادثه می‌باشد . بعد ازآن انجمن آذربایجان به‌این عمل متهم گردید فقط بهمین دلیل که از زمان بحران ماه دسامبر اهالی تبریز بیش از سایر نقاط با شاه طرف بودند . در اواخر ماه قتل قوام الملك و حمله‌ای که به‌قصدقتل پسرش‌در شیراز بوقوع رسید انظار عامه را بطرف خود معطوف داشته ولی اختلال حواس عامه بزودی برطرف شده و فعلا هیچ احتمال نمی‌رود که اقدامات سختی برای تفتیش وتحقیق مسئله که منتج به نتیجه شود بعمل آید.

ازقرار معلوم نارنجکی که صبح روز بعد از حمله انداخته شد حمله کنندگان به عجله مخفی داشتند و سپس دو نفر از نوکرهای صاحب اختیار که خاکرو به می‌بردندآن‌را پیدا کردند.

نمره ــ ۱۰۸

مکتوب مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصلهٔ ۱۳ آوریل)

طهران ۲۶ مارس ۱۹۰۸

[۶ فروردین ۱۲۸۷ ؛ ۲۳ صفر ۱۳۲۶]

آقا

افتخاراً سواد نوت متحدالمالی که سفیر روس ومن در خصوص امکان وقوع تغییر در ادارهٔ حالیهٔ گمرکات ایران به دولت عرضه داشته‌ام بانضمام سواد جوابی که از وزیر امور خارجه برای من رسیده انفاد می‌دارم .

جواب آنطوری که می‌خواستیم موافق دلخواه نیست، در جواب مذکور است که راپورت وقوع تغییر بی‌اساس است ولی بهیچوجه از حیث آنکه به همین تردیکی تغییری در آن داده نخواهد شد اطمینان بخش نیست . نظر به‌اطمینانات شفاهی که مشیرالدوله به‌من و مسیو دوهارت ویك داده که دولت قصد اخراج مستخدمین بلژیکی را نداردلازم نمی‌دانم که برای اطمینان واضح‌تر کتبی فشار وارد آورم.

(امضا) چارلس م . مارلینگ

ملفوفهٔ ۱ در نمرهٔ ۱۰۸

نوت متحدالمال روس و انگلیس به مشیرالدوله

طهران ، ۶مارس ۱۹۰۸

[۱۶ اسفند ۱۲۸۶ ؛ ۳صفر ۱۳۲۶]

جنابا اگر چه دولت ایران سابقاً به این سفارت اطمینان کامل داده بودند که در طریقهٔ اداره نمودن گمرکات تغییری داده نخواهد شد از قرار راپورتهایی که حالا شیوع دارد

معلوم است دولت در خیال بعضی تغییرات در ادارهٔ مذکور می‌باشند. بنابراین محترماً از جنابعالی استدعا می‌کنم که اطمینان سابق خود را تجدید نموده و هرگاه این راپورت از صحت خالی باشد آن را تکذیب فرمایید. (امضا) چارلس‌م. مارلینگ

ملفوفهٔ ۲ در نمرهٔ ۱۰۸

ترجمهٔ مکتوب مشیرالدوله به مستر مارلینگ

۱۹مارس۱۹۰۸
[۲۹ اسفند ۱۲۸٦؛ ۱٦صفر ۱۳۲٦]

در جواب مراسلهٔ ٦ شهر جاری که در خصوص تغییر در اوضاع گمرکات استفسار فرموده بودید افتخاراً اظهار می‌دارم که اقدامی برای تغییر وضع گمرکات نشده و این خبر بی‌اساس است. (امضا) مشیرالدوله

ملفوف نمره ۱۰۹[1]

خلاصهٔ وقایع ایران در ظرف چهار هفته لغایت ۲۷ مارس ۱۹۰۸ [۷ فروردین ۱۲۸۷ ؛ ۲٤ صفر ۱۳۲٦]

طهران

مجلس ملی: کابینهٔ وزراء که مجدداً بطریق ذیل تشکیل گردیده در ۲۹ فوریه [۱۰ اسفند ۱۲۸٦ ؛ ۲٦ محرم ۱۳۲٦] به مجلس آمدند .

وزیر داخله و صدراعظم	نظام‌السلطنه
وزیر عدلیه	مؤیدالسلطنه
وزیر مالیه	صنیع‌الدوله
وزیر امورخارجه	مشیرالدوله
وزیر جنگ	ظفرالسلطنه
وزیرتجارت و گمرك	مؤتمن‌الملك
وزیر معارف	مخبرالسلطنه

حکام جدید

تغییرعمده که داده شده تعیین ظل‌السلطان به فرمانفرمایی فارس است و شاهزادهٔ مذکور در ۲۰ شهر جاری بطرف شیراز رهسپار گردید. علاءالملك به حکومت اصفهان تعیین شده و سردار معتضد (بهجت‌الملك) بطرف کرمان حرکت نموده است . ظهیرالدوله رئیس مشهور هیئت اخوت دراویش که سابقاً حاکم کرمانشاه بود به حکومت رشت تعیین گردیده است . (امضا) جی.پی.چرچیل
سکرتری شرقی

---

۱) بهمین‌گونه است در متن اصلی و نامه نمره ۱۰۹ چاپ نشده‌است.ــم.

تبریز

در عرض ماه فوریه شهر تبریز نسبتاً آرام بود. مأمورین محلی از قرار معلوم دست بالا را گرفته‌و توانسته‌اند به کار خود بپردازند. اوامر آنها مجری و پلیس در کوچه‌ها گشت‌و گذارمی‌نمود.

استراباد

از قراریکه آژانس انگلیس راپورت داده سپهدار (وزیر تلگراف) حاکم استرآباداقدامات مجدانه برای منظم داشتن ترکمنهای غیر منقاد آن سامان بکار برده است .

رشت

ویس‌قنسول اعلیحضرتی در مراسلهٔ دهم مارس خود می‌نویسد که محتشم‌الملك وسردار همایون که کفالت حکومت به عهدهٔ آنها است هردو استعفا نموده‌اند. انجمنهای پلتیکی جدید هرروز تشکیل و تجارت موقوف شده است . شبها شهرناامن است و به مردم حمله می‌شود و دکانها به غارت می‌رود.

کرمان

در اوائل فوریه چهار نفر در رفسنجان داخل خانه گبری شده و پس‌ازآنکه از دکانش معادل هزار و پانصدتومان وجه نقد و اجناس غارت نمودند براو با رولور شلیك کرده به خیال اینکه مرده است او را به حال خود باقی گذاردند. شخص گبر پس از چند ساعت‌خودرابه خانهٔ یکی از رفقایش رسانیده و چون گلوله به گلویش خورده بود و نمی‌توانست صحبت کند شرح ماوقع را نوشت. شخص مجروح رابه کرمان آوردند و معلوم شد که شش گلوله به گلو و آرواره‌اش خورده بود. امید چنان می‌رود که بهبودی حاصل نماید . در این تازگی مردم رجاله با گبرهای بم و کرمان بدرفتاری می‌کنند. آنها از قنسول اعلیحضرتی استدعای حفظ خود رانمودند و مشارالیه از نایب‌الحکومه وعده گرفت که آنچه بتواند در منع بدرفتاری ایشان اقدام نماید.درماه فوریه کرمان به حال مغشوش باقی بود و [به دنبال] مراجعت عدیل‌الملك که به حکومت اصفهان معین شد سردار معتضد به جای او منصوب شده‌است. تعیین او موافق میل عموم نبود و این باعث بستن بازارها شد.

چند نفر سارقین سواره در چند میلی مالوم در ۱۵ فوریه به دو تاجر هندو زده معادل هزارو پانصد تومان‌اجناس آنها را بردند . سارقین کبوترخان را که منزل دوم راه یزد است اخیراً غارت نموده و اسبهای پستی را سرقت کرده‌اند.

کرمانشاه

در هفتهٔ اول مارس ورود سیداکبر که یکی از ملاهای ارتجاعی طهران است باعث‌قدری اغتشاش گردید . کفیل حکومت اعادهٔ نظم نموده و سید مزبور را برحسب امر

طهران تبعید به کربلا کردند.

بواسطهٔ نزاع مابین نایب‌الحکومه‌های منصورالملك ، حاکم موروثی ، ناحیهٔ گوران تازگی در حال اغتشاش است. فاتح‌السلطنه، داماد شاهزاده سالارالدوله ، اخیراً به شهر خرم‌آباد حمله نموده آن‌را قبضه و تمام مایملك حکومت را غارت کرده . حاکم در خانهٔ مجتهد بزرگ آنجا پناهنده گردید . حاکم لرستان برادرزادهٔ نظام‌السلطنه صدراعظم حالیه است.

شیراز

صاحب اختیار فرمانفرمای فارس در ۸ فوریه [۱۸بهمن؛ ٥ محرم] به محل اقامت خود رسید و در ضمن ملاقات با قنسول اعلیحضرتی اظهار داشت گمان می‌کند مراجعت قوام‌الملك به شیراز اسباب اغتشاش خواهد بود . قوام در ۲۰ فوریه [یکم اسفند ؛ ۱٦ محرم] از طهران ورود نمود. در ۷ مارس [۱۷ اسفند ؛ ٤صفر] بر قوام در حیاط عمارت خودش شلیك شده پنج گلوله به او خورده گلولهٔ ششم یکی ازنوکران را که در استخلاص آقای خودش کوشش کرده بود مقتول نمود. قوام پس از بیست دقیقه وفات‌نمود. شخص قاتل سپس بر شکم خود تیرخالی نموده ولی دستگیر و محبوس گردید. مستر گریهم [گراهم] همین که از واقعه مستحضر شد به خانهٔ قوام رفت . دو پسران قوام [سالارالسلطان و نصرالدوله] اطلاع دادند که قاتل، شخصی نعمت‌الله نام، اخیراً کالسکه‌چی ومستخدم معتمد دیوان بوده و تهدید به این نمودند که از معتمد دیوان که‌بانی این جنایت تصور می‌شد انتقام کشیده و قطعه کاغذی که می گفتند از جیب قاتل در آورده بودند ابراز داشته برروی آن نوشته بود قاتل نصرالدوله و اظهار داشتند ما می‌دانیم این خط کی است . مستر گریهم از آنها استدعا نمود نگذارند همراهانشان اقدامات متعدیانه بنمایند . شخص قاتل چند ساعت بعد مردو از قراری که پسران قوام اظهار داشتند قبل از مرگ اعتراف کرد براینکه معتمد دیوان و سید لاری اغوای به قتل او نموده بودند. مستر گریهم پس از آن از فرمانفرما که بی‌اندازه مضطرب و باقوت تمام ازپسران‌قوام طرفداری می‌نمود ملاقات کرد. روز دیگر مستر گریهم مجدداً از او ملاقات کرد و اغتشاش حواس او تا اندازه‌ای کمتر شده جناب معظم‌له معتمد دیوان را برای تحقیق و تفتیش به قصر احضار نمود و بهمراهی عدهٔ کثیری‌مستحفظ‌وقتی که‌هوا تاریك‌شدبه قصر آورده‌شد. روزنهم مارس ، در حالی که سالارالسلطان همراه جنازهٔ قوام بود تیری به‌رانش خورده و از قرار مذکور یکی از ملاهای بزرگ هم ازآن تیر زخمی شده ــ ملای مذکور همان‌روز وفات نمود ولی سالارالسلطان روبه بهبودی است. از قرار مذکور شخصی موسوم به سید احمد دستکی سرکردهٔ دسته‌ای که با قوام مخالف هستند تیر را خالی کرده ــ این شخص راپس‌از آنکه کشتند جسد او را به چوبی آویزان کرده‌نفط برآن‌ریختند و سوزانیدند و آنچه ازجسد او باقی ماند به خندق شهر ریخته شد. حالا محقق شده که آن سید تیر خالی نکرده بود. در همان روز قوامیها از فرمانفرما مطالبهٔ خون معتمد دیوان را نمودند ولی فرمانفرما جوابی به آنها داده سر آنها را پیچانید. روز دهم به‌آرامی گذشت و در ۱۱ مارس [۲۱ اسفند

۱۲۸۶؛ ۸ صفر ۱۳۲۶] عقائد عامه که ابتداء طرفدار سالارالسلطان بود برضد او شد.
ظل‌السلطان که به فرمانفرمایی فارس تعیین شده بود از طهران برای شیراز حرکت کرده الحال اوضاع اگر بدتر نباشد آثار و علائم بهبودی ازآن ظاهر نیست.
راه بوشهر پس از آنکه بواسطهٔ اغتشاشات مسدود بود دو مرتبه در ۱۷ فوریه [۲۷ بهمن ؛ ۱۴ محرم] باز شده پسته‌ها دفعهٔ دیگر بوقت ورود می‌کند.

خلیج فارس

بوشهر

چون نقشهٔ تأسیس بانك ملی پیشرفت ننمود وجوهات اعانه که سال گذشته از بوشهر جمع‌آوری شده و به طهران ارسال شده دو مرتبه به‌بوشهر فرستاده شده به اعانه دهندگان مرجوع گردید.
سفارت اعلیحضرتی اخیراً در باب تعدیات که رؤسای محلی راه بوشهر الی شیرازبه قاطردارانی که ایاب و ذهاب از آن راه می‌نمودند کرده بودند با دولت ایران مشغول مذاکره می‌باشند.

نمره ــ ۱۱۰

مراسلهٔ مستر مارلین [مارلینگ] به سر ادوارد گری (مورخهٔ ۲۷ مارس ۱۹۰۸ از طهران) [۸ فروردین ۱۲۸۷ ؛ ۲۵ صفر ۱۳۲۶]

آقا

هرچند که در این چهار هفتهٔ اخیر تغییر عمده به‌اوضاع عمومی روی نداده ولی متأسفانه آنچه را که هویداست روبه بدتری است نه به‌خوبی. از سوءقصدی که نسبت‌به شاه شد برخلاف نصایح بعضی از درباریهای مستبد شاه آرام بوده و روابط با مجلس بهتر از ایام دیگر بود. این تغییر سلوك نه بواسطهٔ تغییر حسیات اعلیحضرت شاه نسبت به مجلس است بلکه بیشتر بواسطهٔ نتیجهٔ سوءقصدی است که نسبت به شاه شده و شاید هم به شاه معلوم شده است که مجلس به اندازه‌ای بی‌اعتبار و طرف تنفر عموم واقع گردیده که ممکن است خود به اجل طبیعی از دنیا رحلت نماید. نفوذ و اعتبارات مجلس بواسطهٔ عدم‌لیاقت خود و همچنین بواسطهٔ بعضی اقدامات غیر مصلحت‌آمیز رئیس برای تسهیل امورات اتصالا رو به اضمحلال است . رئیس مجلس‌بعلاوهٔاینکه کلیه امورات را مخفیانه درکمیسیونها می‌گذراند اصل جلسات خود مجلس راهم سری کرده، به این ترتیب که درهرجلسه[1] یك‌جلسه آن سری‌است و بعلاوه قوانین برای محدود نمودن دخول عموم طبقات مردم به مجلس وضع نموده است . چونکه احتشام‌السلطنه نفوذ کاملی بین وکلاء دارد این ترتیب سری نمودن مجلس باعث سوءظن عموم نسبت به او شده و مردم دیگر گمان نمی‌کنند که او شخص وطن‌پرستی است بلکه عقیدهٔ مردم براین است‌که او یا برای منافع شاه‌و یا برای منافع شخصی

۱) بهمین‌گونه است در اصل.ــم.

خودمشغول کاراست. به علل فوق‌الذکر توجه و محبت مردم نسبت به احتشام‌السلطنه بی‌اندازه کم شده است و در چند روز قبل ظن قوی برده می‌شد که او را مجبور به‌استعفاء نمایند. اتفاقی که‌ممکن است نتیجهٔ مؤثری به اوضاع طهران روی بدهد خارج شدن ظل‌السلطان بواسطهٔ انتخاب او به حکومت فارس است. شاه اعتمادی به او ندارد و خیلی مایل بود که دفع این خویش خطرناك خود را بنماید و اصرار به‌او نمود که مسافرتی به اروپا نماید. ظل‌السلطان هم مصمم به حرکت اروپا شده بود به دلیل اینکه از سفیر روس تقاضا نموده بود که کشتی جنگی برای مسافرت او از انزلی به پروسك معین گردد. و همچنین از من هم ملاقاتی نموده و اطلاع داد که به همین زودیها حرکت خواهد نمود. لیکن روز بعد خبر به من رسید که ظل‌السلطان تغییر خیال داده و از ایران خارج نخواهد شد و پس‌از اینکه خبر تعیین او به جای صاحب اختیار شیوع پیدا نمود علت این تغییر خیال‌واضح گردید.

اغتشاشی که بعد از قتل قوام‌الملك در شیراز روی داد مبرهن ساخت که صاحب اختیار قادر به حکومت آن شهر نیست . حاکم در واقع خود را بکلی گم کرده و گمان می‌کنم که پس از مطالعهٔ راپورتی راکه در جزو حوادث ماهانهٔ ایران مندرج است جای‌تردیدبرای انسان باقی نخواهد بودکه فقط بواسطهٔ تدبیر و جدیت مستر گریهم [قنسول اعلیحضرتی] و نفوذ شخصی او در شهربود که جلوگیری از جنگ سختی در شهر بعمل آمد. در موقع خاموش‌تری ممکن است که صاحب اختیار بخوبی حکومت نماید ولی چونکه او جبون است و همچنین وجوهات برای تهیهٔ استعدادی که دولت نتوانسته است برای او اعزام دارد ندارد لهذا من گمان نمودم که برحسب خواهش او از سفارتین [کمك‌به‌برقراری خود در حکومت] رفتار ننموده و فقط به دولت ایران تأکید نمودم که قدامات برای استقرار انتظام بنمایند.

در هر صورت ظل‌السلطان دارای بعضی صفاتی است‌که در صاحب اختیار نیست .اولا او خیلی متمول است و یقیناً می‌تواند از دهات خود در اصفهان آنقدر استعداد فراهم نماید که بتواند اقتدارات خود را محفوظ نماید و بعلاوه او مشهور به حاکم مقتدری است. از راپورت خلاصهٔ اتفاقات واضح می‌شود که هرچند که اغتشاشات مهمی روی نداده است ولی هرج‌و مرج خاموشی در جریان و هیچ آثار هویدا نیست که حکومت مرکزی بتواند اقتدارات خود را بهتر از سابق مجری دارد.

(امضا) مارلین [مارلینگ]

نمره ـ ۱۱۱

مراسلهٔ مستر مارلین [مارلینگ]به سر ادواردگری

مورخهٔ ۲۳ آوریل [۳اردیبهشت؛۱۴۲۱ع] از طهران

آقا

افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفتهٔ اخیر در ایران بانضمام مختصر شرحی

از صورت جلسات مجلس شورای ملی ایران بطور معموله لفاً ارسال دارم.

(امضا) مارلین [مارلینگ]

ملفوف نمرهٔ ۱۱۱
وقایع ماهیانهٔ ایران

مجلس ملی . پس از اینکه احتشام‌السلطنه مجبوراً استعفاء نمود مخبرالسلطنه به ریاست مجلس انتخاب گردید. لیکن او این مقام را قبول ننموده و در چهارم ماه آوریل ممتاز‌الدوله به ریاست مجلس انتخاب گردید . رئیس جدید مجلس برادر سفیر ایران مقیم پاریس است ودرموقعیکه شاهزاده عین‌الدوله در سال ۱۹۰۴ و۱۹۰۵ [۸۴ـ۱۲۸۳، ۲۳ـ۱۳۲۲] صدراعظم‌بود ممتازالدوله منشی‌شخصی ایشان بودند. ممتازالدوله‌زبان فرانسه راخوب‌می‌داند وچندمدت هم دروزارت خارجه بوده‌و وکلای‌آذربایجان اورا به‌ریاست انتخاب نموده‌اند وعلت آنهم این بود که وکلای مزبور مایل نبودند که رئیس مجلس شخص مستقل‌الرأی باشد و سبب تنفر ازاحتشام‌السلطنه هم‌بهمین‌دلیل بود.ذکاءالملك‌حتی پیشنهادنمود که‌هرسه‌ماه یکدفعه رئیس انتخاب گردد. لیکن در اینخصوص رأی در مجلس گرفته نشد.

اخبار عمومی. در ۳ماه آوریل احتشام‌السلطنه بی‌خبر بطرف اروپا حرکت نمود .

اشخاصی که متهم به قتل تاجر پارسی موسوم به ارباب فریدون هستند چندوقت‌است‌که در محاکم عدلیه محاکمه می‌شوند. مجلس محاکمه عمومی است و راپورت محاکمه در روزنامهٔ مخصوصی که اسم آن «محاکمات» است‌مشروحاً نگاشته می‌شود. بعضی از محبوسین اقرار به قتل نموده‌اند و خوب واضح است که مقصود آنها دزدی بوده و بهیچوجه مقصود سیاسی بطوریکه بدواً گمان برده می‌شد در نظر نداشتند. حکم بالاخره با یکی از مجتهدین خواهد بود. ظل‌السلطان پس از اینکه دوهفته در اصفهان توقف نمود حالا بطور تفنن بسمت شیراز رهسپار است. وزراء همان اشخاصی هستند که در ماه گذشته ذکر شد.

(امضا) چرچیل

تبریز

در ماه مارس تبریز و اطراف خاموش بود. در خود شهر رئیس نظمیه که یکی از اعضای مهم انجمن است تشکیل استعداد پلیسی داده پلیسهای مذکور که دارای ملبوس فاخر و هرکدام حامل یك تفنگ و پنجاه فشنگ هستند شب و روز در کوچه‌ها مشغول خدمت واز طرف دولت ماهی سه‌هزار و سیصد تومان برای مخارج آنها داده می‌شود.

ناحیهٔ اردبیل در ماه مارس مغشوش بود. ایل شاهسون دهات را غارت نموده دسته‌ای ازآنهابه شهر اردبیل تاخت و تاز نموده تقریباً پنجاه‌خانه را غارت و عده‌ای از صاحبان آنها را مقتول‌نموده‌اند. حاکم آنجا رشیدالملك بطرف تبریز فرار نمود.

www.adabestanekave.com

قم

نمایشی از طرف اهالی برعلیه راهداری که کمپانی لینچ در راه قم بسلطان‌آباد قرار داده روی‌داد اهالی شهرراهدارخانهٔ بیرون شهر قم‌را خراب نمودند. سفارت‌اعلیحضرتی‌در اینخصوص‌با سید عبدالله مجتهد مذاکره نموده ایشان تلگراف‌سختی‌به‌علمای قم‌کرده آنهارا از این حرکت سرزنش نمودند و بعلاوه به آنها فهمانیدند که کمپانی لینچ‌موافق‌قراردادی که با دولت بسته است اقدام می‌نماید.

استراباد

حکومت جدیت فوق‌العاده بکار برده و از قرار معلوم ایل ترکمن را خاموش نموده است.

مشهد

به حال آرامی باقی است ولی در ایالت قتل رو به ازدیاد است. در هفتهٔ گذشته، دوم‌ماه آوریل ، اغتشاش مهمی در انجمن محلی روی داد. بنابر تحریك بعضی از اعضاء انجمن ، سربازها به بهانهٔ نرسیدن حقوق، یکی از اعضای انجمن راکه معروف به اصلاح‌طلبی است سخت کتك زده‌اند . از قرار معلوم این شخص اصرار به تجدید انتخابات بروفق ترتیب صحیحی داشته ولی سایر اعضای حالیهٔ انجمن مایل بودند که دومرتبه انتخاب گردند.

اصفهان

ظل‌السلطان در بین مسافرت خود بسمت شیراز در ۲٤ ماه مارس [٤ فروردین ؛ ۲۱ صفر] به اصفهان وارد شد. پس از اینکه بیش از بیست وچهار روز دراصفهان توقف نمود نمایش برضداودر شهرواقع گردید. سربازان‌وسایرین‌براشخاصی که‌در این نمایش شرکت داشتند حمله برده و مقداری هم غارت نمودند . بالاخره ظل‌السلطان در ۱۸ماه آوریل [۲۹ فروردین ۱۲۸۷ ؛ ۱٦ ع ۱ ــ ۱۳۲٦] به شیراز راهسپار گردید.

کرمانشاهان

راپورتی به طهران رسید که نایب‌الحکومهٔ کرمانشاه بعضی اشخاص را بدون محاکمهٔ صحیح حکم به قتل داده است. در ۳۱ این ماه در این خصوص از وزیر داخله در مجلس استیضاح شد. وزیر داخله جواب داد که بمحض وصول این خبر او به نایب‌الحکومه حکم نموده است که به طهران برای محاکمه حاضر شود.

شیراز

از تاریخ اواسط ماه مارس شیراز فوق‌العاده آرام است. برای خیلی اشخاص محترم کاغذهای تهدیدآمیز رسیده است ولی راپورت هیچ نوع اقدام‌غیرقانونی داده نشده . هرچند که بازارها بازند ولی تجارت نمی‌شود . خبر تعیین‌ظل‌السلطان به حکومت فارس

از طرف عموم طبقات مردم بخوبی پذیرفته گردید.

درماه مارس سه سرقت در راه بوشهر روی داد و بموجب راپورتهای واصله مستحفظین راه از مسافرین جبراً اخذ وجوهات می‌نمایند. یك دزدی در راه اصفهان مابین شیراز و زرکان [=زرقان] اتفاق افتاد.

بندرعباس

مجدداً راههای کاروان در اواخر ماه فوریه مغشوش ودوبار الاغ که متعلق‌به مستحفظین قنسولخانهٔ‌کرمان بود در نزدیکی باغو بسرقت برده شد. قنسول اعلیحضرتی اقدامات برای استرداد اموال مسروقه نموده است.

(امضا) ماژور استکس

نمره ــ ۱۱۲

مراسلهٔ مستر مارلینگ به سر ادواردگری (مورخهٔ ۲٤ ماه آوریل ۱۹۰۸ [٤ اردیبهشت ۱۲۸۷ ؛ ۲۲ ع ۱ ــ ۱۳۲٦] از طهران)

(آقا) هر چند که از راپورت ماهیانه ظاهر است که اوضاع عمومی کلیـهٔ ایران قدری خاموش‌تر است ولی‌در پایتخت کلیهٔ آثار و علایم خوب آشکار می‌سازد که بهیچوجه تخفیفی در شدت زدوخورد مابین شاه و انجمن حاصل نگردیده‌است. در اینموقع من مخصوصاً انجمنها را اسم می‌برم بواسطهٔ اینکه دخالت مجلس در این زد و خورد اخیر (که باز هم مغلوبیت با شاه بود) خیلی کم بود وزراء هم جز اینکه در مدت ٤۸ ساعـت استعفا نموده و مجدداً استعفای خود را پس گرفتند کار دیگر ننمودند.

مسئلهٔ متنازع فیه این بود که آیا حاکم و رئیس نظمیه قانوناً حق این را داشتند که بدون حکم وزیر عدلیه اشخاصی را که مظنون به سوء قصد نسبت به شاه بوده دستگیر نمایند.

زویهم رفته جواب منفی است ولی به ملاحظهٔ ارتباط این مسئله به شخص شاه ممکن بود که انجمنها از غیرقانونی بودن این مسئله صرف نظر نمایند.

امید بهبودی در اوضاع نیست و انجمنها از قدرت خود استفاده نموده در تمـام ادارات دولتی مداخله‌می‌نمایند و بواسطهٔ عدم بصیرت و سوءظن اکثر رؤسای آنها دخالت آنها در امورات کار دولت را بسیار دشوار می‌نماید.

(امضا) مارلین [مارلینگ]

نمره ــ ۱۱۳

مراسلهٔ مسترمارلین [مارلینگ] به سرادواردگری (مورخهٔ ۳۰ ماه آوریل ۱۹۰۸ [۱۰ اردیبهشت ۱۲۸۷ ؛ ۲۸ع۱ ــ ۱۳۲٦] از طهران)

(آقا) در روز شنبه ۲۵ ماه ، وزیر مالیه بدون اینکه قبلا از خیال خود کسی را مطلع سازد بودجهٔ خود را به مجلس پیشنهاد نمود. درضمن نطقی که وزیر مالیه درموقع پیشنهاد بودجه نمود اظهار کرد که در خصوص ازدیاد مالیه گمرکی به چای و قند وارده به مملکت، او با نمایندگان دولتین روس و انگلیس مذاکره نمودهو تایك اندازه امیدوار است که دولتین مذکورتین ضدیتی در تغییر این تعرفهٔ گمرکی نخواهند نمود. مسیو بیزو مثل سایر اشخاص دیگر اطلاع داشت که صنیع‌الدوله مدتها مشغول تهیهٔ نقشه‌ای برای اصلاحات مالیه بود که اساس آن نقشه مبنی برازدیاد مالیات گمرکی بر قند و چای می‌نمود ولی تا ساعت سه بعدازظهر روز شنبه مسیو بیزو ابداً گمان نمی‌کرد که نقشهٔ معینی ترتیب داده شده است و در آنوقت وزیر مالیه به او اطلاع داد که او می‌خواهد الساعه به مجلس رفته وبودجه‌را پیشنهاد نماید. در هرصورت با مسیو بیزو ابداً مشورتی درخصوص ترتیب بودجهٔ مزبور نشده بود و حتی سوادی هم از بودجه به‌او داده نشده بود.

وزیر مختار فرانسه از سفیر روس و من خواهش نمود که مسیو بیزو را ملاقات نموده واز اطلاعاتی که او پس از یك‌ماه توقف در ایران از اوضاع مالیهٔ مملکتی حاصل نموده مستحضر شویم . برای همین مقصود ما در ۲۸ ماه در سفارت فرانسه رفته و از تقریرات مسیو بیزو در خصوص اوضاع کلیهٔ مالیات ایران من فقرات ذیل را استنباط نمودم.

هیچ نوع محل عایدی برای دولت ایران باقی نمانده و همه‌روزه عدهٔ کثیری از طلبکاران که اغلب آنها اربابان حقوقند وزارت مالیه را محاصره می‌نمایند. وزارت مالیه هم بدون اینکه به‌اسناد طلبکاران رسیدگی نماید و برای اینکه خود را از زحمت آنها خلاص نماید اتصالا حواله به ادارهٔ گمرك می‌دهد. ادارهٔ گمرك هم بواسطهٔ نبودن وجوهات همیشه دچار زحمت این اشخاص است.

عقیدهٔ عموم برآن است که دیر یا زود یك استقراض خارجی بشود و اول خرج عمده پرداخت حقوق اربابان حقوق است. پس از ورود مسیو بیزو یأس فوق‌العاده به بعضی اشخاص روی داد . بجهت اینکه آنها گمان می‌نمودند که بمحض ورود او میلیونها پول از جیب او بیرون خواهد آمد و پس از اینکه او اظهار نمود که دولت ایران نمی‌تواند به‌این زودیها قرض فوق‌العاده بنماید مردم گمان نمی‌کردند که او از روی حقیقت بیان می‌نماید. بواسطهٔ اینکه اگر چه قرض کلی نبود کلی می‌نمود. ابتدائی که او شروع به‌کار نمود برای او تحصیل اطلاعات غیرممکن بود لکن در این ایام اخیر کسب اطلاعات برای او قدری‌سهل‌تر شده‌است هرچند که ایرانیها عموماًووزارت مالیه خصوصاً سعی کاملی دارند که او مربوط با اشخاصی نشود که بتوسط آن شخص کمکی حاصل نموده و یا اینکه او به آنها نصیحت خیر اندیشانه نماید (مقصود از این‌اشخاص‌مثلا اعضای کمیسیون قوانین مالیهٔ مجلس) .

ناصرالملك در پاریس به او اطلاع داده بود که اینطور با او رفتار خواهد شد و تمام اقدامات او را به شکل دیگری تغییر [تعبیر ؟] خواهد نمود و به مسیو بیزو گفته بود که اگر او پیشنهاد مالیه می‌نماید بهتر آن است که سوادی از او را هم به‌مجلس بفرستد.تمام‌این صحیح بوده است و در خصوص بودجه هم ابداً از او مشورتی کرده نشده

است و تا عصر روز شنبه که وزیر مالیه بطور اختصار او را از مواد بودجه مستحضر ساخت او بهیچوجه‌ازطرح بودجه اطلاعی نداشت. پس از مذاکرات طولانی نتیجه اینطور گرفته شد که برای اینکه دولت ایران مقام مسیو بیزو را بیهوده فرض ننماید بهتر آن است که سفیر روس‌و فرانسه و من به وزیر امور خارجه اطلاع بدهیم که برای دولت ایران ابداً مثمر ثمری نخواهد بود که بدون مشورت با مستشارمالیه درخصوص تغییر تعرفهٔ گمرکی پیشنهادی به دولتین روس وانگلیس نماید.

بنابراین در روز پذیرایی معموله که ۲۹ ماه بود من به مشیرالدوله اظهار نمودم‌که از طرف سفارت اعلیحضرتی تا به حال نه به صنیع‌الدوله و نه به هیچ وزیر ایرانی فهمانیده نشده است که دولت اعلیحضرتی قبول ازدیاد هیچ‌نوع مالیات گمرکی را خواهد نمود و همچنین تاکنون من همیشه احتیاط کرده و اظهار نموده‌ام که از عقیدهٔ دوم اعلیحضرتی در این خصوص ابداً اطلاعی ندارم.

وبعلاوه من اطمینان کامل دارم که دولت اعلیحضرتی هیچ پیشنهادی را قابل ملاحظه نخواهد دانست درصورتی که طرح آن با کمك مستشار مالیه ریخته نشده باشد، واینکه صنیع‌الدوله در مجلس اظهار داشته بود که دولتین حاضر به این تغییر هستند بی‌اصل بوده است.

مشیرالدوله در جواب اظهار نمود که او از این مطلب بخوبی آگاه و مکرر به صنیع‌الدوله گفته است که نباید پیش از تحصیل رضایت دولتین به تغییر تعرفهٔ گمرکی پیشنهادی در اینخصوص به مجلس بنمایی. لیکن صنیع‌الدوله طوری از اطلاعات مالیهٔ خود راضی و بقدری مایل به نیکنامی خود در مجلس است که ابداً وقعی به حرفهای ما نداده و بودجهٔ خود را پیشنهاد مجلس نمود و بهتر آن است که شما به صنیع‌الدوله شخصاًدر اینخصوص صحبت نمائید . هم سفیر فرانسه و هم سفیر روس در این خصوص در همان‌روز با وزیر امور خارجه صحبت نمودند.

روز بعدمن‌صنیع‌الدوله را ملاقات نموده و به ایشان اظهار نمودم درصورتیکه دولت اعلیحضرتی تا به حال هیچ عقیدهٔ خود را در خصوص اضافه کردن مالیات گمرکات اظهار ننموده و در صورتیکه جناب ایشان مطلعند از اینکه دولت اعلیحضرتی هیچ نوع پیشنهادی را قابل دقت نمی‌داند تا اینکه از مستشار مالیه در او مشورتی شده باشد چرا باید که ایشان پیشنهاد قطعی در اینخصوص به مجلس کرده باشند و بعلاوه به مجلس فهمانیده باشند که دولتین این اضافه مالیات را قبول خواهند نمود.

جناب ایشان در جواب اظهار داشته که گرفتاری مالیه به حدی است که دولت نمی‌تواند منتظر بشود تا اینکه مسیو بیزو اطلاعات کامل از اوضاع حاصل نماید و برای جلوگیری از خرابی مملکت جز اقدام فوری چارهٔ دیگر نبود. راجع به مطلبی که او در مجلس درخصوص ازدیاد مالیات گمرکی عنوان نموده بود صنیع‌الدوله اظهار داشت که اطمینان او از دوستی دولتین طوری زیاد بود که هیچ تصور قبول نکردن پیشنهاد را نمی‌کرد و بالاخره گفت که امید بهبودی به‌اوضاع به‌اندازه‌ای کم است و به‌اندازه‌ای او خسته از زدوخورد شده است‌که امروز صبح مصمم شده بود که استعفاء بدهد. من گفتم

یك چیزی که دولت اعلیحضرتی طالب است که ایران آرام و آباد باشد ولی اگر از ما تقاضای امتیازی بشود که برخلاف منافع تجارتی باشد ما حق خواهیم داشت که دقت نظری در آن بنماییم و برای این مقصود دولت اعلیحضرتی عقیدهٔ مستشار مالیهٔ خوددولت ایران را کافی می‌داند.

جناب وزیر اظهار داشتند که ایشان خیلی بیشتر ترجیح می‌دهند اگر دولت اعلیحضرتی خود شخصی راازلندن برای دقت در اوضاع مأمور نمایند.

اگر درهر مسئلهٔی لازم باشد که از مسیو بیزو در واقع مشورت کرده بشود آنوقت مسیو بیزو در واقع وزیر مالیه خواهد گردید وایران دیگر مسیونوز ثانی را لازم ندارد.

در جواب من اظهار داشتم که جناب شما از لزوم فوریت تحصیل منابع مالیه صحبت می‌داشتید در صورتی که اکنون مایل به آمدن یك متخصص مالیهٔ دیگری که او ناچار باید مجدداً شروع به تحصیل اطلاعاتی که مسیو بیزو در یك ماه گذشته نموده است بنماید هستید.

اگر مسیو بیزو آنقدری که لازم است تابحال از اوضاع مالیهٔ ایران اطلاع حاصل نکرده است تقصیر فقط با دولت ایران است که استنکاف از دادن اطلاعات ورزیده است.

نخواستن دولت ایران خدمتی از مستشار مالیه بعین مثل این می‌ماند که شخص مریضی طبیبی را طلبیده ولی از گوش کردن به معالجهٔ او امتناع می‌ورزد.

در خصوص اینکه مسیو بیزو یك موقعی به مقام اقتدارات مسیو نوز خواهد رسید من به ایشان اظهار نمودم که البته این مطلب را درك نموده‌اند که مسیو بیزو بهیچوجه دارای قوای اجرائیه نیست و مقام او فقط مقام شخص راهنمایی است. دولت ایران می‌تواند نصایح او را رد یا قبول نماید .

جناب وزیر مکرر در مکرر در خصوص فرستادن یك نفر مأمور مالیه از لندن و پطرزبورغ برای دقت در اوضاع مالیهٔ ایران صحبت داشته‌اند و من هم مکرر در جواب اظهار داشتم که این اقدام ممکن الوقوع نیست . من به جناب ایشان در خصوص استعفای خودشان اظهار داشتم که بهتر آن است تغییر خیالی بدهند بواسطهٔ اینکه تغییرات ــ علی‌الاتصال مابین وزراء باعث بهبودی به‌اوضاع نمی‌شود و بعلاوه برای نیکنامی شخص ایشان هم صحیح نیست که فوراً پس از پیشنهاد بودجهٔ خود به مجلس از وزارت استعفا نماید.

غیر لازم است که شرح مفصلی از بودجهٔ صنیع‌الدوله ذکر شود. مقصود عمدهٔ آن بدست آوردن مالیات معتدبه است که بتوسط آن دولت ایران بتواند تا یك درجه به مملکت امنیت‌داده بعضی طرق و شوارع جدید احداث نماید و همچنین ترقی به معارف‌بدهد.

برای نیل به این مقصود چندین قسم مالیاتهای داخلی پیشنهاد شده است که عمدهٔ آن مالیات بر مستقلات در شهر [است] که تابحال بهیچوجه مالیاتی براو بسته نشده است.

آنچه که مستقیماً به ما مربوط است اضافه مالیات به‌چای وقند وارده در ایران است.

ذکری از استقراض خارجه نشده ولی واضح است که اگر اضافه مالیاتی بر امتعهٔ

مذکور بسته بشود محل خوبی برای ضمانت قرضهٔ جدیدی خواهد بود.
(امضا) مارلین [مارلینگ]

نمره ــ ۱۱٤
تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادوارد گری (واصله ۳ ژوئن)
طهران ، ۳ ژون ۱۹۰۸
[۱۳ خرداد ۱۲۸۷؛ ۳ج۱ ــ ۱۳۲٦]
اوضاع پلتیکی : در سی‌ام ماه گذشته هیئت وزراء استعفاء کرده و تشکیل کابینهٔ جدید خیلی اشکال دارد.
انجمنها درصدد آن هستند که بعضی از وابستگان شاه را که با آنها مختلف هستند اخراج نمایند و محض آنکه شاه را مجبور به قبول مطالبات خودنمایند سعی در تخویف کلیه قاجاریان دارند.

نمره ــ ۱۱۵
تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری (واصلهٔ ۳ ژون)
طهران،۳ژوئن۱۹۰۸
[۱۳ خرداد ۱۲۸۷ ؛ ۳ج۱ــ۱۳۲٦]
راجع‌به تلگراف امروز من امیربهادر جنگ دیشب در سفارت روس بست اختیار نمود. دوسه نفر از درباریان شاه او را ترک نموده‌اند.

نمره ــ ۱۱٦
تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری (واصلهٔ ٤ ژوئن)
طهران ، ٤ژوئن ۱۹۰۸
[۱٤ خرداد ۱۲۸۷؛ ٤ج۱ــ۱۳۲٦]
شاه امروز صبح از قصر خارج شده با مستحفظین کثیری به محل اقامت بیرونی خودکه خارج دروازه قزوین است رفت.

www.adabestanekave.com

نمره ـ ۱۱۷

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری (واصله ۸ ژوئن)

طهران ، ۸ ژون ۱۹۰۸

[۱۸ خرداد ۱۲۸۷ ؛ ۸ ج ۱ ـ ۱۳۲۶]

صبح روز شنبه ششم ژوئن مابین شاه و طرفداران ملت ظاهراً اصلاح شد ولی صبح روز دیگر به اعلیحضرت شاه راپورت داده شدکه انجمنها تلگرافی‌به ظل‌السلطان در شیراز مخابره نموده اورا به آمدن و قبول مقام نیابت سلطنت دعوت کرده‌اند.

همان‌روزعصر پسر بزرگ ظل‌السلطان و سردار منصور و علاءالدوله و عضدالملك رئیس ایل قجر که در انقلاب هفتهٔ گذشته شرکت نمود از طرف شاه دستگیر گشتند.

نمره ـ ۱۱۸

مکتوب مستر مارلین [مارلینگ]به سر ادواردگری (واصله ۹ ژوئن)

طهران ، ۷ مه ۱۹۰۸

[۱۷ اردیبهشت ۱۲۸۷ ؛ ٦ ع ۲ـ۱۳۲٦]

آقا افتخاراً سواد جوابی را که دولت ایران اخیراً در مقابل اظهارات من درموضوع حفاظت گبرهای ایران داده است لفاً ایفاد می‌دارم.

(امضا) چارلز ام ـ مارلینگ

ترجمهٔ ملفوف نمره ۱۱۸

مکتوب مشیرالدوله به مستر مارلینگ

۲ مه۱۹۰۸

[۱۲ اردیبهشت ۱۲۸۷؛ ۱ع۲ـ۱۳۲٦]

مراسلهٔ شما در باب گبرهای ایران واصل گردید . دولت ایران همیشه در راه آسایش این فرقه بذل توجه مخصوص نموده و این طایفه مرکب از قدیمترین تبعهٔ ایران بوددو چنانچه در مورد قتل فریدون مشاهده گردید فیما بعد هم به همان نظر با آنها رفتار خواهد شد.

نظر به اظهاراتی که در این‌باب فرموده‌اید از وزیر داخله استدعا شده که دقت حکام را به این مسئله جلب نماید.

نمره ـ ۱۱۹

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۹ ژوئن)

قلهك ، ۲۱مه۱۹۰۸

[۳۱ اردیبهشت ۱۲۸۷ ؛۲۰ ع۲ ـ ۱۳۲٦]

آقا افتخاراً راپورت خلاصهٔ وقایع چهار هفته ایران را بطریق معمول لفاً ایفاد می‌دارم
(امضا) چارلز ام.مارلینگ

ملفوف نمره ــ ۱۱۹
خلاصهٔ وقایع ایران

طهران

در ظرف چهار هفتهٔ گذشته اوضاع طهران رویهم رفته از معمول آرام‌تر بود. بلاشك در میان مردم یك نوع حالت یأس وتأثر احساس می‌گردد و ایرانیانی که قدری از امورات واقف‌تر هستند فهمیده‌اند که در چرخهای حکومت در واقع تزلزل پدیدار گشته است. عامهٔ مردم زیاده از اندازه به مشروطیت خود که بدبختانه تاکنون علامات فساد از آن ظاهر بوده اعتماد دارند.

نظر به عید مولود شاه در ۱۵ ماه ، اعلیحضرت یك روز قبل دستخط مصلحانه به‌مجلس فرستاده احساسات عامه چنانچه انتظار آن می‌رفت نسبت به‌شاه صورت خیری گرفت. مراسم معمولی عید مذکور که با ابراز حسیات خصومت کارانه که به علت تعقیب پلتیك ارتجاع‌ــ کارانه تباین کلی داشت صورت وقوع یافت.

دردوم ماه کابینهٔ‌وزراء استعفاء کرده درششم‌مه دوباره تعیین گردید. مستوفی‌الممالك به‌جای ظفرالســلطنه به‌وزارت جنگ مبدل شد. بعلت استعفای صدراعظم که دفعهٔ دوم در ۱۶ مه واقع شد احتمال قطعی می‌رود که باز هم در مقام هریك از وزراء تغییر و تبدیلــی بشود .

نظام‌السلطنه که بی‌اندازه مورد بی‌میلی عموم واقع شده بود در ۱۷ مه به قم فرار نمود.

در ۱۶ مه شاه شخصاً تلگراف دوستانه به ناصرالملك که حالیه در اروپا مشغول سیاحت‌است مخابره نمود او را به آمدن بایران و قبول مسند صدارت دعوت کرده است ولی مسئلهٔ این‌که آیاجناب‌ایشان‌به قبول این مقام تن در دهد مشکوك است.

دونفر اشخاصی‌که با هیجان برای رفورم عملا مخالفت می‌ورزیدند پس‌ازآنکه درمحکمهٔ عدلیه از آنها محاکمه شد به حبس مدت طویل محکوم گردیدند . یکی از آنها به جرم اینکه اعلانی چسبانیده و اعضای مجلس را بابی اعلان کرده بود محکوم گردید.

۲۱ مه ۱۹۰۸

[۳۱ اردیبهشت ۱۲۸۷؛ ۲ع۲۰ ــ ۱۳۲۶]

(امضا) جی.پی.چرچیل

منشی السنه شرقی

مشهد

مابین انجمن محلی وادارهٔ بلدیه کدورت فوق‌العاده درمیان بود. از قرار معلوم قوای حکومت تدریجاً رو به ضعف است ولی شهر آرام می‌باشد.

تربت حیدری

احساسات برضد انجمن محلی برای اعضای آن تحمل ناپذیر بوده تمام آنها متحداً به فرمانفرما عریضه نوشته درخواست تعیین حاکمی برای آن محل نمودند. تمام طبقات مردم بالاتفاق از اوضاع موجودهٔ امورات نگرانی داشته و یأس و ناامیدی خود را از استفاده از حکومت مشروطه ابراز می‌داشتند. دو دسته دزد که حوالی طبس را اشغال نموده بودند در ماه آوریل متفرق شدند.

یـــزد

سردار معتضد ، حاکم جدید کرمان ، روز ۷ آوریل [۱۸ فروردین ۱۲۸۷؛ ٥ع۲ ـ ۱۳۲٦] در نزدیکی انار به دسته‌ای مرکب از چهل دزد که ۱۲،۰۰ رأس گوسفند و اموال زیاد بغارت می‌بردند برخورد. او به سارقین حمله برده هشت نفر از آنها را مقتول و مجبور به‌ترك اموال مسروقه کرد. از همراهان حکومت یك‌نفر مقتول و یکی مجروح گردید. دربیستم آوریل انتظام‌الملك از نائین به یزد وارد شد و به حکومت آنجا تعیین گردیده. در ١٤ مه [٢٤ اردیبهشت ۱۲۸۷ ؛ ۱۳ ع ۲ـ ۱۳۲٦] قریب‌دوهزار نفر از اهالی دهات در خارج ادارهٔ تلگرافخانهٔ انگلیس اجتماع نموده درخواست نمودند که محض پروتست بر ضد بعضی مالیاتهای جدید بست اختیار نمایند . مردم بازارها را بسته واوضاع از قرار معلوم خیلی سخت شد. مستر بلك‌من، کفیل ویس‌قونسولگری، با رؤسای آن جماعت مشورت نموده آنها به مساجد و مقامات مقدسه مراجعت نمودند. روز بعد جماعت مردم دومرتبه مراجعت نموده و داد و فریادکرده از دولت انگلیس درخواست کمك و همراهی می‌کردند کـــه باآنها ازروی‌عدالت‌رفتار شود. مسترمارلینگ‌تلگرافاً [=تلگرافی] خبر داد که مجلس ملی به همین زودی تأمینات لازمه خواهد داد . این خبر باعث تسکین اذهان مردم شد و تلگرافی که ازوزیر مالیه واصل شد موافق دلخواه آنها نبود. در ۱۸ مه [۲۸ اردیبهشت ؛ ۲ع۱۷] عده‌ای بنمایندگی اصناف از مستر بلك من ملاقات کرده درخواست اجازهٔ تحصن نمـــوده ازآن می‌ترسیدند که ورود عدهٔ کثیری از اهالی دهات به شهر اسباب عدم تأمین دکاکین آنها شود. مستر بلك من به آنها اصرار نمود تا دوروز منتظر جواب مجلس ملی شوند. در ۱۹مه‌هیئتی به نمایندگی سرکردهٔ آنها ملاقاتی کرده اظهار داشتند که عدهٔ زیـــادی از اهالی دهات که بسیاری ازآنها مسلح بودند اتصالاوارد شده‌و ناامنی بطور عمـــوم شیوع داشته واز آن می‌ترسیدند که هرگاه در ارسال جواب تأخیر زیاد شود هرج و مرج در میان مردم واقع‌خواهد شد. بعض از آنها آمده و همینکه از عدم‌وصول جواب و دخول در قنسولخانه مأیوس گردیدند تهدید به‌پائین کردن بیرق وتخریب ادارهٔ قنسولخانه نمودند. آن هیئت برای این تهدیدات ترضیه خواستند . مستر مارلینگ از وزیر امور خارجه ملاقات نموده او را از وخامت این‌مسئله‌مستحضر و از او وعده گرفت که از تظلمات و تشکیات مردم یزد دلجویی کند.

www.adabestanekave.com

کرمانشاه

بعلت حرکت ایلات دور و حوالی ، کرمانشاه ظاهراً خیلی مغشوش شده مستر و میسیز استد که متعلق به دعاة امریکایی هستند در قرب بیست و پنج میلی طرف مشرق شهر دزد به‌آنها زده و تمام متعلقات آنها را بسرقت برده‌اند.

ظفرالسلطنه وزیر جنگ سابق به حکومت معین شده و در راه کرمانشاه است. الجال‌شهر ظاهراً مغشوش است و قنسول اعلیحضرتی راپورت می‌دهد که فعلا مأمورین دولتی که بتوان مطالب را به آنها اظهار داشت موجود نمی‌باشد.

شیراز

ظل‌السلطان در اوائل مه [نیمهٔ اردیبهشت ؛ اوایل ع ۲]وارد شیرازشده و چندین تلگراف به سفارت‌اعلیحضرتی مخابره نموده مشعر براینکه برای حفظ‌نظم اقدامات مجدانه نموده قبل از ورود شاهزادهٔ مذکور در شهر اغتشاشی به وقوع رسید. علت وقوع آن‌انتشار تلگرافی از علمای بزرگ نجف در خصوص قتل قوام‌الملك بود ولی از زمان ورود ظل‌السلطان در امورات تسکین حاصل گردیده است.

سیصد نفر از فوج چهار محال که‌یك قسمتی از مستحفظین ظل‌السلطان هستند دربیست و ششم آوریل وارد شدند.

از تلگرافی که به تاریخ ۱۷ شهر مه [۲۸ اردیبهشت ۱۲۸۷؛ ۱۷ ع ۲ ــ ۱۳۲۶] از معاون‌رئیس ادارهٔ تلگرافی هند و انگلیس واصل شد و مفهوم گردید که قبایل اعراب مابین سیوند و ده‌بیدمشغول ارتکاب سرقت و چپاول اموال مردم بوده خط تلگراف را هم صدمه رسانیده‌اند.

نمره ــ ۱۲۰

ملخص مکتوب مستر مارلینگ به سرادوارد گری (واصله ۹ ژوئن)

قلهك ، ۲۱ مه ۱۹۰۸

[۳۱ اردیبهشت ۱۲۸۷ ؛ ۲۰ ع ۲ــ۱۳۲۶]

در تعقیب مکتوب سی‌ام ماه گذشتهٔ خود افتخاراً راپورت می‌دهم که کابینهٔ وزراء در دوم شهر جاری ازکار استعفاء کرده وزیر مالیه به عموم فهمانید که استعفای اونتیجهٔ قطعی صحبتی است که من در چند روز قبل با ایشان داشته‌ام ــ اگرچه عقیدهٔ عموم براین بود که میل وزراء براین قرار گرفته که باعث تغییری در تشکیل کابینهٔ وزراء گردیده نظام‌السلطنه صدراعظم و وزیر داخله را در آن راه ندهند. شکی نیست که اینطوری که صنیع‌الدوله رفتار کرده و مسئله ملاقات مرا آلت رهایی و استخلاص خود از این موقع مشکل که جاه‌طلبی او را بطرف آن سوق داده بود قرار داد تأثیری نموده ودر ظرف هفته که بحران وزراء دوام داشت در مجلس چندین نطق ایراد شده برضد قصد اعمال کنترل خارجه بر مالیه پروتست شد و چند مقالهٔ سخت در همین موضوع در مطبوعات دیده شد. گفتگوی تزیید مالیات چائی و قند در میان بود و در نقشهٔ صنیع‌الدوله پیشنهاد

شده بود که خواه دولتین روس و انگلیس قبول این مسئله را بکنند یا نکنند برمالیات اجناس مذکور افزوده شود و بطور سخت اینطور ارائهٔ طریق شد کـه ملت باید بواسطهٔ ترك استعمال قند و چای ما را مجبور به قبول آن نمایند و یك نفر وطن‌پرست دیگر اظهار داشت که حقوق مسیو بیزو برای تمام مدتی که خدمت کرده باید پرداخته شود و او را به فرانسه پس فرستند. البته تمام این عنوانات را نباید قابل اهمیت زیاد دانست ولی نظر به اینکه خود صنیع‌الدوله به‌من اظهار داشت که قبل از ملاقات‌با من تصمیم به استعفاء نموده بود من اینطور صلاح دانستم که این مسئله را درمراکزی‌که عنوانات مخالف ومغایراو ممکن بود تولید اثرات بدنماید منتشر و به آنها بفهمانم بمجرد آنکه کابینه مجدداً تشکیل گردید از وزیر امور خارجه ملاقاتی نموده‌واز وضع رفتار یك وزیرمسئولی‌که‌سعی‌داشت اسم من را به عنوان مداخله در امورات داخلی دولت بدنام نماید ومضمون ومقصود مطلب مرا بر عموم مشتبه کند پروتست نمودم. مشیرالدوله چندان سعی ننمود که از کردهٔ همکار خود طرفداری و تصدیق نماید ولی ایراد کرد که از این مسئله چندان ضرری وارد نیامده چرا که‌رفتار وکردارصنیع‌الدوله چنان بر عموم واضح و معلوم است که چندان وقری به گفته‌های او نمی‌گذارند!

گمان نمی‌کنم عقیدهٔ مشیرالدوله صحیح باشد زیرا که همینکه استعفای اخیرهیئت کابینه انظار عموم را متوجه به‌خود گردانید ظاهراً جلب نظر موقتی به‌آن قضیه برطرف و محو گردید. از حیثیات دیگر امیدوارم نتایج حسنه بظهور خواهد رسید چون اکثر اهالی متمایل هستند که دولت جدید منتظر استخلاص از لزوم تأدیه مالیات باشند. از قرار معلوم مجلس اینطور تصور می‌کند که اقتدارات آن در مناسبات خارجه هم نافذ بوده و محتمل است این نکته را فراموش‌کندکه مراعات عهدنامه‌های دولتی مسئلهٔ التفاتی نبوده بلکه اجباری است. این تصور سهو را دیر یا زود از اذهان آنها باید محو نمود ولی این مسئله‌ای است که هرگاه اصلاح آن‌را به‌خود ایرانیان واگذار نمائیم ممکن است تا یك مدت غیر محدودی بواسطهٔ حساسیت و زودرنجی مجلس بتعویق انداخته شود.

اوضاع مملکت از بد بدتر شده و دولت ضعیف مطلقاً قادر نیست در راه اعادهٔ نظم اقدامی نماید و درصورتی‌هم که پول برسد به منتها درجه غیرممکن است که بدون معاونت خارجی اقدامات جدی برای رفورم بعمل آید. وزرائی که اطلاعشان بیشتر است بلاشك از این‌مسئله آگاه هستند ولی عامهٔ مردم و مجلس خلاف وطن‌پرستی می‌دانند که به حقیقت یك مسئلـه متقاعد شوند وبنابراین‌گمان نمی‌کنم خیلی باعث خوشحالی است‌که بعلت حماقت صنیع‌الدوله این مسئلـه به نمایندگـان واضح‌شده که دولت ایران باید از دولتین روس وانگلیس منتظر کمك و همراهی برای استخلاص از مشکلات باشد. نمی‌توانم وانمود کنم که تأثیر لازمه تاکنون در اذهان جایگزین شده باشد ولی در هرصورت اولین اقدام برای فهمانیدن این مسئله بطور صحت بعمل آمده است.

مملکت از حیث مالیه ظاهراً به نقطهٔ صفر رسیده و مسیو دوهارت ویك که بااو در این موضوع‌صحبت‌داشتم با عقیدهٔ من موافق است که در اندك مدتی کارچنان بردولت سخت خواهد شد که‌مجبور به استدعای معاونت خواهد گردید.

نمره ــ ۱۲۱

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۹ ژون)

قلهك ، ۲۲ مه ۱۹۰۸

[۱ خرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲۱ ع ۲ــ۱۳۲۶]

آقا هر گاه به‌واقعات چهارهفتهٔ اخیر نظر افکنده شود مشکل است علائم وآثاری بدست آید که بهبودی فوری اوضاع ایران را بنمایاند. مقصود وزراء از تکرار استعفاء فقط این بود که از دست نظام‌السلطنه صدراعظم که طمع‌کاری و عدم موافقت او با قوانین مشروطیت در اجرای اعمال خود او را بی‌اندازه مورد تنفر عموم نموده بودرهایی یابندو از قراری که معلوم می‌شود درمورد همکاران خود عوض‌آنکه بطور رئیس کابینهٔ مشروطه‌ـ خواه سلوك نماید مثل یك نفر صدراعظم سلطان مستبدی رفتار کرده است و شکی نیست که برای آنها امکان نداشت با او متحداً عمل نمایند. هیچ احتمال نمی‌رود کــه کابینهٔ جدید که تشکیل آن هنوز بطور قطعی فیصله نشده بیشتر بتوانند در این هرج و مرج و بی‌ترتیبی اوضاع دولتی اعادهٔ نظم نمایند. این مسئله را می‌توان یقین نمود که صنیع الدوله صدراعظم شود ومحتشم‌السلطنه نمایندهٔ ایران در کمیسیون سرحدی ارومیه از قرار مذکور دعوت شده که آمده و به‌جای نظام‌السلطنه به‌وزارت‌داخله برقرار شود. این مسئلهٔ مشکــل است تصور شود که امکان داشت انتخاب نامساعدتری از انتخاب این‌دو وزیر بعمل آید. طهران نسبتاً به حال آرامی دوام دارد ولی احساسات عموم بسیار از ضعف و بیچارگی حکومت مأیوس است و تمایل عموم به اینکه شاه را که مجدداً به آماده ساختن خود برای کودتای دیگر متهم گردیده باعث اوضاع‌موجودهٔ امورات بدانند روز افزون است.

برای اکثر نقاط بی‌حکومت حکام تعیین کرده ولی به استثنای ظل‌السلطان در شیراز و سردار معتضد در کرمان هیچکدام از آنها ظاهراً قادر نتوانند بود که در راه اداره نمودن قلمروخود جد و جهد حقیقی بنمایند. در یزد جمعیتی از دهاتیان بعنوان پروتست برضد مالیات جدیدی دور تلگراف‌خانه را احاطه کرده‌اند ولی مستر بلك من، کفیل ویس قنسولگری بواسطهٔ زرنگی و متانت خود تاکنون به منع وقوع حادثهٔ جدیدی موفق گردیده است. دولت از اینجا کاری از پیشش نمی‌رود بجزآنکه تلگرافات تسکین‌آمیز بفرستد. طوایف کاکاوند بواسطهٔ قصه حمله به کرمانشاه آنجا را تهدید نموده و از قرار شرحی که کاپیتان هاورت می‌نگارد اوضاع مدهشی در پیش است. دولت وعده داده‌اند کــه ظفرالسلطنه حاکم جدید را با استعداد قوی بفرستند ولی قدری شك می‌رود از اینکه او در آخرین لحظه ازاین عهده استعفاء نماید. مملکت علاوه بر آنچه مذکور گردید از حیثیات دیگر نسبتاً آرام است و فقط چند فقره سرقت اکثراً در دور و حوالــی اصفهان بوقوع رسیده .

(امضاء) چارلز ام . مارلینگ

نمره ــ ۱۲۳

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری (واصلهٔ ۹ ژون)

طهران ، ۹ ژون ۱۹۰۸

[۱۹ خرداد ۱۲۸۷ ؛ ۹ ج ۱ــ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف دیروز من. دیروز صبح قشون دولتی محافظ شهر بودند و سپس شاه اعلانی منتشر نموده اشخاصی را که دستگیر شده بودند خائن خوانده‌اند. شهر بطریق معمول آرام است و مردم اعلان مزبور را بطور آرامی قبول نمودند.

نمره ــ ۱۲۴

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سر ادواردگری (واصله ۱۲ ژون)

اوضاع اینجا بسرعت کسب شدت نموده و هیجان‌به ضد شاه سخت می‌شود. مسیو دوهارت‌ــ ویك که برای حفظ جان شاه در خوف است به‌مسیو ایزولسکی تلگرافاً در ریوال ارائهٔ طریق نموده که سفارتین دولتین روس و انگلیس را دستورالعمل دهد که به وزیر امور خارجه بطور رسمی اظهار نمایند که دولتین ملزم به برقراری سلسلهٔ حالیه بوده و در صورتیکهٔ حفظ شاه به قوهٔ قهریه لازم آید این کار را حاضرند بکنند .

عقیدهٔ سفیرروس آنست که مولد این اغتشاش حالیه ظل‌السلطان می‌باشد ولی این درواقع تصور موهومی است و او را گمان این است که شاهزاده معظم‌له قصد نیابت سلطنت‌وبالاخره سلطنت دارد و بعلاوه او اینطور خیال می‌کند که وزراء پارلمان حاضر [به] قبول این مسئله هستند که شاه بطور تدین موافق‌قوانین مشروطیت عمل‌خواهد نمود ودرنفس‌الامر هیچ احساس مخالفتی برضد آن اعلیحضرت ندارند.

مرا شخصاً عقیده این است که امکان ندارد از اذهان عامه خصومت باطنی‌شاه‌را نسبت به مشروطه برطرف نمود. اهالی مملکت خیلی مایلند خود را از دست او رهانیده وآنها را عقیده براین است که اعادهٔ نظم توسط ظل‌السلطان باعث امیدواری کامل خواهد بود. من این مسئله را لازم است اعتراف کنم که ظل‌السلطان برای پیشرفت مقاصد شخص خود ازموقع حالیه استفاده می‌نماید.

در اینکه‌پیشنهادی که از طرف سفیر روس شده هیجان و انقلاب طهران را خاموش خواهد کرد گمان می‌کنم امکان قطعی داشته باشد ولی‌موقتی خواهد بود و یحتمل اثرات آن در ایالات وولایات مورث تزیید انقلاب می‌گردد و ابداً تصور نمی‌کنم بوسیلهٔ آن مابین شاه و مردم بطور دائم اصلاح شود چنانچه سفیر روس اظهار می‌نماید احتمال نزدیك به‌یقین می‌رود که ظل‌السلطان برای مشروطیت یك خصم مستحکم‌تری از شاه حالیه خواهد بود.

پس از توضیح نظریات خود به سفیر روس به او عنوان نمودم که به عقیدهٔ من دولت اعلیحضرتی در شناختن وراث پی‌درپی تاج و تخت ایران خود را ملتزم حمایت خانوادهٔ حالیهٔ سلطنت ندانسته و در این صورت یك نفر پادشاه را بطریق اولی حمایت نخواهد نمود.

نمره ــ ۱۲٤

تلگراف سرادوارد گری به مستر اوبرن، مورخهٔ ۱۲ ماه ژوئن [۲۲ خرداد؛ ۱۲ج۱] از وزارت خارجهٔ لندن

راجع به تلگراف امروز طهران من موافقت تام با عقیدهٔ مستر مارلین [مارلینگ] دارم. درضمن مذاکـره در اوضاع با وزیر امور خارجه ، شما خوب است که به جناب ایشان اطلاع بدهید که دولت اعلیحضرتی منتها درجهٔ اهمیت را به‌اتفاق تام سیاست دولتین می‌دهد ولی ما بکلی برخلاف هرنوع اقدامی هستیم که شکل مداخله درامور داخلـی ایران را داراباشدو بهمین دلیل دولت اعلیحضرتی کمال آرزو را دارد که نظم در ایـران برقرار گردد ولی فقط راهی که انجام این مقصود ممکن خواهد گردید به تشکیل دولتی خواهد بود که طرف اعتماد و همراهی تام ایرانیها باشد و این عمل وقتی انجام خواهـد گرفت که اوضاع بطور طبیعی در جریان بوده و دخالتی از خارج نشود.

عقیدهٔ ما براین است که اگر اظهار نمایند که سلسله یادولت حاضره باید حتماً برقرار **باشد ممکن است که موقتاً در اوضاع بهبودی حاصل گردد در آتیه** اشکالات سختی هم برای دولت روسیه روی خواهد داد. هرنوع حکومتی که ما بخواهیم مجبوراً در ایـران برقرار نمائیم بدون شك خطر آن حکومت زیادتر خواهد بود .

نمره ــ ۱۲۵

تلگراف مسترمارلین [مارلینگ] به سرادوارد گری مورخهٔ ۱۳ ژوئن [۲۳ خرداد؛ ۱۳ ج۱] از طهران راجع به تلگراف نهم این ماه من

ظاهراً بواسطهٔ تهدید شاه، مجلس انجمنها را وادار نموده است که از مسجد خارج شوند. در این مدت هیجان و بی‌نظمی در شهر روی نداده است.

نمره ــ ۱۲٦

تلگراف مستراوبرن به سرادواردگری مورخهٔ ۱۵ ژوئن [۲۵خرداد؛ ۱۵ ج۱] ازپطرزـ بورغ راجع به تلگراف ۱۲ این ماه شما

تابحال جواب قطعی از مسیو ایزولسکی برای من نرسیده است. جناب ایشان امیدوارند که اوضاع تصمیم فوری لازم نداشته باشد . از صحبت ایشان من چنین فهمیدم که در عوض اظهاراتی‌که مسیو هارت‌ویك پیشنهاد کرده بود حال جناب ایشان مایلند که فقط یك نوع اخطاری مثل‌همان اخطار ۱۹۰۷ ازطرف دولتین‌به‌ظل‌السلطان بشود و دلیل اقامه نمودندکه شناسایی ما ولیعهد را به جانشینی سلطنت ایران، خود تا یك اندازه ما را مجبور به‌این اقدام می‌نماید هرچند که خود جناب ایشان قبول دارندکه این شناسایی مثل این‌نیست‌که ما برعهده گرفته باشیم که شاه وپسرش را به سلطنت نگاه بداریم.

نمره ــ ۱۲۷

تلگراف سرادواردگری به مستر اوبرن، مورخهٔ ۱۵ ژون [۱۹۰۸]
از وزارت خـارجه لنـدن
[۲۵ خرداد ۱۲۸۷ ؛ ۱۵ج۱ــ۱۳۲۶]

تا به حال بهیچوجه روابط سیاسی مابین ما و ظل‌السلطان نیست و در صورتی که ما قبلا با دولت روسیه معاهده ننماییم هیچوقت کمك به «ظل‌السلطان» یا به کس دیگری نخواهیم کرد. به عقیدهٔ من بهترین راهها محدود نمودن اقدامات خودمان است وگرنه ما دچار مسئولیت برقرار نمودن دولتی خواهیم شد که مردم مایل به تمکین آن نیستند. همچو اوضاعی اثر بدی به نفوذ و نیکنامی دولتین در ایران خواهد بخشید. من این عقیدهٔ خود را به سفیر کبیر روس اظهار نموده‌ام. شما هم‌خوب است که همینطور به مسیو ایزولسکی اظهار نمایید.

www.adabestanekave.com

نمره ــ ۱۲۸

تلگراف سرادوارد گری به مستر اوبرن، مورخهٔ ۲۰ ژون [۱۹۰۸]
از وزارت خارجه‌لندن
[۳۰خرداد ۱۲۸۷ ؛ ۲۰ج۱ــ۱۳۲۶]

در صورتیکه وزیر امور خارجه لازم می‌داند که اقدامی بشود من حاضرم که بنمایندهٔ اعلیحضرتی مقیم طهران تعلیمات فرستاده که با همکار روس خود اخطاری به مثـل اخطار دسامبر ۱۹۰۷ [آذر ۱۲۸۷ ؛ ذیقعدهٔ ۱۳۲۶] به ظل‌السلطان بنمایند.

در صورتیکه یك همچو اقدامی کرده بشود آنوقت باید که نمایندگان دولتین شاه‌را از این اقدام مستحضر نموده و به‌آن اعلیحضرت نصیحت نمایند که بملاحظهٔ اطمینـان سلطنت خود و نگاهداری تاج و تخت بهتر آن است که او اقدامی علیه مشروطیین و مجلس ننماید. در هر صورت به شاه بفهمانند که او بهیچوجه نباید منتظر حمایت از دولتین باشد در صورتی که اقدامات او، اورا دچار خطرات خواهد نمود.

نمره ــ ۱۲۹

تلگراف مسترمارلین[مارلینگ] به سرادواردگری، مورخهٔ۲۱ژون(۱۹۰۸) [۳۱خرداد؛ ۲۱ ج۱] از طهران

راجع‌به‌تلگراف ۲۰ این ماه شما به پطرز بورغ.

من گمان می‌کنم که اگر دولت روس آن اقدام متفقانه را قبول نماید بهتر آن است که‌دستورالعمل‌برای من و مسیو هارت ویك فرستاده شود که مضمون مطلب را رسماً مثل سال ۱۹۰۷ علنی نماییم. بواسطهٔ اینکه شاید تصور بشود که این اقدام مایك نـوع همراهی با شاه‌بوده‌است.

نمره ــ ۱۳۰

تلگراف مستر اوبرن به سرادواردگری، مورخه ۲ ژون [۱ تیر؛ ۲۲ ج۱] از پطرز بورغ

مسیوایزوالسکی موافقت تام با مضمون تلگراف ۲۰ این‌ماه شما که دیروزمن به‌او ارائه‌دادم دارد. دستورالعمل بطوریکه شما پیشنهاد نموده بودید به سفیر روس در طهران فرستاده‌شد.

امروز من از مضمون تلگراف ۲۱ مستر مارلین [مارلینگ] مسیو ایزوالسکی را مطلع ساخته و به ایشان اظهار نمودم که هنوز در این خصوص دستورالعملی برای من نرسیده است. ایشان هم قول‌دادند که در اینخصوص دقت نظری خواهند نمود.

نمره ــ ۱۳۱

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری مورخهٔ ۲۳ ماه ژون [۲تیر؛ ۲۳ ج۱] از طهران

راجع به تلگراف دیروز شما

دیروز شاه سفیر روس را ملاقات نموده و سفیر روس به شاه نصیحت نمود که‌بطور مصلحانه با مجلس رفتار نماید. اعلیحضرت شاه جواب داد که او حسیات مخالفت‌آمیزی نسبت به مجلس ندارد و اظهار داشتند فقط مایلند که از تهدیدات‌انجمنها و حملات جراید که محرك آنها ظل‌السلطان است مأمون گردند. اعلیحضرت شاه بعلاوه گفتند که دلایل متبته در دست دارند که ظل‌السلطان مشغول تحریك برای خارج نمودن شاه از سلطنت است .

نمره ــ ۱۳۲

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری ، مورخهٔ ۲۳ ژون [۲ تیر ؛ ۲۳ ج۱] از طهران .

تقریباً در ساعت شش قبل از ظهر امروز شاه بیست نفر قزاق برای دستگیر نمودن هشت نفر که در مسجد جنب مجلس بودند فرستاد.

تسلیم نمودن این اشخاص قبول نگردید و تیری هم از مجلس انداخته شد. سپس جنگ شروع شد وتابحال هم مداومت داردو عدهٔ مقتولین هم از قراری که می‌گویندزیاد است. قشون شاه توپ استعمال می‌نمایند.

نمره ــ ۱۳۳

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به‌سرادواردگری ، مورخهٔ ۲۳ ژون [۲ تیر؛ ۲۳ ج ۱] از طهران

راجع به تلگراف امروز من

قشون شاه مردم را از عمارت و مجلس و مسجد خارج نموده و انجمن آذربایجان را منهدم نمودند.

شاه سید عبدالله وشیخ‌الرئیس و تقریباً ده نفر دیگر از رؤسای مشروطیون را دستگیر نموده است. از بریگاد قزاق چهل نفر مقتول گردیده‌اند . عدهٔ مقتولین طرف مقابل از قراری که می‌گویند خیلی قلیل است ولی عدهٔ صحیح هنوز معلوم نگردیده است . قانون نظامی درشهراعلان گردیده وانجمنها متفرق شدند.

عده‌ای از دکاکین و خانه‌ها که خانهٔ ظل‌السلطان و عمارت مجلس هم در جزء آنها است غارت شده است.

مسیو هارت ویك و من مترجمین خود را نزد شاه فرستاده که از شاه استدعانمایندکه اقدامات اکیده برای برقراری نظم و حفظ اروپاییها بنمایند. بعلاوه مابه مترجمین‌دستورالعمل دادیم که به شاه اطمینانی را که اودر ماه دسامبر ۱۹۰۸ بهما داده بود خاطرنشان نموده و تقاضا نمایند که اعلانی مبنی براینکه شاه مایل به برهم‌زدن مشروطیت نیست از طرف‌شاه صادرگردد.

من به اتاشه میلیتر که امشب در طهران توقف‌خواهدنمود دستورالعمل دادم که اگر ممکن می‌شود نگذارد که کسی در سفارت تحصن اختیار نماید.

ماژراستوکس راپورت می‌دهد که تابحال اقدامی نشده است و شهر هم خاموش است.

نمره‌ـ۱۳٤

تلگراف سرادواردگری به مستر اوبرن ، مورخهٔ ۲۳ ماه ژون [۲تیر؛۲۳ج۱] از وزارت خارجه ، لندن

راجع به تلگراف دیروز شما

خواهش می‌کنم که شما به وزیر امور خارجه اطلاع بدهید که من با عقیدهٔ مستر مارلین [مارلینگ] در خصوص علنی نمودن هردو مکاتبات بهمان طریقی که در ماه دسامبر ۱۹۰۷ بعمل آمد شریك هستم . شما خوب است که تقاضای کمك ازایشان نموده تا اینکه دستورالعمل بطوریکه پیشنهاد شده به نمایندگان خود هرچه زودتر ممکن است فرستاده شود.

از اینکه جناب ایشان قبول پیشنهاد من را نموده اظهار رضایت نمایید.

نمره ـ ۱۳۵

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلین [مارلینگ] مورخهٔ ۲۹ ژون [۸ تیر؛۲۹ ج ۱] از وزارت خارجه لندن

راجع به تلگراف ۲۲این ماه مستر اوبرن وتلگراف ۲۰ این ماه‌من‌به‌مستر اوبرن . خواهشمندم که موافق تلگراف مذکوره به اتفاق مسیو هارت‌ویك اقدام‌نمایید.

نمره ــ ۱۳۶

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری ، مورخهٔ۲۴ ژون[۳ تیر ؛ ۲۴ج ۱]
از طهران.
راجع به‌تلگر اف ۲۳ این ماه من
درجواب‌پیغام ما شاه اطمینان کاملی داده و احکام مخصوصی برای محافظت تلگرافها وبانك شاهنشاهی صادر گردید و نیز درشب گذشته تقی‌زاده و یك وکیل دیگر و پنج نفر روزنامه‌نویس از ترس خطر جانی به سفارت شهر تحصن اختیار نمودند. شاه تقریباً ٦ نفر از رؤسای ملیون را که اغلب آنها اعضای انجمنها و روزنامه‌نویس هستند دستگیر نموده است.
من گمان نمی‌کنم که خطری برای اروپاییها باشد و شهر هم به حال آرامی باقی است

نمره ــ ۱۳۷

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری ، مورخهٔ ۲۴ ژون [۳تیر؛۲۴ج۱]
از طهران
باوجود کوشش آتاشه میلیتر به منع دخول ، عدهٔ متحصنین به سفارت در تزاید است.

نمره ــ ۱۳۸

تلگراف مستر مارلین به سرادواردگری ، مورخهٔ ۲۵ ژون [٤تیر؛ ۲۵ج۱] ازطهران
راجع به تلگراف سابق من
تیر اول بدون شك از طرف اشخاصی که در مسجد و مجلس بودند خالی گردید. عده‌ای از وکلاء هم مابین آن اشخاص بودند . من گمان می‌کنم تهیهٔ کاملی قبلا داده شده بود که در صورت لزوم مردم را به قوهٔ قهریه از مسجد خارج نمایند. در هرصورت شاه بهانهٔ کافی برای این اقدامات سخت در دست داشت. بواسطهٔ اینکه‌حمله بدواً از طرف ملیون به قشون گردید. خانه‌های یکی دونفر از معروفین را که نسبت به آنها در شرکت در این هیجان علیه شاه سوءظن برده می‌شد به حکم شاه بتوسط توپ در را باز نموده و اثاثیهٔآن را بغارت بردند . در این مدت دو روز چهار خانه را اینطـور نموده و گمان برده می‌شود که به عده‌ای از خانه‌های دیگر هم اینطـور رفتار بشود. برای دستگیر نمودن وکلاء کوشش می‌شود وعده‌ای از آنها که رئیس مجلس هم جزء آنها است تا به حال دستگیر شده‌اند.
ظاهراً انجمنها ترسیده طرفداران آنها فرار نموده و شاه قادر مایشاء است . دو نفر از محبوسین را دیروز در اردوی شاه طناب انداختند. بعلاوه وکلا و سی‌نفر ازاشخاص دیگر محبوس هستند .
الحال‌درسفارت‌پنجاه نفر متحصن‌اند . جنگ در تبریز مابین مشروطیون و طرفداران شاه

در جریان است.
از ایالات دیگر خبری نیست و ظل‌السلطان می‌خواهد خود را از این هیجان خارج نماید. به عقیدهٔ من احتمال خطری برای اروپاییها نیست.

نمره ــ ۱۳۹

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری ، مورخهٔ ۲۵ ژون [٤تیر؛ ۲۵ ج ۱] از طهران
راجع‌به‌تلگراف امروز من
دیروز عصر منشی وزارت امور خارجه از من در سفارت ملاقاتی نموده واز طرف شاه پیغامی به‌این عنوان برای من آورد که اعلیحضرت شاه از شنیدن اینکه سفارت مردم را به تحصن در آنجا ترغیب می‌نماید بسیار متحیر شده واظهار می‌دارند که این اقدام مخالف با پولتیك عدم مداخله است.

من جواب دادم که متحصنین به ارادهٔ من داخل سفارت نشده بلکه برعکس برخلاف میل من آمده‌اند وراپورتی که برای آن اعلیحضرت رسیده است بی‌اصل است. من اظهار نمودم‌که هرچند که من میل به مداخله ندارم لیکن در بعضی مواقع است که فروگذاری برخلاف انسانیت می‌شود و بدبختانه این دو فقره قتل در اردوی شاه ثابت می‌نماید که اشخاصی‌که در سفارت بست اختیار نموده‌اند بی‌علت از خطرجانی خوف نداشته‌اند ودرصورتیکه من از تحصن سایرین جلوگیری نموده و نخواهم گذاشت اشخاصی که فعلا در سفارت متحصنند شرکت در زدوخورد موجوده نمایند لیکن تسلیم اشخاصی که طلب حمایت ما را نموده‌اند بدون ضمانت کاملی از ترتیب محاکمهٔ آنها ممکن نخواهد بود مگر اینکه ازدولت متبوعهٔ خود دستورالعملی برای من واصل گردد. من اظهار نمودم که اعلیحضرت شاه اطمینان کاملی به من داده است که از مشروطیت نگاهداری نماید، درصورتیکه دستگیر نمودن وکلا وحمله بر مجلس به نظر من مثل خیال برهمزدن مشروطیت است. بعلاوه من اظهار نمودم که با تأسف زیاد من شنیده‌ام که دونفر دیگر از محبوسین هم محکوم به قتل گردیده‌اند و ضمناً اظهار امید نمودم که شاه دیگر حکم به قتل دیگری‌ندهد.

چند ساعت بعد من از وزیر امور خارجه ملاقاتی نموده در منزل مشارالیه همان منشی وزارت‌خارجه را ملاقات نمودم. من مطالب مذکور را دومرتبه برای وزیر امور خارجه تکرار نمودم. منشی عازم باغ‌شاه گردید. وجواب ذیل را از شاه برای من آورد.

شاه اظهار نموده‌اند که نظر به‌اوضاع شهر آن اعلیحضرت مجبور شده‌اند که اقدامات برای استقرار نظم بعمل بیاورند و بواسطهٔ اعلان قانون نظامی، مشروطیت‌و قوانین عدلیه موقتاً موقوف گردیده ولیکن آن اعلیحضرت قولی که سابقاً داده‌اند فراموش ننموده و به آن عمل خواهند نمود. قتل دیگری بعمل نخواهد آمدو آن اشخاصی که کشته‌اند.محاکمهٔ

صحیحی در حق آنها بعمل آمده است و بعلاوه‌شاه از من‌تقاضانموده‌بود که‌صورتی‌ازاسامی متحصنین برای ایشان بفرستم . من این تقاضا را قبول ننموده و اظهار نمودم که بهیچوجه برای من اطمینانی نیست که محاکمهٔ صحیحی در حق این‌دونفر مقتول بعمل آمده باشد و من تکراراً اظهار نمودم که جد کامل خواهم نمود که نگذارم سایرین در سفارت متحصن گردند ولیکن اقدام دیگری نخواهم نمود مگر به دستورالعمل از دولت متبوعهٔ خود.

درموقعی که منشی مزبور حاضر نبود من به علاءالسلطنه اظهار نمودم که شاه برای ثبوت صمیمیت خود خوب است که محاکمهٔ علنی در حق محبوسین بعمل بیاورد و فوراً هم مجلس راباز نماید. حضرت معظم‌له قول به من دادند این طریق را به شاه اصرار خواهد نمود. علاءالسلطنه اشاره نمودند که ممکن است شاه برای اینکه جلوگیری ازتحصن مردم در سفارت نماید عده‌ای سرباز دور اطراف آنجا مأمور نماید.

من جواب دادم که بجز ترتیب صلح‌آمیزی‌اجازه‌نخواهم داد که‌به‌ترتیب دیگری جلوگیری بشود و دستورالعمل به ماژور استوکس داده‌ام که تازمانی که دستورالعمل از دولت متبوعهٔ خود برای من نرسیده هیچکس را اجازه دخول ندهد.

بعد از اینکه من از شهر خارج شدم مستحفظ به نزدیکی در سفارت گذارده شد.

نمره ــ ۱۴۰

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری ، مورخهٔ ۲۵ ژون [۴ تیر؛ ۲۵ج۱] از طهران

برای جلوگیری از دخول مردم به سفارت ، قشون در اطراف باغ گذارده شده و حتی برای نوکرهای سفارت هم در رفت و آمد اشکال است. به عقیدهٔ من این اقدام بسیار بی‌ادبانه‌ای است و علیه این اقدام پروتست خواهم کرد.

نمره ــ ۱۴۱

تلگراف مسترمارلین [مارلینگ] به مستر اوبرن ، مورخهٔ ۲۵ ژون [۴ تیر ؛ ۲۵ج۱] از وزارت خارجه لندن

شما خوب است که وزیر امور خارجه را ازمضمون‌تلگراف امروز مستر مارلین [مارلینگ] و جوابی که من به آن تلگرافی فرستاده‌ام مطلع سازید وخواهش نمایید که جناب ایشان به اقدام مستر مارلین [مارلینگ] همراهی نمایند.

شارژ دافر دولت اعلیحضرتی دستورالعمل به آتاشه میلیتر داده بود که نگذارد کسی بست در سفارت اختیار نماید ولی غیر ممکن بود که این دستورالعمل کاملا بموقع اجرا گذارده شود و بنابراین عده‌ای بستی‌الحال در سفارت هستند. تعلیمات بمستر مارلین [مارلینگ] فرستاده‌شده که جلوگیری از تحصن سایر اشخاص دیگر نماید ولی پرواضح است که ما نخواهیم توانست اشخاص را رد نماییم در صورتی که جان آنها در خطر است.

دولت اعلیحضرتی بهیچوجه قبول این را نخواهد نمود که شاه برای ممانعت از رفت و آمد قشون در اطراف سفارت اعلیحضرتی بگذارد و این اقدام بسیاد بی‌ادبانه است.

آرزوی صمیمی دولت اعلیحضرتی این است که جلوگیری‌از اشکالات‌نماید و خیلی اسباب تأسف خواهد بود اگر در این موقع دولت اعلیحضرتی برای حفظ شئونات خود مجبور به بعضی اقدامات علیه شاه بشود . درصورتیکه فوراً خارج نشوند این اقدام حتمی خواهد گردید.

شما به جناب ایشان پیشنهاد نمایید که خوب است دستورالعمل به نمایندگان دولتین فرستاده شود که آنها متفقاً به شاه فشار آورده تا اینکه محاکمهٔ عادلانه از تمام اشخاصی که دستگیر شده‌اندکرده شود و مجلس را هم باز نمایند.

نمره ــ ۱٤۲

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلین [مارلینگ] مورخهٔ ۲۵ ژون [٤ تیر؛ ۲۵ ج ۱]از وزارت خارجه لندن

اقدامات و بیانات‌شما بطوریکه‌درتلگرافات امروزشما راپورت‌آن داده شده‌مورد تصویب تام من واقع گردیده است.

تااینکه‌ضمانت از محاکمهٔ صحیح و یا قراری برای بردن آنها سالماً تا سرحد داده نشود شما از تسلیم آن اشخاصی که فعلا متحصن‌اند امتناع نمایید. شما خوب است که به‌دولت ایران اطلاع بدهید که دولت اعلیحضرتی بهیچوجه قبول این را نخواهند نمود که شاه قشون در اطراف سفارت اعلیحضرتی بگذارد و تقاضا بنمایید که فوراً آنها برداشته بشوند. درصورت نکردن این اقدام فوراً اقدامات لازمه از طرف دولت اعلیحضرتی برای جبران این بی‌احترامی بعمل خواهد آمد.

نمره ــ ۱٤۳

تلگراف مستر اوبرن به سرادواردگری،مورخهٔ ۲٦ ژون [۵ تیر ؛ ۲٦ج۱] از پطرز بورغ راجع به تلگراف ۲۵ این ماه شما

مسیوایزوالسکی به من قول داد که تعلیمات تلگرافی به مسیو هارت ویك فوراً فرستاده خواهد شد که به تقاضای مستر مارلین [مارلینگ] برای خارج شدن سربازها از اطراف سفارت همراهی نماید.

مسیوایزوالسکی جوابی عجالتاً در خصوص باز شدن مجلس نداد. به این واسطه که که تلگرافی از مسیوهارت‌ویك برای او رسیده مشعر بر اینکه در هر دقیقه انتظار برده می‌شود که شاه دستخطی برای تعیین موقع انتخابات صادر نماید.

www.adabestanekave.com

نمره ــ ۱٤٤

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ] به سرادواردگری، مورخهٔ ۲٦ ژون [٥تیر ؛ ۲٦ ج ۱]از طهران

رئیس مجلس و یك وکیل دیگرکه دستگیر نشده‌اند به سفارت فرانسه متحصن گردیده‌اند. وزیر مالیه و خانوادهٔ او به سفارت ایتالی [ایتالیا] متحصن شده‌اند . سیدعبدالله و سید محمد تبعید خواهند شد ولی محل بردن آنها معلوم نیست. هر چند که شهر خاموش است ولی اضطراب عمومی باقی است و قشون مشغول تجسس اسلحه و بمب است. از قراری‌که می‌گویند در اردوی شاه شصت و چهار نفر محبوس هستند. در تبریز جنگ مداومت دارد ولی در سایر ایالات خاموشی باقی است. کلنل لیاخوف به حکومت شهر منصوب گردیده و از قرار معلوم دارای اقتدارات زیاد است.

شاه اعلانی مشعر بر انحلال مجلس صادر نموده . اعلان مذکور اشعار می‌دارد که‌انتخابات جدید در سه ماه دیگر بعمل خواهد آمد و مجلس سنائی هم تشکیل داده خواهد شد.

نمره ــ ۱٤٥

تلگراف مستر مارلین [مارلینگ]به سرادواردگری مورخهٔ ۲٦ژون [٥تیر؛ ۲٦ج۱] از طهران

ظل‌السلطان از من تقاضای کمك و حمایت نموده است. حضرت‌والا پس از یادآوری از خدمات جدید در شیراز و دوستی قدیم ایشان با سفارت اعلیحضرتی‌استدعامی‌نماید که من اقدامی نموده ایشان را در حفظ املاك و امنیت خانواده و بستگان مطمئن سازم . حضرت مشارالیه حاضر است که به اصفهان و یا به اروپا حرکت نماید و یا اینکــه در صورت امداد پولی برای حرکت در شیراز توقف خواهد نمود.

-نمره ــ ۱٤٦

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری، مورخهٔ ۲۷ژون [٦تیر ؛ ۲۷ ج ۱] از طهران راجع به تلگراف ۲٥ این ماه شما

امروز عصر وزیر امور خارجه از من ملاقاتی نموده و پیغام ذیل را از طرف شاه به‌من ابلاغ نمود. اعلیحضرت شاه حاضر است که به تمام اشخاصی‌که در سفارت متحصن شده‌اند عفو عمومی عطا نماید و مایل هم نیستند که هیچکدام آنها محاکمه بشوند. حرکــت اشخاص مذکور شرط عفو آنها نخواهد بود ولی درصورتی که بعضی از آنها خارج بشوند باعث خوشحالی شاه خواهد گردید.

درجواب‌من‌شرط نمودم که شاه باید عفو آنها را امضاء نماید و هرچند که جناب وزیر بدواً اظهار نمودندکه قول فقط کافی خواهد بود ولی بالاخره قبول نمودند که عفونامه‌ها

را به امضای شاه برسانند. بعلاوه من اظهار نمودم که در صورتیکه عفو بدون شرط ازطرف شاه‌عطا گردد آنوقت دیگر من نخواهم توانست مسئولیت خارج شدن بعضیها را به‌عهده بگیرم چونکه پیشنهاد وزیر امور خارجه به نظر من موافق شرایط پیشنهاد شما بود لهذا من قبول نمودم که یادداشتی به‌جناب ایشان نوشته و مضمون صحبت خودمان را در آن درج نمایم ودرصورتی که جواب یادداشت مذکور رضایت‌بخش بود جناب ایشان قبول دارند که جواب را برای شما بفرستند.

جناب وزیر اظهار داشتند که دوفقره اعلان مشعر بر عفو از طرف شاه صادر گردیده است ولیکن از طرف دیگر قانون نظامی در تمام شهرهای ایران اعلان گردیده‌وموافق قانون نظامی هرنوع اجتماعات عمومی و حمل اسلحه ممنوع می‌باشدو به سربازان اجازه داده شده که درصورت بی‌احترامی اسلحهٔ خود را استعمال نمایند.

نمره ــ ۱٤۷

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری ، مورخه ۲۷ ژون [٦ تیر؛ ۲۷ ج ۱] ازطهران

راجع‌به تلگراف امروز من

وزیرامور خارجه عقیدهٔ من را در خصوص اعلانات شاه سئوال نموده من عقیدهٔ شخصی خود را اینطور اظهارنمودم‌که اگر انتخاب مجلس جدید تا سه ماه دیگر به عهدهٔ تعویق افتد آن وقت دولت اعلیحضرتی‌گمان نخواهند[خواهند] نمودکه شاه قولی را که برای نگاهداری مشروطیت داده به‌آن قول عمل ننموده است.

علاءالسلطنه جواب داد که هیئتی مرکب از ۱۸ نفر وکیل و عده‌ای از تجار خدمت شاه مشرف شده و اظهار رضایت از اقوال و اطمینانات شاه نمودند. شاه‌تابحال دواعلان عفو عمومی‌صادرنموده و خیال کشتن اشخاص دیگری‌را هم ندارد فقط تابحال دونفر کشته شده‌اند ودو نفر مجتهد هم با احترامات لازمه به کربلا فرستاده شده‌اند. چندین نفر هنوز تقاضای دخول به سفارت نموده‌اند و ظاهراً اعلانات شاه تسکینی به‌اضطراب مشروطیین نداده است.

نمره ــ ۱٤۸

تلگراف مسترمارلینگ به سرادواردگری ، مورخهٔ ۲۷ ژون [٦ تیر؛ ۲۷ج۱] از طهران

راجع به تلگراف ۲۵ این ماه شما

مستحفظ در اطراف سفارت اعلیحضرتی

من به وزیر امور خارجه حالی نمودم که چه اندازه گذاردن قشون در اطراف سفارت جلب دقت دولت اعلیحضرتی را نموده است. جناب ایشان قول دادند که از این واقعه کتباً عذر خواهند خواست.

نمره ــ ۱۴۹

تلگراف سرادواردگری به مستر اوبرن، مورخهٔ ۲۷ ژون [۶تیر؛ ۲۷ج۱] از وزارت خارجه لندن

شما خوب است که به ایزوالسکی اطلاع بدهید که ظل‌السلطان از ما طلب حمایت نموده است (تلگراف ۲۶ ژون مستر مارلینگ را ملاحظه نمایید) و همچنین به جناب ایشان اطلاع بدهید که ما مایل هستیم که در هراقدامی که خواهیم نمود دولت روسیه باما همراهی نمایدوازایشان سئوال نمایید که آیا دولت روسیه همراهی خواهد نمود که از دولت ایران اجازهٔ خروج ظل‌السلطان از ایران باداشتن املاك خودتقاضا بشود. شما این مطلب را درست خاطرنشان ایشان بکنید که آرزوی ما برآن است که اشکالات دیگری در امورات روی ندهد و به عقیدهٔ ما بهترین راه نیل به این مقصود نبودن ظل‌السلطان در ایران است. نظر به همراهی که ما با دولت روسیه در مسئلهٔ جلوگیری تحریکات ظل‌السلطان علیه شاه نمودیم الحال ما مخصوصاً مایلیم که دولت روسیه باما متفق شده وموافق شرایط مذکوره یکنوع حمایت به ظل‌السلطان کرده باشیم.

نمره ــ ۱۵۰

تلگراف سرادواردگری به مستر اوبرن ، مورخهٔ ۲۷ ژون [۶تیر؛ ۲۷ج۱] از وزارت امور خارجه لندن

شما خوب است که به وزیر امور خارجه اطلاع بدهید که چون عمل کردن بطریق ماه دسامبر گذشته باعث بسی اشکالات خواهد بودمن برای شارژدافر اعلیحضرتی دستورالعمل فرستاده‌ام که با سفیر روس مشورت نموده معلوم سازد که به چه‌طریق مؤثری ممکن است خاطر عموم را از اقدامات متحدانه‌ای که جدیداً از طرف دولتین بعمل آمده مستحضر سازید.

نمره ــ ۱۵۱

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه ، ۲۷ژون۱۹۰۸

[۶تیر۱۲۸۷ ؛ ۲۷ج۱ــ ۱۳۲۶]

درباب مسئله‌ای که در تلگراف ۲۷ ژون به مستر اوبرن تلگراف نمودم به ترتیبی که در تلگراف ذکر شد اقدامات متفقه عمل نمایند.

www.adabestanekave.com

نمره ــ ۱۵۲

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصله ۲۸ ژون از طهران)

طهران ۲۸ ژون ۱۹۰۸

[۷تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲۸ج۱ــ۱۳۲۶]

امروز صبح دو دسته مرکب از ۲۸ نفر دور سفارت گردش نموده و ده نفر پلیس هم برای حفظ درب آنجا برقرار گردید. مضمون تلگراف ۲۵ شهر جاری [٤ تیر؛ ۲۵ ج۱] شما را برای وزیر امور خارجه نوشتم .

نمره ــ ۱۵۳

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصلهٔ ۲۹ ژون)

طهران ۲۸ ژون۱۹۰۸

[۷تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲۸ج۱ ــ ۱۳۲۶]

عساکر امروز بعد ازظهر در واقع سفارت را محاصره نمودند و بعضیها برای آنکه ببینند درون باغ چه خبر است بالای درختهای دور سفارت رفته بودند.

مستر چرچیل فوراً حضور شاه رفت که او را از مضمون تلگراف ۲۵ شهر جاری [٤تیر؛ ۲۵ ج ۱] شما مستحضر سازد و نیز اظهار دارد که اقدامی که سفارت در مسئلهٔ قبول متحصنین نموده‌خالصاً از روی نوع‌پرستی وانسانیت بوده است.

منشی شخصی وزیر امور خارجه در این حین به ملاقات من آمده به او آشکارا اظهار داشتم که هرگاه این بی‌احترامیها دوام پیدا کند من یقین دارم‌که دولت اعلیحضرتـی بندری در خلیج فارس تصرف خواهند نمود. منشی مذکور عذری نداشت ارائه نماید.

کلنل لیاخوف که حکومت شهر نیز به عهدهٔ او است مأمور مسؤل حالیه است.

نمره ــ ۱۵٤

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصلهٔ ۲۹ ژون)

طهران ۲۹ ژون ۱۹۰۸

[۸تیر ۱۲۸۷؛ ۲۸ج۱ ــ ۱۳۲۶]

جلوگیری از مردم درآمدن و متحصن شدن در ده قلهك امکان ندارد . چند نفری تاکنون آمده و ممکن است بازهم بیایند. گمان می‌کنم خوب است از آنها هم حفاظت نماییم.

WWW.ADABESTANEKAVE.COM

نمره ۱۵۵

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصلهٔ ۲۹ ژون)

طهران ، ۲۹ ژون ۱۹۰۸

[۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۸ ج۱ ــ ۱۳۲٦]

راجع‌به تلگراف ۲۸ شهر جاری من وقتیکه مستر چرچیل شاه راه ملاقات نمود او متمایل به خود سری بود وهیچ وعدهٔ صریح نمی‌داد. علاءالسلطنه که در حضور او حاضر بود اظهار داشت که‌عنقریب عساکر از دور سفارت برداشته خواهند شد.

امروز صبح هیچیك از عساکر آنجا دیده نشد ولی هشت ژاندارم مسلح گردش می‌کردند و نزدیك ساعت ده ، ٦ سرباز خود را نشان داده بودند و برعدهٔ ژاندارمها افزوده شده بود. یك‌نفردیگر که به سفارت می‌آمد صبح دستگیر شد.

نمره ــ ۱۵٦

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۲۹ ژون ۱۹۰۸

[۸ تیر ۱۲۸۷؛ ۲۸ ج ۱ ــ ۱۳۲٦]

درباب تلگرافات ۲۷ شهر جاری شما در خصوص اوضاع عمومی ایران :

شمامجازمی‌باشید که از شاه وثیقهٔ ممضی برای تأمین جان اشخاص که حالیه در سفارت بست اختیار نموده‌اند قبول نمایید و او را متنبه سازید که در صورتی‌که التزام‌نامهٔ خود راکاملا طابق‌النعل بالنعل مراعات ننماید نتایج آن بی‌اندازه وخیم خواهد بود.

اعلان قانون نظامی لزوماً با عفو کلیه تقصیرات منافات ندارد.

نمره ــ ۱۵۷

تلگراف سر ادوارد گری به‌مستر مارلینگ

وزارت خارجه ، ۲۹ ژون ۱۹۰۸

[۸تیر ۱۲۸۷؛ ۲۹ج۱ــ۱۳۲٦]

متحصنین‌قلهك درباب تلگراف ۲۹ شهر جاری شما باید اشخاصی را که در ده‌متحصن می‌شوند بغیر از مرتکبین جنحه و جنایات مثل سایر دهقانان تصور نمایید.

نمره ــ ۱۵۸

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۲۹ ژون ۱۹۰۸

[۸ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲۹ج۱ــ۱۳۲٦]

تلگراف ذیل از طرف شاه در تاریخ ۲٦ شهر جاری برای اعلیحضرت مخابره شده است:

«اخیراً اقداماتی برای تنبیه بعضی مفسدین که به تحریك ظل‌السلطان می‌خواستند مرا از تخت و تاج و جقهٔ موروثی خود محروم‌سازندنموده‌ام . من باترتیبی که فراهم نموده‌بودم مخالفتی نداشتم ولی‌از طرف‌دیگر مفسدین چنان باعث اغتشاش مملکت شده بودند که دولت و وکلای مجلس شورای (مجلس ملی) کاری ازایشان‌پیشرفت نمی‌نمود. بنابراین من اقدامات برای تخویف‌و تنبیه مفسدین نمودم. من کمال تأسف را دارم از اینکه در چنین موقع مهمی شارژ دافر اعلیحضرتی (به ترغیب مستر چرچیل و ماژوراستوکس؛ آتاشهٔ نظامی) غلامهای خود را که از اعضای انجمنهای مفسد می‌باشندفرستاده ومفسدین‌رابه سفارت دعوت کرده‌اند. این مسئله دخالت آشکار در امورات داخلی ایران است. شکی نیست که اگر به جای این شارژ دافر یك سفیر با تدبیر عاقلی در طهران بود ــ مثل سفرای دیگر ــ البته درب سفارتخانهٔ آن اعلیحضرت را مثل سایر سفارتخانه‌های طهران می‌بست و آنها را نمی‌پذیرفت. در تحت این اوضاع من بطور غیر رسمی (دوستانه) از آن اعلیحضرت تمنا دارم ــ برادر خوب محترم من ــ که شارژ دافر را از اینکارها باز داشته سفیر کاملی بفرستید که بتواند از اعضای سفارت جلوگیری نموده سفارت محترم آن اعلیحضرت در انظارعامهٔ مردم پناهگاه اشخاص بدعمل و شریر جلوه‌گر نشود. از ارسال جواب مساعد آن اعلیحضرت بی‌اندازه متشکر و ممنون خواهم شد.»

نمره ــ ۱۵۹

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۲۹ ژون ۱۹۰۸
[۸تیر ۱۲۸۷؛ ۲۹ج۱ــ۱۳۲۶]

لطف نموده ترجمهٔ تلگراف ذیل را که از طرف اعلیحضرت به عنوان شاه مخابره شده تقدیم نموده سواد آن را نزد وزیر امور خارجه بفرستید:

تلگراف ۲۶ شهرجاری اعلیحضرت شما واصل گردید. من بهیچوجه من‌الوجوه میل نداشته و منافعی برای خود در نظر ندارم که در امورات داخلی مملکت شما دخالت‌نمایم‌و امیدوارم شمادرآن‌مملکت‌از روی عدالت و انسانیت سلطنت خواهید فرمود. کسی را به تحصن در سفارت‌طهران‌دعوت ننموده‌ایم ــ اگر چه بعضی از رعایای شما از ترس جان خود خواسته‌اند در آنجا پناهنده شوند. اعلیحضرت شما بخوبی آگاه هستید که در مملکت شما مرسوم نیست که از پناه دادن به اشخاصی که مقصر جنحه و جنایات نباشند امتناع‌شود و آنهایی‌که فعلا در سفارت من می‌باشند همینکه تأمینات صحیحه داده شود از آنجا خارج خواهند شد. اینکه در تلگراف آن اعلیحضرت اظهار شده که شارژ دافر من مفسدین رابه سفارت دعوت نموده بکلی مغایر با حقیقت است چون او برحسب عادات معمولهٔ آن مملکت عمل نموده و تمام مردم را به تحصن در آنجا تشویق و تحریض ننموده است. اعمال عساکرشما که‌سفارت مرا محاصره نموده واشخاصی را که بیرون می‌آمدند دستگیر می‌کردند توهینی است که نمی‌توان تحمل آن را کرد و هرگاه اقدامات فوری برای انتها دادن

بهاین اوضاع بعمل نیاید من و دولت من از روی بی‌میلی مجبور خواهیم گردید کـه اقدامات برای حفظ شئونات بیرق خود بنماییم.

من به فطانت و حسن نیت شارژدافر خود از هر حیث اعتماد دارم. بدبختانه متجاوز از دو سال است که ایران در لندن سفیری نداشته که وزیر امور خارجهٔ من با او درباب مسائلی که مربوط به مناسبات دو مملکت است مذاکره نماید. اگر چه در مـاه اکتوبر ۱۹۰۸ من‌تعیین سفیر جدیدی را که شما انتخاب نموده بودید قبول نمودم و از قرار مفهوم او هنوز در برلن است.

نمره ــ ۱۶۰

تلگراف مستر اوبرن به سرادواردگری (واصلهٔ ۳۰ ژون)

سنت پطرزبورغ ، ۳۰ ژون ۱۹۰۸

[۹ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱ج۲ــ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف شهر جاری شما به مسیو دوهارت ویك دستورالعمل رسیده که بامستر مارلینگ ترتیبی داده بدان وسیله مضمون مراسلهٔ متحدالمآلی را که دو نفر نماینده به شاه تقدیم نموده‌اند بطور دلخواه نشر دهند.

نمره ــ ۱۶۱

تلگراف مستر مارلینگ‌به سرادواردگری (واصلهٔ ۳۰ ژون)

طهران ، ۲۹ ژون۱۹۰۸

[۸ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲۹ج۱ــ۱۳۲۶]

عساکر دور سفارت اعلیحضرتی:

دولت ایران درمقابل اظهارات من جوابی غیرمکفی ارسال داشته یك‌کلمه درباب ترضیه خواستن در آن شامل نیست .

واضح است که قراولان را محض آن قرار داده‌اند که اتصالا بطور موثر از سفارت کشیك بکشند و پلیسها که بالای دیوارهای باغ هستند اگر کسی داخل و خارج می‌شود اطلاع می‌دهند. در واقع محاصرهٔ عساکر اگر چه مثل سابق چندان نمودی ندارد ولـی به همان طریق مجری است

نمره ــ ۱۶۲

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (واصلهٔ۳۰ ژون)

طهران ، ۳۰ ژون ۱۹۰۸

[۹ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۱ج۲ــ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف قبل از این وزیر امور خارجه دیشب تلگرافی برای من فرستاده در ضمن

آن به امر شاه اظهار تأسف فوق‌العاده از وقوع حادثهٔ اخیر نموده اظهار داشت که اوامر مؤکد به مراکز لازمه داده شده. از قراری که او مذکور داشته علت وقوع این اتفاقات سهوی است از طرف مأمورین که خارج از اندازه مایل به‌انجام وظایف خود بوده‌اند. در جواب رسمی مذکور داشتم که توضیحات او رابه دولت‌متبوعهٔ خود اطلاع خواهم دادولی در کاغذ شخصی خود حضرت معظم‌له را متنبه نمودم که شك دارم از اینکه دولت اعلیحضرتی فقط ترضیه خواستن را برای جبران توهیناتی که در ملاء به سفارت اعلیحضرتی وارد آمده مکفی تصور نمایند.

سفارتخانهٔ اعلیحضرتی پنج روز تمام در تحت محاصره بود و من با نهایت اشتیاق امیدوارم که دولت اعلیحضرتی این ترضیه‌خواهی را قبول ننماید. عساکر تا مسافت چند ذرعی فاصله از درب سفارت یك سوار هندی و یك غلام را که تبعهٔ انگلیس بودند ولباس رسمی‌دربرداشتند و پستهٔ وزارت خارجه را می‌آوردند و چند نفر از مستخدمین غیر مطلع سفارت، جلوگیری ازدخول نمودند وهنگامی‌که منشی‌السنهٔ شرقی ایرانی باتفاق یك نفراز مستخدمین که‌لباس رسمی در برداشت در حرکت بود بعضی تفنگ به کالسکهٔ او قراول رفته بودند و به شخص دیگری که فعلا دستگیرش نموده‌اند شلیك کرده و اشخاصی را که بکلی بی تقصیر بوده‌اند به مسافت چند قدم از درب سفارت گرفتار نموده‌انـد

عساکر به سفارت اعلیحضرتی‌در واقع همانقدر احترامی که نسبت به اهالی در تحت قانون نظامی داشته مرعی داشته‌اند.

دولت ایران به پروتستهای بسیار سخت من بی‌اعتنائی کرده اطمینانات صریحهٔ خودرا کرده‌اند.

نمره ــ ۱۶۳

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصلهٔ ۳۰ ژون)

طهران ، ۳۰ ژون ۱۹۰۸

[۹ تیر ۱۲۸۷؛ ۱ج۲ ــ ۱۳۲۶]

راجع‌به تلگراف امروز من پلیسها باقی هستند ولی مستحفظین که گردش می‌کنند امروز صبح ناپدید شدند .

نمره ــ ۱۶۴

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه،۳۰ژون ۱۹۰۸

[۹ تیر۱۲۸۷ ؛ ۱ج۲ــ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۳۰ ژون شما وزیر امورخارجه را باید اطلاع دهید که ترضیه‌ای که بعمل آمده هیچوجه درمقابل موقع بسیار مهمی که بی‌احترامیهای مکرره بر سفارت

اعلیحضرتی تولید نموده مکفی نمی‌باشد. ما فعلا مشغول تعیین و ترتیب مطالبات خود هستیم و شما را حتی‌الامکان زودتر مستحضر می‌داریم.
تصور می‌کنم فعلا پلیس و قشون از دور و حوالی سفارت برداشته شده .

نمره ـ ۱۶۵

تلگراف مستر اوبرن به سرادواردگری (واصلهٔ غره ژویت)

سنت پطرز بورغ غرهٔ ژویت۱۹۰۸
[۱۰ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲ج۲ـ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۲۷ شهر گذشتهٔ شما، از طرف دولت روس یادداشتی برای من رسیده مشعر براینکه آن دولت موافقت می‌نمایند چنانچه پیشنهاد شده اظهار متحدالمآلی بشود که به ظل‌السلطان و خانواده و بستگان او اجازه داده شوداز خاك‌ایران با تأمین‌جان و مال‌خارج‌شوندو تصور می‌کنند خوب است بطوری که نمایندگان انگلیس و روس موافقت نمایند ظل‌السلطان قراردادهای سال ۱۹۰۷ خود را بعداً تجدید و تصدیق نموده وعدهٔ صریح دهد که پس از تحصیل اجازت فوراً بطرف اروپا رهسپار شود. دولت روس اینطور پیشنهاد می‌کنند که خوب است شاهزادهٔ معظم‌له از بوشهر که نزدیکترین بندر است به کشتی سوار شود.

نمره ـ ۱۶۶

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادواردگری (واصلهٔ غره ژویت)

طهران ، غرهٔ ژویت ۱۹۰۸
[۱۰تیر۱۲۸۷ ؛ ۲ج۲ـ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۲۹ شهر گذشتهٔ شما تا زمانی که قانون نظامی مجری است اعتماد حقیقی در میان مردم وجود نخواهد داشت و اعلان عفو عمومی را عموم تصور می‌کنند برای آن داده شدکه اشخاصی که خود را مخفی داشته‌اند وشاه می‌خواهد آنها را بدست آورد بیرون بیایند.
عقیدهٔ من براین است بتوانم عدهٔ کثیری از بستیها را در صورتیکه قانون نظامی موقوف شود تحریض به ترك سفارت نمایم ولی فعلا از آن می‌ترسند که برحسب مواد اعلان قانون نظامی آنها را ببهانهٔ آنکه در سفارت اعلیحضرتی بست اختیار نموده‌اند دستگیر نمایند.

www.adabestanekave.com

نمره ــ ۱۶۷

تلگراف سرادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، غرهٔ ژویت ۱۹۰۸

[۱۰ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲ج۲ــ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۳۰ ماه گذشتهٔ من ، دولت اعلیحضرتی تصمیم نموده‌اند که مطالبات ذیل را از دولت ایران تقاضا بنمایند:

۱) عساکر و پلیس فوراً از جلو راههای دخول به سفارت برداشته شود و تبعهٔ انگلیس و نوکرها راآسوده گذارده مزاحم آنها نشوند.

۲) پس از آنکه اطلاع لازم داده شد یکی از مأمورین دربار از طرف شاه ووزیر امور خارجه از طرف دولت ایران بطور رسمی ترضیه کامل بخواهند و هردو ایشان باید لباس رسمی دربرداشته باشند.

۳) استخلاص فوری تمام اشخاصی‌که اخیراً در موقعی‌که برای کارهای معمولی خود داخل سفارت شده یا ازآن خارج می‌شدند و دستگیر گردیده‌اند.

٤) وثیقهٔ کتبی برای مال و جان بستیها داده شودو از طرف شاه ممضی باشد.

٥) از بستیهایی که متهم به جنحه و جنایات بوده و تقصیرات پلتیکی نداشته‌اند در حضور یکی از اعضای سفارت اعلیحضرتی محاکمهٔ خوبی بشود.

شما باید این مطالبات را به شاه و دولت ایران عرضه داشته اظهار نمایید که دولت اعلیحضرتی طرح این مطالبات را ریخته و موقع مهمی را کــه بواسطهٔ بی‌احترامیهای مکرره که از طرف عساکر شاه و پلیس در مدت چند روز نسبت به سفارت اعلیحضرتــی تولید گردیده و شارژ دافر اعلیحضرتی پروتست رسمی برعلیه آن کرده با دقت تمام درآن مداقه نموده‌اند شما باید این مطلب را علاوه نمایید که اعادهٔ مناسبات حسنه که تاکنون مابین دومملکت برقراربوده به‌قبول فوری این مطالبات امکان‌دارد وهرگاه مطالبات مذکوره بلاتأخیر قبول و انجام نشود دولت اعلیحضرتی طریق دیگری نخواهد داشت مگــر آنکه اقداماتی که اصلح می‌دانند برای جبران ، که خودرا مستحق آن می‌دانند، بنمایند.

نمره ــ ۱۶۸

تلگراف سر ادواردگری به مستر اوبرن

غرهٔ ژویت۱۹۰۸

[۱۰ تیر ۱۲۸۷ ؛ ۲ج۲ــ۱۳۲۶]

از وزارت خارجه ، لندن

شما خوب است از تعلیماتی که به مستر مارلینگ در تلگراف امروز من فرستاده شده‌وزیر امور خارجه‌را مطلع سازید. ما امیدواریم مسیو ایزوالسکی به تقاضاهای ما همراهــی نماید.

نمره ــ ۱۶۹

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه ، ۲ ژویت ۱۹۰۸
[۱۱تیر ۱۲۸۷ ؛ ۳ج۲ــ۱۳۲۶]

درباب تلگرافی که در غرهٔ شهر جاری از سنت پطرزبورغ رسید ما قصد نداریم که از شاه خواهش تبعید ظل‌السلطان را بکنیم ولی از آن اعلیحضرت باید درخواست شود که او را رخصت خروج از مملکت دهند که با اهل خانه و بستگانش در تحت تأمین مال و جانشان‌حرکت کنند.

اولا باید ظل‌السلطان را از اقدامی که می‌خواهید برطبق ارائهٔ طریق خودش بنمایید مستحضر دارید؛ سپس باید با سفیر روس مشورت کرده و متفقاً به شاه مطلب را عنوان نمایید تازمانی‌که ظل‌السلطان به‌ایران مراجعت نکند وثیقهٔ راجع به‌اموال اوباید معتبرشمرده شود.

نمره ــ ۱۷۰

تلگراف مستر اوبرن به سرادواردگری (واصلهٔ ۳ ژویت)

سنت پطرزبورغ ، ژویت ۱۹۰۸
[۱۲تیر ۱۲۸۷ ؛ ٤ج۲ــ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف غرهٔ ژویت شما مسیو ایزوالسکی بدون آنکه مشروط به شرطی باشد وعدهٔ همراهی و تقویت مطالباتی که بایستی سفارت اعلیحضرتی از دولت ایران بنماید و فوراً بروفق آن دستورالعمل به مسیو هارت ویك می‌دهد. او به من اطمینان صریح داد که کلنل‌لیاخوف در انجام اقدامات اخیرهٔ شاه و قبول عهدهٔ کنترل نظامی شهر طهران (اگر چنین کاری کرده است) بدون اوامر و یا اطلاع و یا تصویب دولت امپراطوری این کار را کرده‌است.

نمره ــ ۱۷۱

تلگراف سرادواردگری به مستر اوبرن

وزارت‌خارجه، ۳ ژویت ۱۹۰۸
[۱۲ تیر ۱۲۸۷ ؛ ٤ج۲ــ۱۳۲۶]

در باب تلگراف غرهٔ شهر جاری شما ارائهٔ طریقی را که دولت روس درخصوص تحصیل تعهدات ازظل‌السلطان مشروط برآنکه ما از بابت او با شاه بعضی مذاکرات نمائیم کرده است ما با آن موافقت داریم؛ وزیر امور خارجه را از این مسئله اطلاع دهید.

نمره ــ ۱۷۲

تلگراف سر ادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه، ۳ ژویت ۱۹۰۸

[۱۲ تیر ۱۲۸۷؛ ٤ج۲ــ۱۳۲٦]

درباب تلگراف امروز من به مستر اوبرن شما مجاز هستید که با موافقت همکار روس خود برطبق آن اقدام نمایید.

نمره ــ ۱۷۳

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ٥ ژویت)

طهران، ٥ ژویت ۱۹۰۸

[۱٤ تیر ۱۲۸۷ ؛ ٦ج۲ ــ ۱۳۲٦]

نگاه داشتن مستحفظین قنسولخانه در شیراز راجع به تلگراف ۲٦ فوریه شما نظر به عزل ظل‌السلطان و حتمی بودن تجدید اغتشاشات این ایالت در تحت‌حاکم‌جدید کفیل قنسولگری می‌خواهد بداند آیا شما تصویب می‌کنید که دستهٔ مستحفظین اینجا بمانند؟

نایب‌الحکومهٔ جدید در موقع دیگر سابقاً ابراز بی‌کفایتی کامل نموده و گمان می‌کنم اصلح این است که نگاه داشتن آنها را در آنجا تصویب بفرمایید چراکه برمن یقین‌است‌که پس از حرکت ظل‌السلطان اغتشاشات جدیداً بوقوع خواهد پیوست.

نمره ــ ۱۷٤

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ٥ ژویت)

طهران ، ٥ ژویت ۱۹۰۸

[۱٤ تیر۱۲۸۷؛ ٦ج۲ ــ ۱۳۲٦]

دیروز باز هم عساکر دور سفارت گردش می‌کردند. مابین ساعت یك وشش‌بعداز ظهر پنج‌دفعه ومابین ساعت نه‌ونیم بعد از ظهر الی ساعت یك بعداز نصف شب سه مرتبه دور زدند. محافظت اطراف سفارت کمتر از سابق اسباب زحمت ما است و عساکر زیاد در آنجا توقف نمودند.

وزیر امور خارجه قرار است که امروز از من ملاقاتی کند. من به حضرت ایشان اشعار نموده‌ام که باید مضمون ترضیه که بایستی بخواهند قبلا به من ارائه نماید.

درباب مطالب در تحت نمره ۳ ، من دقت زیاد در تمیز اشخاصی که باید مستخلص‌شوند خواهم‌کرد چرا که تشخیص آنها اشکال دارد.

یحتمل شاه درخواست نماید که سه یا چهار نفر از متحصنین را از خاك ایران تبعید نماید.